



تحتویات این کتابچه برای سازمان  
International Development Law Organization  
Organisation Internationale de Droit du Développement  
سازمان بین المللی انکشاف حقوق

حقوق جزای اختصاصی بر مبنای کود جزای ۱۳۹۶

(۷)

## جرایم خیانت در امانت و فریب کاری

Breach of Trust and Fraud

سرطان ۱۳۹۸

تهیه و ترتیب: سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: [www.idlo.int](http://www.idlo.int)

## در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجاری شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

## قوانین مورد استفاده:

۱. کود جزای افغانستان، سال ۱۳۹۶
۲. قانون اجراءات جزائی افغانستان، سال ۱۳۹۳
۳. قانون د افغانستان بانک، سال ۱۳۸۲
۴. قانون مدنی افغانستان، سال ۱۳۵۵
۵. اصولنامه تجارت افغانستان، سال ۱۳۳۴
۶. قانون قرارداد های تجارتي و فروش اموال، سال ۱۳۹۳
۷. قانون وکلای مدافع، سال ۱۳۸۶
۸. قانون رهنمای معاملات، سال ۱۳۹۵
۹. قانون اسناد قابل معامله، سال ۱۳۸۷

## فهرست موضوعات

### فصل اول

#### جرم خیانت در امانت

مبحث اول: تعریف خیانت در امانت.....	۴
مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت.....	۵
گفتار اول: عنصر قانونی جرم خیانت در امانت:.....	۵
گفتار دوم: عنصر مادی جرم خیانت در امانت.....	۵
گفتار سوم: عنصر معنوی جرم خیانت در امانت.....	۳۱
مبحث سوم: جرایم در حکم خیانت در امانت.....	۳۳
گفتار اول: خارج ساختن مال از حيازت فروشنده.....	۳۳
گفتار دوم: تصرف در اموال تحت حجز، تحت تصرف قضا و اموال رهنی.....	۳۴
مبحث چهارم: جزای جرم خیانت در امانت.....	۳۸
گفتار اول: جزای حالات عادی.....	۳۸
گفتار دوم: جزای حالات مشدده.....	۴۱
نتیجه گیری فصل اول:.....	۴۷

### فصل دوم

#### جرم فریب کاری

مبحث اول: تعریف فریب کاری و فریب کار.....	۵۱
مبحث دوم: عناصر جرم فریب کاری.....	۵۴
گفتار اول: عنصر مادی جرم فریب کاری.....	۵۴
گفتار دوم: عنصر معنوی جرم فریب کاری.....	۷۲
مبحث سوم: تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب.....	۷۵
گفتار اول: رفتار جرمی مرتکب.....	۷۶
گفتار دوم: مجنی علیه.....	۷۶

۷۷	گفتار سوم: فریب خورده
۷۸	گفتار چهارم: موضوع جرم فریب کاری
۸۰	گفتار پنجم: نتیجه جرم فریب کاری
۸۳	گفتار ششم: وجود سوء نیت عام نزد مرتکب (عنصر معنوی)
۸۴	مبحث چهارم: فریب کاری با استفاده از عدم توانایی مجنی علیه
۸۹	مبحث پنجم: صدور چک بلا محل
۹۰	گفتار اول: تحلیل عنوان ماده ۷۲۸ کود جزا (صدور چک بلا محل)
۹۹	گفتار دوم: رفتارهای جرمی اصدار چک بلا محل و اشکال آن
۱۰۹	مبحث ششم: جزای جرم فریب کاری
۱۰۹	گفتار اول: جزای فریب کاری در عقد ازدواج
۱۱۱	گفتار دوم: جزای تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب
۱۱۲	گفتار سوم: جزای فریب کاری با استفاده از ناتوانی مجنی علیه
۱۱۳	گفتار چهارم: جزای اصدار چک بلا محل
۱۲۱	مآخذ:

## فصل اول

### جرم خیانت در امانت

#### اهداف:

در ختم این فصل درسی، اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مواد کود جزا، مربوط به جرم خیانت در امانت را تحلیل و تجزیه کنند؛
- ☞ تعریف جرم خیانت در امانت مندرج ماده ۷۲۰ کود جزا را تحلیل کنند؛
- ☞ عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم خیانت در امانت را تشخیص درست نمایند؛
- ☞ مصادیق جرم خیانت در امانت مطابق کود جزای افغانستان را شناسایی کنند؛
- ☞ نقاط افتراقی جرم خیانت در امانت با جرایم فریب‌کاری، سرقت و غصب را بیان کنند؛
- ☞ قضایای جزایی مربوط به جرم خیانت در امانت را در پرتو کود جزا، وصف جرمی صحیح بدهند؛
- ☞ مجازات حالات عادی و مشدده جرم خیانت در امانت را تشخیص صحیح و تطبیق درست نمایند؛ و
- ☞ ملاحظات مطروحه در کود جزا، پیرامون جرم خیانت در امانت را شناسائی، تحلیل و ارزیابی نموده، با حل نمودن قضایای فرضی و سوالات مباحثی، و با وارد نمودن تفکرهای انتقادی، قدرت تحلیل و ارزیابی حقوقی خویش را قویتر و ظرفیت و توانایی‌های مسلکی خویش را بلند ببرند.

#### عناوین:

۱. تعریف خیانت در امانت.
۲. عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم خیانت در امانت.

۳. جرایم در حکم خیانت در امانت.

a. خارج ساختن مال از حیازت فروشنده.

b. تصرف در اموال تحت حجز، تحت تصرف قضا و اموال رهنی.

۴. مجازات خیانت در امانت.

a. مجازات حالات عادی.

b. مجازات حالات مشدده.

## فصل اول

### خیانت در امانت

#### مقدمه:

امانت داری در دین مقدس اسلام و سایر ادیان یکی از اخلاق پسندیده و رفتار نیک شناخته شده است. برعکس، خیانت بر امانت، یک رفتار زشت و قبیح پنداشته می‌شود. از اینکه خیانت در امانت یکنوع تعدی بر حقوق خصوصی و نقض ارزشهای اجتماعی می‌باشد، تمام نظامهای حقوقی، خیانت در امانت را جرم تلقی نموده و مرتکب آنرا قابل مجازات دانسته اند. هدف از جرم انگاری خیانت در امانت، در قدم اول حمایت از اموال اشخاص، سپس حمایت از اعتماد رایج در تعاملات میان مردم است. جرم خیانت در امانت همانند سرقت و فریب کاری، از جمله جرایم علیه اموال محسوب می‌شود.

کود جزای افغانستان ۱۳۹۶ نیز خیانت در امانت را جرم پنداشته و احکام آنرا در مواد (۷۲۰ - ۷۲۴) تنظیم نموده است. احکام مربوط به جرم خیانت در امانت در این جزوه آموزشی به چهار مبحث تقسیم شده است؛ تعریف خیانت در امانت (مبحث اول)، عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت (مبحث دوم)، جرایم در حکم خیانت در امانت (مبحث سوم) و مجازات جرم خیانت در امانت (مبحث چهارم).



### مبحث اول: تعریف خیانت در امانت:

روش حاکم در قانون جزای ۱۳۵۵ این بود که قانون، جرم را تعریف نمی‌کرد بلکه مرتکب جرم را تعریف می‌کند. همین روش در کود جزا نیز سایه افکنده است؛ ماده ۷۲۰ کود جزا، خیانت در امانت را باید تعریف می‌کرد که نکرده، بلکه یک سلسله اعمالی را ذکر کرده است که شخص در صورت ارتکاب آن، مرتکب خیانت در امان محسوب می‌شود. ماده مذکور چنین تصریح می‌کند: «شخصی که پول یا مال منقول یا سند یا مهر یا امضا را که به اساس توافق، قرارداد، حکم قانون یا حکم محکمه به وی امانت سپرده شده است، برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا تصاحب کند یا آن‌ها را با سؤنیت تلف یا پنهان سازد یا در آن‌ها طوری تصرف کند که به صاحب مال ضرر وارد شود، مرتکب جرم خیانت در امانت شناخته شده، مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد.»

برخی از دانشمندان حقوق<sup>۱</sup>، خیانت در امانت را چنین تعریف نموده اند: "خیانت در امانت عبارت است از: تسلط یافتن یک شخص - به قصد ضرر - بر حيازت کامل مال منقول شخصی دیگری که حق ملکیت یا حق تصرف در آن مال را ندارد و مال مذکور به وجهی از وجوه برای او امانت سپرده شده است."

مطابق ماده ۷۲۰ کود جزا، جرم خیانت در امانت با تحقق شرایط زیر ارتکاب یافته می‌تواند:

۱. مال موضوع جرم، منقول و ملکیت غیر باشد؛
۲. مال برای مرتکب به اساس توافق، قرارداد، حکم قانون یا حکم محکمه به امانت سپرده شده باشد؛
۳. مال تحت حياز کامل مرتکب قرار گرفته باشد.
۴. مرتکب مال را قصداً در ملکیت خود بگیرد یا در آن تصرف مالکانه نماید.

<sup>۱</sup> - الدرہ ماہر عبد شویب، شرح قانون العقوبات، ص ۳۱۸، حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۱۳۳

## مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت:

وصف جرمی یک عمل با شناخت عناصر تشکیل دهنده آن مشخص گردیده و از سایر جرایم مشابه، تفکیک شده می‌تواند. برای تشخیص وصف جرمی خیانت در امانت و تفکیک آن با سایر جرایم علیه اموال مانند فریب‌کاری، سرقت، غصب و غیره، نیاز به شناخت عناصر آن است. جرم خیانت در امانت مانند سایر جرایم، دارای عناصر قانونی، مادی و معنوی می‌باشد، که هر یک را به طور جداگانه توضیح می‌دهیم.

### گفتار اول: عنصر قانونی جرم خیانت در امانت:

عنصر قانونی جرم عبارت از تصریح عمل جرمی و جزای معین آن در قانون می‌باشد.<sup>۱</sup> جرم بودن خیانت در امانت در مواد ۷۲۰ تا ۷۲۴ کود جزا تصریح شده است. بنا بر این، مواد متذکره، عنصر قانونی جرم خیانت در امانت را تشکیل می‌دهد.

### گفتار دوم: عنصر مادی جرم خیانت در امانت:

عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد.<sup>۲</sup>

جرم خیانت در امانت از جرایم فعل (جرایم ارتكابی) است که با انجام فعل صورت می‌گیرد، این فعل که عنصر مادی جرم خیانت در امانت را تشکیل می‌دهد در ماده ۷۲۰ کود جزا تصریح شده است، و آنرا تحت عنوان "رفتار جرمی" من حیث یکی از اجزای عنصر مادی این جرم بعداً بیان می‌کنیم.

۱. کود جزا، ماده ۳۲.

۲. همان، ماده ۳۳.

اجزای عنصر مادی جرم خیانت در امانت را فعل، موضوع جرم، نتیجه و رابطه سببیت تشکیل می‌دهد که قرار ذیل تشریح می‌شود.

### الف: فعل (رفتار جرمی)

رفتار جرمی خیانت در امانت عبارت است از:

۱. استعمال مال امانت به نفع خود یا شخص دیگر.
۲. تصاحب مال امانت به نفع خود یا شخص دیگر.
۳. تلف یا پنهان نمودن مال امانت با سوء نیت.
۴. تصرف در مال امانت به ضرر صاحب مال.

کلمات استعمال، تصاحب، تلف، پنهان و تصرف، نیاز به توضیح دارد که آنها را به مفهوم ماده ۷۲۰ کود جزا، توضیح می‌دهیم.

استعمال: استعمال عبارت از بکاربردن شی برای بدست آوردن منفعت آن است، مانند سوار شدن موتر، پوشیدن لباس، مورد استفاده قرار دادن سامان آلات برقی، و امثال آنها. به عبارت دیگر؛ استعمال عبارت از بهره برداری از شی بدون داشتن قصد تملک آن است.<sup>۱</sup>

سوال قابل طرح این است که آیا از نظر کود جزا، هر نوع استعمال مال امانت، ولو به صاحب مال ضرر وارد نشود، جرم خیانت در امانت شناخته می‌شود؟

از متن ماده ۷۲۰ کود جزا، دو مفهوم برداشت می‌شود:

اول: قانونگذار کلمه "استعمال" را مشروط به وارد شدن ضرر به صاحب مال نکرده، بلکه آنرا بطور مطلق ذکر است، و اطلاق این کلمه چنین افاده می‌کند که هر نوع استعمال مال امانت؛ جرم است و لو در اثر استعمال، ضرری بر صاحب مال وارد نشده باشد.

<sup>۱</sup> - الدرّة، ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۳۱۹.

مفهوم دوم: تنها استعمالی جرم پنداشته می‌شود که در اثر آن ضرری بر صاحب مال وارد شود. به دلیل اینکه در اخیر پاراگراف ماده ۷۲۰ کود جزا، تصریح شده است که: «.. یا در آنها طوری تصرف کند که به صاحب مال ضرر وارد شود»، و استعمال نیز یک نوع تصرف است.

در یک دیدگاه دیگر، دو کلمه "استعمال" و "تصرف" در ماده فوق الذکر دو معنای متفاوت دارند؛ استعمال به معنی به کار گیری است، و تصرف، شی را از یک حالت به حالت دیگر تغییر دادن، مالک شدن و تصاحب است، از اینکه تصاحب در ابتدا ذکر شده است، بناء کلمه "تصرف" در اینجا صرف معنی تغییر دادن مطلوب است.

### فعالیت شماره (۱)

#### سوالات مباحثوی:

با در نظر داشت دو مفهوم ارائه شده از کلمه "استعمال" مندرج ماده ۷۲۰ کود جزا، به سوالات زیر پاسخ بدهید؟

سوال اول: شخصی مبلغ یک صد هزار افغانی را به امانت گرفته و آنرا در صندوق خاصی و در محل محفوظی گذاشت تا ضایع نشود. روزی نسبت ضرورت شدیدی که به پول پیدا کرد، مبلغ ده هزار افغانی آنرا مصرف کرد، و در اخیر همان ماه، مبلغ متذکره را به صندوق برگشتاند. آیا شخص مذکور مرتکب جرم خیانت در امانت شده است یا خیر؟

سوال دوم: شخصی موتری را به امانت گرفته و آنرا در گراچ خانه اش ایستاده کرده بود. در یکی از نیمه های شب، مادر او مریض شد، شخص مذکور توسط این موتر، مادر خود را به شفاخانه انتقال داد و موتر را بطور سالم به گراچ برگردانید، و تیل مصرف شده را نیز به تانکی موتر برگرداند. آیا شخص مذکور مرتکب خیانت در امانت شده است یا خیر؟

سوال سوم: شخصی که یک پایه کمپیوتر جدید را به امانت گرفته بود، آنرا به مدت شش ماه برای کارهای شخصی خود استفاده کرد. آیا این شخص مرتکب جرم خیانت در امانت شده است یا خیر؟

## پاسخ‌های احتمالی فعالیت شماره (۱)

اگر وارد شدن ضرر به صاحب مال، در اثر استعمال، شرط تحقق جرم خیانت در امانت باشد، استعمال کنندگان قضیه اول و دوم، مرتکب جرم نشده اند، بخاطری که در اثر استعمال آنها، هیچ ضرر به صاحب مال، وارد نشده است. و اگر وارد شدن ضرر به صاحب مال، در اثر استعمال، شرط تحقق جرم خیانت در امانت نباشد، در قضیه اول و دوم، جرم خیانت در امانت واقع شده است.

در قضیه سوم، جرم خیانت در امانت واقع شده است، زیرا کمپیوتری که به مدت شش ماه استعمال شود، یقیناً قیمت آن پایین می‌آید و صاحب آن متضرر می‌شود.

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

تصاحب: به معنی صاحب شدن است. مال امانت وقتی تصاحب می‌شود که امانت گیرنده آنرا از ملکیت امانت دهنده، خارج و در ملکیت خود بگیرد.

تصاحب در لغت به معنای مرافقت و همراهی است،<sup>۱</sup> و در ادبیات حقوقی افغانستان به معنای صاحب شدن یا مالک شدن است. ماده ۱۹۸۵ قانون مدنی افغانستان در رابطه به تصاحب، چنین تصریح می‌کند: «شخصی که مال منقول مباح را قبل از دیگران بدست آرد، مالک آن شناخته می‌شود.»

با این توضیح می‌توان گفت که منظور از تصاحب در ماده ۷۲۰ کود جزا، مالک شدن مال امانت است. مانند اینکه امانت گیرنده، مال امانت را به صاحبش مسترد نکند.

تلف کردن: به معنی از بین بردن یا نابود کردن است. نظر به صراحت ماده ۷۲۰ کود جزا، تلف کردن مال امانت وقتی جرم پنداشته می‌شود که با سوء نیت صورت گرفته باشد؛ یعنی امانت گیرنده مال امانت را بخاطر متضرر ساختن امانت دهنده، تلف کرده است.

<sup>۱</sup> - ابن منظور، لسان العرب، ۵۱۹/۱، دار صادر، بیروت (نسخه PDF)

طریقه تلف کردن مال در تحقق جرم، اثر ندارد بلکه مال به هر طریقه یا وسیله‌ی تلف شده باشد، جرم خیانت در امانت تحقق می‌یابد.

اطلاق کلمه "تلف" در ماده ۷۲۰ کود جزا، به این معنی است که تلف کردن جزئی نیز در حکم تلف کردن کلی است. برخی از دانشمندان حقوق چنین نگاشته اند: "هرگاه مرتکب تصرف کلی یا جزئی را علیه مال امانت انجام بدهد و در نتیجه‌ی آن کیان مادی مال از بین برود، یا برای همان هدفی که تخصیص داده شده است، دیگر قابل استفاده نباشد، جرم خیانت در امانت تحقق یافته است"<sup>۱</sup>

پنهان کردن: به معنی مخفی کردن مال امانت است به گونه‌ی که صاحب آن دیگر نتواند به آن دست یابد. این عمل زمانی جرم پنداشته می‌شود که با سوء نیت انجام شده باشد. هر گاه تلف مال امانت به گونه‌ی غیر عمدی و بدون تقصیر، صورت گرفته باشد، جرم خیانت در امانت تحقق نمی‌یابد. و در صورتی که رفتار مرتکب غیر عمدی اما توأم با تقصیر (بی احتیاطی یا اهمال) باشد، امانت گیرنده مسئولیت مدنی دارد.

تصرف: تصرف در کود جزا یا قانون مدنی افغانستان، تعریف مشخصی نشده است. تصرف از دیدگاه فقه عبارت از عملی است که شخص اراده انجام دادن آنرا بکند، خواه عمل قولی باشد یا فعلی، به سود انجام دهنده تمام شو یا به ضرر او.<sup>۲</sup>

کود جزا، هر تصرف در مال امانت را جرم خیانت در امانت نشمرده است بلکه تصرفاتی را جرم شمرده که در اثر آن ضرری بر صاحب مال وارد گردد.

اطلاق کلمه تصرف در ماده ۷۲۰ کود جزا، به معنای عموم و شمول است که هر نوع تصرف را در بر می‌گیرد. هر یک از این تصرفات، زمانی جرم خیانت در امانت محسوب می‌شود که ضرری بر صاحب مال وارد گردد. بناء، وقوع ضرر بر صاحب مال، شرط تحقق جرم خیانت در امانت است. برای مثال:

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۲۰۶.

<sup>۲</sup> - الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و أدلته ۸۰/۴، دار الفکر، الطبعة الثانية ۱۴۰۵ هـ.ق، دمشق.

- شخص موتر را به امانت گرفت سپس آنرا به مبلغی فروخت که صاحب مال از آن بسیار خوش شد، یا آنرا به نفع صاحب آن، به کرایه داد، و در نهایت امر، امانت دهنده از امانت گیرنده سپاسگزای کرد. یا شخصی مبلغ یک صد هزار افغانی را به امانت گرفت. سپس آنرا به شخص محتاجی به قرض داد، شخص محتاج مبلغ مذکور را قبل از ختم میعاد عقد امانت، برگرداند. در این مثال‌ها، جرم خیانت در امانت واقع نشده است، زیرا با وجود اینکه تصرف در مال امانت صورت گرفته اما ضرری بر صاحب مال، وارد نشده است.
- شخصی موتری را به امانت گرفت، سپس آنرا به نفع صاحب آن به کرایه داد، موتر حادثه کرد، با وجود اینکه کرایه گیرنده آنرا ترمیم کرد اما قیمت موتر در اثر این حادثه به قدری پایین آمد اندازه آن بیشتر از مبالغی بود که از درک کرایه، به صاحب موتر جمع آوری شده بود. یا شخصی مبلغی را به قرض گرفت، سپس آنرا به شخص محتاجی به قرض داد اما شخص محتاج نتوانست مبلغ مذکور را قبل از ختم میعاد عقد امانت، برگرداند و خود امانت گیرنده نیز این مقدر پول نداشت که به امانت دهنده بپردازد. در اثر این تأخیر، امانت دهنده متضرر گردید. در این مثال‌ها جرم خیانت در امانت واقع شده است، زیرا تصرفات امانت گیرنده به ضرر امانت دهنده تمام شده است.

تفاوت میان استعمال و تصرف این است که در "استعمال"، اراده بهره برداری از مال امانت نزد امانت گیرنده وجود دارد، اما در تصرف حتمی نیست که همچون اراده‌یی نزد امانت گیرنده وجود داشته باشد، ممکن است امانت گیرنده به قصد نفع رساندن به صاحب مال، در مال امانت تصرف کند اما این تصرف به ضرر مالک تمام شود.<sup>۱</sup>

**شخصیت مرتکب:**

<sup>۱</sup> - الدرّة ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۳۲۰-۳۲۱.

جرم خیانت در امانت توسط هر شخصی ارتکاب یافته می‌تواند، و وجود وصف خاصی برای مرتکب آن، شرط نیست، درحالی که بعضی از جرایم علیه اموال مانند اختلاس، توسط هر شخصی ارتکاب نمی‌یابد بلکه مرتکب آن باید صفت ویژه‌یی (مؤظف بودن) را با خود داشته باشد.

### فعالیت شماره (۲)

#### سوال مباحثوی:

اگر شخصی عاید ماهوار خود که مبلغ پنجاه هزار افغانی است را نزد خانم خود به امانت بگذارد و برای او بگوید که فقط مبلغ سی هزار افغانی آنرا صرف مخارج خانه کند. اگر خانم بیش از مبلغ تخصیص داده شده را مصرف کند آیا مرتکب جرم خیانت در امانت پنداشته می‌شود؟ با توجه به ماده ۷۲۰ کود جزا به این سوال پاسخ بدهید:

- نظر به ماده مذکور، برای شخصیت مرتکب خیانت در امانت، وصف خاصی قید نشده است.

- مهم نیست که تصرف مرتکب در مال امانت، به منفعت خود یا شخص دیگری باشد.

- پول به اساس توافقِ جانبین نزد خانم به امانت گذاشته شده است.

- تعقیب عدلی جرم خیانت در امانت، از جرایم موقوف به شکایت نیست.

اشتراک کننده‌ها راجع به سوال فوق، به قدر کافی مباحثه کنند سپس پاسخ نهایی را ارائه نمایند.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲)

پاسخ احتمالی توسط نویسندگان ارائه نشده بلکه پاسخ یقینی به مباحثه صنفی میان اشتراک کننده‌ها محول شده است تا استعدادهای شان را بیازمایند.



## ب: موضوع جرم خیانت در امانت

کود جزا در ماده ۷۲۰ از تسلیمی پول، مال منقول، سند، مهر و امضا به مرتکب یاد آوری نموده و ذکر موارد یاد شده، این مطلب را افاده می‌کند که جرم خیانت در امانت به گونه حصری بالای اشیای یاد شده قابل وقوع بوده و فراتر از آن، چیزی دیگری موضوع جرم خیانت در امانت قرار گرفته نمی‌تواند.

شرح مواردی که موضوع جرم خیانت در امانت را تشکیل می‌کند قرار ذیل است:

### (۱) پول:

هرچند پول، مال منقول است اما قانونگذار آنرا جدا ذکر است، اشکال ندارد. پول در بند ۱۷ ماده پنجم قانون د افغانستان بانک<sup>۱</sup> چنین تعریف شده است: «پول وسیله مبادله است که بوسیله افغانستان یا کشور دیگر مجاز شناخته شده و مورد قبول قرار گرفته باشد، این وسیله شامل واحد پولی حسابی نیز می‌باشد که توسط یک سازمان بین‌الحکومتی یا طبق موافقه بین دو یا بیشتر از دو کشور برقرار گردیده باشد.»

وقوع جرم خیانت در امانت در رابطه به پول طوری تصور می‌شود که شخصی مقدار پولی را به شخص دیگری به گونه امانت تسلیم نماید، سپس امانت گیرنده، پول مذکور را به نفع خود یا شخص دیگری، استعمال، تصاحب، تلف، پنهان یا طوری در آن تصرف نماید که به صاحب مال ضرر وارد شود.

### فعالیت شماره (۳)

#### تفکر جمعی:

اشتراک کنندگان در مورد کلمات (استعمال پول، تصاحب پول، پنهان کردن پول و تصرف پول) فکر کنند و برای هر مورد، یک یک مثال ذکر کنند.

<sup>۱</sup> - قانون د افغانستان بانک، منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۹، مؤرخ ۱۳۸۲/۱۱/۳۰

## نتیجه فعالیت شماره (۳)

نتیجه این فعالیت به اشتراک کنندگان محول شده است.

اگر تسلیمی پول شکل امانت را نداشته باشد، مانند اینکه شخصی از دیگری در حالی قرض بگیرد که به یقین می‌داند که توانائی پرداخت آنرا در موعد معینه ندارد، یا شخصی پولی را به عنوان حق الزحمه به وکیل مدافع می‌سپارد، وکیل مذکور پول را می‌گیرد، اما نه عمل مکلف شده را انجام می‌دهد و نه پول متذکره را مسترد می‌نماید، در هر دو مثال، اشخاص مذکور، مرتکبین جرم خیانت در امانت شناخته نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

## (۲) مال منقول:

مال منقول مرتکب از دو کلمه "مال" و "منقول" می‌باشد. راجع به مال، توضیحات کافی در جزوه آموزشی "سرقت و غصب" ارائه شده است، می‌توانید به آن مراجعه کنید.

در رابطه به اینکه کدام مال را می‌توان منقول نامید، در کود جزای افغانستان چیزی تصریح نشده است، اما قانون مدنی، هر مالی که عقار نباشد، آنرا منقول می‌نامد، ماده ۴۷۸ قانون مذکور چنین تصریح می‌کند: «عقار اشیاییست که دارای اصل ثابت بوده و حمل و نقل آن بدون تلف شدن غیر ممکن باشد. اشیائی که واجد این وصف نباشد اشیای منقول شناخته می‌شود.»

از اینکه کود جزا، منقول بودن مال موضوع جرم خیانت در امانت را شرط گذاشته است، جرم خیانت در امانت در اموال عقاری (غیرمنقول) وارد نیست. برای مثال: شخصی که می‌خواست به یک کشور خارجی پناهنده شود، خانه خود را نزد یکی از خویشاوندان خود به امانت گذاشت، اگر شخص امانت گیرنده، خانه را مورد استفاده قرار دهد، یا اشیایی را که به خانه تخصیص داده شده مانند قندیل، الماری و امثال آنها را تصاحب یا تلف نماید، عمل او جرم خیانت در امانت پنداشته نمی‌شود گرچه وصف

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۱۳۹.

جرمی دیگری غیر از خیانت در امانت را بخود خواهد گرفت یا جبران خساره مدنی خواهد داشت. به دلیل اینکه نظر به صراحت ماده ۷۲۰ کود جزا، اشیای غیرمنقول، موضوع جرم خیانت در امانت قرار نمی‌گیرد، و خانه از جمله اشیای غیر منقول است، همچنان نظر به ماده ۴۷۹ قانون مدنی افغانستان، اشیای منقولی را که مالک برای استفاده از عقار تخصیص می‌دهد، عقار پنداشته می‌شود. بناء، قنديل، الماری و امثال آنها، اشیای تخصیص داده به خانه است و عقار محسوب می‌شود و موضوع جرم خیانت در امانت قرار نمی‌گیرد.

### (۳) سند:

سند از جمله اشیایی است که موضوع جرم خیانت در امانت قرار می‌گیرد. کود جزای افغانستان، تعریف مشخصی از سند ندارد. ماده ۹۹۱ قانون مدنی افغانستان، سند را به شرعی و عرفی تقسیم نموده و آنها را چنین تعریف می‌کند: «سند رسمی ورقی است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاص خویش آنچه را به حضور شان گذارش می‌یابد یا از اشخاص ذیعلاقه کسب می‌کند، در آن درج و ثبت نموده باشند. در صورتی که ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب ننموده، مگر اشخاص ذی علاقه به آن امضاء، مهر یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارد.»

سوال قابل طرح این است که آیا هر سند اعم از شرعی و عرفی، موضوع جرم خیانت در امانت بوده می‌تواند؟ پاسخ این است که کلمه "سند" در ماده ۷۲۰ کود جزا، بطور مطلق ذکر شده است و "مطلق عمومیت دارد".

مفهوم سند از دیدگاه دانشمندان حقوق جزا وسیعتر از مفهوم مدنی آن می‌باشد و تمامی انواع اسناد که دارای قیمت ادبی یا اعتباری بوده و یا هر سندی که حالت قانونی یا اجتماعی معینی را ثابت سازد،

شامل کلمه "سند" می گردد، بلکه فراتر از آن، از حیث وقوع جرم علیه اسناد، میان سند "صحیح" و "باطل" نیز تفاوتی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

جرم خیانت در امانت علیه سند، به شیوه های مختلف صورت می گیرد. برای مثال:

- شخصی سندی که نزد او به امانت یا رهن گذاشته شده است را تلف یا پنهان کرده است.
- شخصی کارتی را که برای مالک آن دارای امتیاز مادی یا معنوی است، نزد خود به امانت داشت و بدون اجازه مالک، آن را استفاده و از حق مادی یا معنوی آن مستفید شده است.
- شخصی یک سند دارای ارزش مادی یا معنوی را که نزد خود به امانت داشت، آنرا بدون اجازه مالک، تحت تصرف شخص دیگر قرار داده است.

#### فعالیت شماره (۴)

قضیه فرضی:

گلاب خان که وکیل نکاح خانم شیرین گل بود، نکاح خط را در جیب خود گذاشته تا در یک فرصت مناسب آنرا به شیرین گل تسلیم بدهد اما فراموش او شد. مهر شیرین گل مبلغ یک میلیون افغانی توافق شده بود و در نکاح خط نیز درج گردیده بود. یک سال بعد میان شیرین گل و شوهرش راجع به مهر اختلاف پیدا شد، خانم شیرین گل ادعا داشت که مهرش مبلغ یک میلیون افغانی است اما شوهر می گفت که مهر او مبلغ یک لک افغانی است. شیرین گل به وکیل نکاح خود گلاب خان گفت که نکاح خط او را برایش ارسال کند اما متأسفانه که نکاح خط از نزد گلاب خان مفقود شده بود. آیا گلاب خان مرتکب جرم خیانت در امانت شده است یا خیر؟

اشتراک کننده ها به گروه ها تقسیم شوند و هر گروه نظر خود را با سایر گروهها شریک سازند و آموزگار در اخیر، نتیجه گیری کند.

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۴)

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۹۶۷-۹۶۸.

پاسخ احتمالی توسط نویسندگان ارائه نشده بلکه پاسخ یقینی به کار گروهی اشتراک کننده ها محول شده است تا استعدادهای شان را بیازمایند.

#### (۴) مهر یا امضا:

مهر: وسیله ای که معمولاً نشان و لوگوی مخصوص اشخاص حقیقی، حکمی و ادارات رسمی در آن حک می‌گردد.<sup>۱</sup>

امضا: نوشتن اسم و یا تخلص یا علایم خاص روی کاغذ که به موجب آن شخص صاحب حقوق و تکالیف می‌گردد.<sup>۲</sup> همچنان گفته شده است که امضاء عبارت از علامت یا دستخط ویژه‌ای است که به صاحب آن نسبت داده شده و معرفی کننده‌ی او می‌باشد<sup>۳</sup>، به گونه‌ی که با دیدن آن در پای هر نوشته و یا سندی ثابت گردد که این دستخط متعلق به فلان شخص بوده و سند مذکور از جانب وی صادر گردیده است، و یا او به آنچه که در سند مذکور درج گردیده است، تعهد نموده است یا موافق می‌باشد.

قانون مدنی افغانستان دیده می‌شود که قانونگذار در بسا موارد میان امضا، مهر و نشان انگشت تفکیک نکرده و از حیث اعتبار قانونی، همه را در یک ردیف قرار داده است.<sup>۴</sup> کود جزا نیز در بخش "غصب" میان غصب اسناد، امضا، مهر یا نشان انگشت تفاوتی نگذاشته است بلکه به طور یکسان غصب همه‌ی آنها را جرم شمرده و برای مرتکبین آنها مجازات یکسان پیش بینی کرده است، زیرا تأثیرات آنها در اثبات حقوق و وقایع حقوقی، یکی می‌باشد، اما در این فصل (خیانت در امانت) که ما در پی توضیح آن هستیم تنها از مهر و امضاء نام برده و از نشان انگشت ذکری به عمل نیآورده است. دلیل اش این است که به امانت گذاشتن نشان انگشت نیاز به این دارد که شخص انگشت خود را نزد دیگری به امانت

<sup>۱</sup> . قاموس اصطلاحات حقوقی، پوهنتون کابل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، سال نشر ۱۳۸۷، چاپ اول توسط پروژه عدلی و قضائی افغانستان، اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا USAID.

<sup>۲</sup> . همان

<sup>۳</sup> مرجع قبلی .

<sup>۴</sup> - مراجعه گردد به : فقره دوم ماده ۲۹۱ و مواد ۹۹۱ و ۹۹۵ قانون مدنی.

بگذارد، اما این کار ممکن نیست، در حالی که به امانت گذاشت مهر و امضاء متصور است؛ یعنی شخصی مهر خود را نزد دیگری به امانت می‌گذارد یا امضای خود را به دیگری یاد می‌دهد و موارد اعمال آنرا برایش محدود می‌کند، اگر شخص امانت گیرنده آنرا در موارد دیگری بکار برد، عمل او خیانت در امانت محسوب می‌شود. همچنان مثال دیگری نیز می‌توان ارائه کرد: شخصی ورقه سفیدی که در پای آن مهر یا امضاء نموده و آنرا به شخص دیگری تسلیم نماید تا معلومات معینی را در آن درج نماید، اما شخص امانت گیرنده، در معلومات مذکور زیادت یا کمی می‌کند یا معلومات جدیدی را در آن درج می‌نماید که خلاف توافق قبلی طرفین می‌باشد. این عمل امانت گیرنده، خیانت در امانت پنداشته می‌شود.

### تفکر انتقادی

قوانین جزایی بعضی کشورها<sup>۱</sup>، خیانت در امضاء را یکجا با خیانت در پول و مال منقول، ذکر نکرده اند، بخاطری که بعضی از رفتارهای جرمی مانند "تصاحب"، در مورد مهر و امضاء، متصور نیست، زیرا مهر و امضاء از جمله اشیایی نیستند که در ملکیت شخص دیگری درآیند. بناء، برای امانت گیرنده ممکن نیست که مهر یا امضای شخص امانت دهنده را تصاحب کند. با وجود این؛ کود جزای افغانستان، تصاحب مهر و امضاء را در ردیف تصاحب پول و مال منقول قرار داده است و رفتار جرمی "تصاحب" را نیز بکار برده است؛ گویی اینکه امضاء و مهر قابلیت تصاحب کردن را دارد.

### فعالیت شماره (۵)

#### سوال مباحثوی:

آیا در تحقق جرم خیانت در امانت، مشروع بودن پول یا مال منقول که موضوع خیانت در امانت می‌باشد، شرط است یا خیر؟ برای مثال: اگر شخصی یک میل سلاح غیر مجاز یا مقداری از مواد

۱ - به طور مثال، قانون جزای کشور مصر خیانت در امانت در مورد امضاء را طی ماده جداگانه ۳۴۰ و قانون جزای کشور المغرب آنرا طی ماده جداگانه ۵۵۳، بیان ونحوه وقوع جرم در مورد آنرا به گونه مفصل و مجزا بیان نموده است.

مخدر را غرض نگهداری نزد شخصی به امانت بگذارد و شخص مذکور آنرا بدون اجازه مالک آن، به فروش برساند.

### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۵)

مشروع بودن مالی که در آن خیانت شده است، شرط تحقق جرم خیانت در امانت نیست، زیرا اموالی که حيازت آن برای اشخاص معینی غیر مجاز باشد، حيازت آن برای دولت مجاز است. بناء، اموال غیر مشروع، موضوع جرم خیانت در امانت قرار گرفته می‌توانند.<sup>۱</sup>

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

## مسائل مرتبط به موضوع جرم خیانت در امانت

### یک) تسلیمی موضوع جرم برای امانت گیرنده

مطابق ماده ۷۲۰ کود جزا، در جرم خیانت در امانت شرط است که موضوع جرم (پول، مال منقول، سند، مهر یا امضا) به اساس توافق یا قرارداد یا حکم قانون و یا حکم محکمه، به شخص امانت گیرنده بطور امانت تسلیم داده شده باشد. اما اگر مال به وی تسلیم داده نشده باشد بلکه از طرق دیگری به او رسیده و در آن تصرف نموده باشد، عمل او خیانت در امانت محسوب نمی‌شود، اما ممکن است وصف جرمی دیگری را بخود بگیرد.<sup>۲</sup> چنانچه تصرف در مال گم‌شده توسط یابنده آن، خیانت در امانت نیست، زیرا رکن سپردن یا تسلیمی مال به مرتکب در موضوع مال گم‌شده وجود ندارد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - ر.ک: (نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۱۳۸).

<sup>۲</sup> - ر.ک: ایرج گلدوزیان با یسته های حقوق جزای عمومی صفحه ۲۵۸ چاپ سوم سال ۱۳۹۲

<sup>۳</sup> - صادقی میر محمد حسین، جرایم علیه اموال مالکیت صفحه ۱۵۴

همچنان تسلیمی مال باید با اراده سالم امانت دهنده به امانت گیرنده تسلیم داده شده باشد. این اراده وقتی ناسالم پنداشته می‌شود که مال بطور پنهانی، اگراه یا فریب، انتقال یافته باشد، در آن صورت جرم سرقت، غصب یا فریبکاری تحقق خواهد یافت.

کود جزا برای تسلیمی مال به امانت گیرنده، طرق مشخصی چون توافق، قرارداد، حکم قانون و حکم محکمه را پیش بینی نموده است. همچنان مال باید به عنوان "امانت" تسلیم داده شده باشد، تسلیمی های دیگری که تحت عنوان "امانت" نباشد، در بحث "خیانت در امانت" جا ندارد. ناگفته نباید گذاشت که شی موضوع امانت باید به شرط استرداد آن یا به شرط استعمال آن در مواردی که طرفین روی آن توافق کرده اند، تسلیم داده شده باشد، زیرا قید سپرده شدن مال به گونه امانت، خود اقتضای چنین شرطی را می‌نماید. برای درک بهتر مفاهیم وارده در متن کود جزا، بهتر است ابتداء روی هریک از این شیوه های تسلیمی و سپس روی اصطلاح امانت بحث کوتاهی داشته باشیم:

## دو) طرق تسلیم‌دهی مال امانت:

### ۱- توافق یا قرارداد:

ذکر اصطلاحات "توافق و قرارداد" بطور جدا در ماده ۷۲۰ کود جزا این سوال را به وجود می‌آورد که آیا توافق و قرارداد، دو کلمه مترادف اند یا متفاوت؟ از نظر برخی دانشمندان حقوق، توافق نسبت به قرارداد عمومیت دارد؛ به این معنی که هر قرارداد، توافق است اما هر توافق، قرارداد نیست. اما در مجموع میان این دو اصطلاح تفاوت جدی و وجود ندارد که آثار قانونی بر آن مرتب شود.<sup>۱</sup>

کود جزا تعریف مشخصی از "توافق" و "قرارداد" ارائه نکرده است. همچنان قانون مدنی، تعریف از توافق ندارد اما عقد را در ماده ۴۹۷، چنین تعریف کرده است: «عقد عبارت از توافق دو اراده است به ایجاد یا تعدیل یا نقل یا ازاله حق در حدود قانون.» قرارداد در بند ۱ ماده ۳ قانون قراردادها و فروش

۱- السنهوری، عبدالرزاق أحمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی ۱۳۷/۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.



اموال تجارتي، چنین تعريف شده است: «قرارداد عقدي است که به منظور ایجاد، تعديل، انتقال یا ازاله حق در حدود احکام این قانون بین اشخاص حقيقي یا حکمی منعقد می‌گردد.»

نتیجه این می‌شود که اصطلاحات "عقد و قرارداد" باهم مترادف و یکنوع توافق‌اند، و کتبی بودن، شرط هیچکدام از آنها نیست. سوالی که باقی می‌ماند این است که آیا توافقی وجود دارد که عقد یا قرارداد نباشد؟ شاید وجود داشته باشد اما اکنون در ذهن من چیزی نمی‌آید. به هر صورت، اینکه چرا ماده ۷۲۰ کود جزا، هم از توافق و هم از قرارداد نام برده است، فکر می‌کنم منظور اش از توافق، توافقی‌های عرفی، و منظور اش از قرارداد، توافقی‌های رسمی باشد.

توافق یا قرار داد می‌تواند تحت عناوین مختلفی چون اجاره، امانت، رهن، وکالت یا امثال آنها صورت گیرد.

#### فعالیت شماره (۶)

#### قضیه فرضی:

شخص X مبلغ صد هزار افغانی به شخص Y داد که محلی را به کرایه بگیرد تا اسلحه غیر مجازی را که قرار است در آینده خریداری نمایند، در آن محل جایجا نمایند. شخص Y پول را تسلیم شد اما محلی را به کرایه نگرفت بلکه آنرا تصاحب کرد. X نزد پولیس شکایت کرد، شخص Y به تصاحب پول اعتراف کرد و استدلال نمود که شخص X او را به اجرای یک عمل غیر قانونی توکیل نموده بود، و اینچنین عقد وکالت باطل است، و او با این کار خود مجرم پنداشته نمی‌شود. پولیس با شنیدن این استدلال، وی را رها کرد و در عوض شخص X را به جرم تجارت اسلحه غیر مجاز گرفتار نمود.

#### سوال:

- ۱ - آیا صحت عقد امانت که بر مبنای آن پول در اختیار Y قرار گرفته است شرط می‌باشد و یا خیر؟
- ۲ - آیا اجراءات پولیس در رابطه گرفتاری X درست است یا خیر؟

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۶)

از نظر برخی دانشمندان حقوق، صحت قرارداد در جرم خیانت در امانت شرط نیست و حتی اگر مال بر اساس یک عقد باطل نیز در اختیار شخص قرار گرفته و وی یکی از رفتارهای جرمی خیانت در امانت را علیه آن اجرا نماید، جرم خیانت در امانت تحقق می‌یابد، زیرا هدف جرم انگاری خیانت در امانت، حمایت از حق ملکیت مالی است که به اساس عقد به شخص امین تسلیم داده می‌شود. این اشتباه خواهد بود اگر بگوییم هدف جرم انگاری خیانت در امانت، تضمین وفادارای به تعهدات ناشی از عقد است، که در صورت بطلان عقد، وجبیه‌ی ناشی از عقد نیز منعدم گردد.<sup>۱</sup>

برخی دانشمندان حقوق بر این نظریه چنین اعتراض می‌کنند: تطبیق این نظریه، تعارض میان قانون جزائی و قانون مدنی را به وجود می‌آورد؛ زیرا بر مبنای این نظریه، حقی مورد حمایت قرار می‌گیرد که قانون مدنی آنرا باطل شمرده است.

در جواب باید گفت که میان قانون مدنی و جزائی تعارضی نیست، زیرا قانون جزائی از ملکیت و قانون مدنی از عقد حمایت می‌کنند، و در این مثال، مالی که مورد تعرض قرار گرفته است، منشأ آن عقد باطل نیست، بلکه ملکیت مشروع است که عقد باطل سبب تعرض بر آن شده است.

۲ - اجراءات پولیس در رابطه به گرفتاری X نادرست است، زیرا او تا هنگامی که توسط پولیس گرفتار شد، هیچ سلاحی را خریداری نکرده حتی به خریداری آن شروع نیز نکرده بود. بناء، متهم کردن او به این جرم، وارد نیست.

-----  
نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

## ۲- حکم قانون:

۱- ر.ک: نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، صص ۱۱۵۰-۱۱۵۱

در ماده ۷۲۰ کود جزا، "حکم قانون" یکی از طرقی است که مال یک شخص نزد دیگری، امانت محسوب می‌شود. آیا مثالی را این نوع امانت به خاطر دارید؟ با مراجعه به قانون مدنی افغانستان می‌توان مثالهای از این نوع امانت ها را پیدا کرد. مطابق ماده ۳۸۶، اموال وقفی در نزد ناظر، امانت است. و مطابق مواد ۱۲۶۸ و ۱۲۳۸، اموال مضاربت نزد مضارب، و اموال یک شریک نزد شریک دیگر، امانت است.

### ۳- حکم محکمه:

طریق دیگری که مال یک شخص نزد شخص دیگری جهت حفاظت آن به امانت سپرده می‌شود، حکم محکمه است.

اموال قاصر، ناقص الاهلیت و غائب از جمله اموالی هستند که بر مبنای حکم محکمه، به ولی، وصی و قیم، امانت سپرده می‌شوند، و حدود تصرفات آنها در اموال مذکور را محکمه تعیین می‌کند. از سوی دیگر، در برخی از قضایای جزائی نیز محکمه می‌تواند اموالی را به اشخاصی به امانت بسپارد. برای مثال: ماده (۱۴۴) قانون اجراءات جزائی ۱۳۹۳ چنین تصریح می‌کند: «هرگاه شی ضبط شده از جمله اشیائی باشد که به مرور زمان تلف یا نگهداری آن معادل قیمتش ایجاب مصرف را نماید، فروش آن از طریق مزایده به اجازه محکمه ذیصلاح جواز دارد، و وجوه حاصله طور امانت در بانک گذاشته می‌شود. در این صورت مالک می‌تواند در خلال مدت (۳) سال از تاریخ ختم دعوی، وجهی را که از فروش آن حاصل گردیده، مطالبه نماید.» همچنان فقره (۲) ماده (۲۴۴) قانون مذکور نیز تصریح می‌کند: «محکمه‌ای که اموال محکوم علیه در حوزه قضائی آن واقع می‌باشد، بر اساس درخواست خاریوالی، می‌تواند شخصی را به حیث مراقب اموال محکوم علیه تعیین و به تقدیم ضمانت مکلف نماید. این شخص در تمام امور متعلق به مراقبت اموال و تقدیم حساب نزد محکمه جوابده می‌باشد. وجایب مالی محکوم علیه از اموال تحت مراقبت، مطابق به احکام قانون اداء می‌شود.»

**سه) وجه امانت:**

قانونگذار در ماده ۷۲۰ کود جزا بعد از بیان طرق تسلیم‌دهی (توافق، قرارداد، حکم قانون، حکم محکمه)، تصریح کرده است که مال باید بطور "امانت" تسلیم داده شده باشد.

تسلیمی مال به گونه امانت علاوه بر اینکه آنرا از سایر انواع تسلیم‌دهی چون تسلیمی غرض تملیک و غیره... تفکیک می‌نماید، عنصر اساسی در تکوین جرم خیانت در امانت، دانسته می‌شود، طوری که امانت بودن یا نبودن مال نزد مرتکب، اولاً در تحقق یا عدم تحقق جرم، و ثانیاً در تبرئه یا الزامیت متهم، نقش اساسی دارد.

اطلاق کلمه "امانت" در ماده ۷۲۰ کود جزا، عمومیت را افاده می‌کند و شامل هر نوع امانت می‌شود، اما در قوانین جزائی برخی کشورها چون مصر و عراق، در جرم خیانت در امانت از عقود مشخصی مانند عقد ودیعت، عقد اجاره، عقد عاریه، عقد رهن حیازی، و عقد وکالت نام برد شده است، و عقود مذکور از جمله عقود امانت دانسته شده است، اما آن طوری که قبلاً تذکر داده شد، هرچند انواع عقود امانت در قانون مدنی افغانستان، دقیقاً مشخص نشده نگردیده ولی از برخی امانت‌ها نام برده است، مانند عین اجاره داده شده (ماده ۱۳۷۱)، مبیعه نزد وکیل برای خرید (ماده ۱۵۸۶)، مال ودیعه (ماده ۱۶۱۴)، مال مرهونه (ماده ۱۷۸۶)، مال شریک نزد شریک دیگر (ماده ۱۲۳۸)، مال مضاربت نزد مضارب (ماده ۱۲۶۸) و مال عاریت (مواد ۱۴۵۶ - ۱۴۸۰ قانون مدنی افغانستان)

قابل ذکر است که تسلیمی مال به گونه امانت در جرم خیانت در امانت، موضوع عمده و اساسی است، و باید در مراحل اولی رسیدگی به این جرم، مورد تدقیق و تشخیص قاضی قرار گیرد، زیرا رسیدگی به مراحل بعدی، مشروط به اثبات یا عدم اثبات این قید بوده و شرط گذاشتن آن در اینجا دو امر مهمی را اقتضا می‌نماید:

۱ - قاضی باید امانت بودن مال تسلیم داده شده به متهم، و یا بودن عقد از جمله عقود امانت، را به گونه مستند و صریح، در حکم خویش به اثبات برساند، در غیر آن حکم مذکور ناقص و قابل نقض خواهد بود.

۲ - هرگاه متهم، برای اثبات براءت خویش، چنین استدلال و دفاع نماید که مال متذکره، از جمله اموال امانت نبوده و یا عقد مذکور از جمله عقود امانت نیست، این دفاعیه، ایجاب بررسی جدی توسط محکمه را نموده و در صورت عدم رسیدگی یا عدم ارایه جواب موجه برای رد آن، حکم جزائی مذکور قابل نقض خواهد بود.<sup>۱</sup>

نکته بس مهم و اساسی در رسیدگی به جرم خیانت در امانت این است که چون جرم مذکور ریشه مدنی و با اجراءات مدنی بستگی دارد، لذا بیان مطالب ذیل حتمی دانسته می‌شود:

#### اول: در نظر داشتن اجراءات و قواعد اثبات مدنی

قاضی جزائی حین رسیدگی به جرم خیانت در امانت، جنبه های مدنی این جرم چون بودن عقد از جمله عقود امانت یا تسلیمی مال به وجه امانت و نحوه اثبات این هردو را طبق قواعد حاکم در موضوعات مدنی باید انجام بدهد و در این زمینه احکام قانون اجراءات جزائی ۱۳۹۳ به ویژه ماده ۲۰۰ این قانون را نیز رعایت نماید.<sup>۲</sup>

#### دوم: رسیدگی به دفاعیه ها و استدلالات مدنی

هرگاه متهم برای دفع اتهام جرم خیانت در امانت، استدلالات و دفاعیه های مدنی داشته باشد، حین رسیدگی جزائی باید مورد توجه قاضی قرار گرفته و برای قبول یا رد هر کدام آن، باید دلائل موجه داشته باشد. در این راستا، مطرح کردن دفاعیه های ذیل از طرف متهم، متصور است:

#### - وجود حسابی های تصفیه نشده میان متهم و مالک مال:

هرگاه متهم چنین استدلال نماید که تعاملات قبلی او با مالک مال، تصفیه نشده باقی مانده و نتایج آن نشان خواهد داد که مالک مال، بالای وی حقی ندارد، لذا وی هیچ یک از رفتاری های جرمی خیانت

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۱۴۶.

<sup>۲</sup> - متن ماده ۲۰۰ این قانون، در زمینه چنین صراحت دارد: در حل و فصل دعوای حق العبدی که در پیشگاه محکمه جزائی دایر می شود، احکام قانون مربوط به رسیدگی به دعوای حقوقی تطبیق می گردد.

در امانت چون، تصاحب، تلف یا پنهان نمودن را مرتکب نگردیده است، چنین استدلال نیازمند تحقیق و بررسی جدی محکمه می‌باشد، در غیر آن حکم مذکور ناقص خواهد بود. شکی نیست که طرح همچون دفاعیه‌ای، هرچند در آغاز موجب براءت متهم نمی‌گردد، اما محکمه را ملزم می‌سازد تا حسابات موجوده‌ی طرفین را ارزیابی و بر مبنای آن حکم الزام یا براءت متهم را صادر نماید.

#### - استدلال بر مجرای:

هرگاه متهم چنین دفاع نماید که او در مال تسلیم داده شده، بر اساس مجرای تصرف نموده است. این استدلال باید از جانب قاضی جزائی مورد غور و بررسی قرار گیرد. زیرا ادعای مجرای در حقیقت خلاصه یا وجه دیگری از وجوه حسابات قبلی میان طرفین بوده و لازمه رسیدگی به آن این است که:

۱- هرگاه ادعای مجرای درست باشد و در نتیجه آن ثابت گردد که متهم بر مال و ملکیت مجنی‌علیه، تجاوزی را مرتکب نگردیده است. در این صورت باید به براءت او حکم شود.

۲- ادعای مجرای باید در پرتو قواعد و احکام قانون مدنی به ویژه مواد (۹۳۶-۹۴۶) این قانون رسیدگی گردد و در مواردی که قانون مدنی مجرای را مجاز نمی‌داند، در قضیه جزائی نیز باید ادعای مجرائی شنیده نشود، چنانچه ماده ۹۳۹ این قانون حکم می‌نماید که: «هرگاه ودیعت گیرنده، بالای ودیعت گذار دینی داشته باشد که به امال و دیعت گذاشته شده از یک جنس باشد، و یا غاصب بالای مالک عین مغصوبه دینی داشته باشد که با عین مغصوبه از یک جنس باشد، مجرای بدون رضایت طرفین صورت گرفته نمی‌تواند.»

#### - ادعای داشتن حق حبس مال:

یکی از دفاعیه‌های مدنی دیگری که برای نفی جرم خیانت در امانت مطرح می‌گردد، ادعای داشتن حق حبس مال است، طوری که متهم با ادعای چنین حقی، جرم بودن رفتار خویش را نفی، و عمل خویش را مشروع دانسته و آنرا نوعی استفاده از حق می‌داند.

رسیدگی به همچون ادعا یا دفاع، قاضی جزائی را وادار می‌سازد تا به قانون مدنی مراجعه و این استدلال متهم را در روشنائی آن ارزیابی نماید. در نتیجه مشاهده خواهیم نمود که قانون مدنی

افغانستان در موارد متعددی حق حبس مال را مشروع دانسته است که می توان از حق حبس اموال چون: مال اجاره شده تا وقت رد اجرت ( ماده ۲۳۷۰)، مال رهن تا وقت استیفای دین ( ماده ۲۳۷۱)، مال امانت تا زمان حصول مصارف ( ماده ۲۴۷۲)، عین ساخته شده توسط اجیر تا وقت حصول اجرت ( ماده ۲۳۷۳) و مال خرید شده توسط وکیل تا وقت پرداخت سند ( ماده ۲۳۴۷) یاد آوری کرد. همچنان ماده ۲۳۷۰ این قانون چنین می کند: «اجاره گیرنده می تواند در صورت فسخ اجاره و پرداخت اجرت و پیشکی، مال اجاره شده را تا وقت رد اجرت، حبس نماید.» در مقابل، قانون مدنی در موارد دیگری حق حبس مال را مجاز نمی داند، چنانچه در جزء دوم ( ماده ۲۳۷۱) این قانون تصریح می دارد که: «او (رهن گیرنده) نمی تواند مال مرهونه را در مقابل دین دیگری که سابق از عقد رهن بالای مال مرهونه گیرنده داشت، حبس نماید.»

بنا بر این، هرگاه قاضی جزائی تشخیص دهد که ادعای حق حبس مال از جانب شخص متهم به جرم خیانت در امانت، ادعایی است که قانون مدنی آنرا تأیید و مجاز می داند، دفاع او موجه دانسته شده و در صورت عدم مطابقت، مردود خواهد بود، و متهم ملزم شناخته می شود.

### ج: نتیجه جرم

نتیجه‌ی جرم عبارت از همان ضرری است که در اثر عمل امانت گیرنده (مرتکب) بر امانت دهنده (مجنی علیه) واقع می شود.

سوال قابل طرح این است که آیا جرم خیانت در امانت مندرج ماده ۷۲۰ کود جزا، از جرائم نتیجه‌ی است یا غیر نتیجه‌ی است؟ یا به عبارت دیگر؛ آیا تحقق نتیجه، شرط تحقق جرم خیانت در امانت است؟ همان طوری که گفتیم: نتیجه‌ی جرم خیانت در امانت همان ضرری است که بر مجنی علیه وارد می شود. در ماده مذکور، پنج نوع رفتار جرمی ذکر شده است که عبارت اند از:

۱. استعمال مال امانت؛

۲. تصاحب مال امانت؛

۳. تلف کردن مال امانت؛

۴. پنهان کردن مال امانت؛ و

۵. تصرف در مال امانت.

رفتارهای جرمی فوق الذکر از حیث تحقق نتیجه یا عدم آن، یکسان نیستند؛ در برخی از آنها، تحقق نتیجه شرط نیست، اما در برخی دیگر شرط است. بناءً، نیاز است هریک از آنها را بشکل جداگانه در زیر توضیح بدهیم.

- استعمال مال امانت: اگر امانت گیرنده، مال امانت را طوری استعمال کند که هیچ ضرری بر صاحب مال وارد نشود، یا هیچ تغییری در مال رونما نگردد، آیا امانت گیرنده مرتکب جرم خیانت در امانت محسوب می‌شود یا خیر؟ نویسنده از ماده ۷۲۰ کود جزا دو برداشت دارد و هر دو را رائه می‌کند و شما اشتراک کننده‌ها نیز در مورد هریک به دقت فکر کنید.

برداشت اول: برداشت اول این است که عبارت "به صاحب مال ضرر وارد شود" در ماده ۷۲۰، قیدی برای تمام رفتارهای جرمی مندرج این ماده می‌باشد. با این برداشت می‌توان گفت که استعمال مال امانت در صورتی جرم پنداشته می‌شود که به صاحب مال ضرر وارد شود.

برداشت دوم: برداشت دوم این است که عبارت "به صاحب مال ضرر وارد شود" در ماده ۷۲۰، فقط قیدی برای رفتار جرمی "تصرف" است نه قیدی برای رفتار جرمی "استعمال". بنا بر این، استعمال مال امانت در هر صورت جرم پنداشته می‌شود، خواه به صاحب مال ضرر وارد شود یا نشود.

نوت: نویسندگان هیچ یک از برداشتهای فوق را بریکدیگر ترجیح نمی‌دهند بلکه آنرا به یک بحث صنفی برای اشتراک کنندگان محول می‌کنند.

- تصاحب، تلف یا پنهان کردن مال امانت: تصاحب به معنی صاحب شدن یا مالک شدن مال امانت است. منعی تلف کردن و پنهان کردن نیز واضح است. رفتار جرمی "تصاحب، تلف و پنهان کردن مال امانت" رفتارهای نتیجوی است، و نتیجه‌ی این رفتارها عبارت از ضرری است که بر صاحب مال وارد می‌شود. و این یک امر یقینی است که با تصاحب، تلف و پنهان کردن مال امانت توسط امانت گیرنده، ضرر بر صاحب مال وارد می‌شود.



- تصرف مال امانت: در ماده ۷۲۰، تصریح شده است که این رفتار وقتی جرم پنداشته می شود که در نتیجهی آن، صاحب مال متضرر گردد. بنا بر این، تصرف در مال امانت از جرایم نتیجهجوی است. اگر امانت گیرنده در مال امانت طوری تصرف نماید که هیچ ضرری بر صاحب مال وارد نشود، عمل او جرم خیانت در امانت پنداشته نمی شود.

### فعالیت شماره (۷)

#### سوالات مباحثوی:

سوال اول: شخصی که مبلغ یک میلیون افغانی را نزد خود به امانت داشت، آنرا به دالر تبدیل کرد، و با گذشت چند ماه که نرخ دالر بلند رفت، آنرا به افغانی تبدیل کرد، و در اثر آن مبلغ چهل هزار افغانی فایده آمد. آیا این تصرف امانت گیرنده، جرم خیانت در امانت محسوب می شود یا خیر؟ همچنان بگوئید که مبلغ چهل هزار افغانی فایده تبادله، مربوط کی می شود؟

سوال دوم: هرگاه اموال منقول یک شخص، به حکم محکمه تحت حجز قرار گیرد، و مالک با سوء نیت در آن تصرف کند (یک قسمت آن را بفروشد) اما بقیه ملکیت تحت حجز، دین داینین را تکافو کند، همچنان تصرف مالک مانع اجراآت مورد نظر محکمه نیز نشده باشد. آیا تصرف مالک، وصف جرمی خیانت در امانت را دارد یا خیر؟

سوال سوم: شخصی میوه درختان باغ خود را تا اخیر ماه سنبله نزد دیگری به امانت گذاشت. نظر به شدت گرمی که قابل پیش بینی نبود، میوه باغ در پانزدهم سنبله به اوج پختگی رسید، اگر امانت گیرنده تا اخیر ماه سنبله انتظار می کشید تا آنرا به صاحب اش تسلیم کند، قسمتی از میوه ها از سر درختان پایین می افتید و تلف می شد، لهذا آنرا چید. و نظر به اینکه جایی برای نگهداری میوه های چیده شده نداشت آنرا به فروش رساند. آیا تصرف امانت گیرنده، خیانت در امانت پنداشته می شود؟

#### پاسخ های احتمالی فعالیت شماره (۷)

پاسخ احتمالی سوال اول: تبادله پول افغانی به دالر و سپس به افغانی، یک تصرف است اما این تصرف به ضرر صاحب مال تمام نشده است. و نظر به صراحت ماده ۷۲۰ کود جزا، تصرف در مال امانت

زمانی جرم خیانت در امانت پنداشته می‌شود که ضرری بر صاحب مال وارد شود. بناء، تصرف امانت گیرنده، خیانت در امانت نیست.

پاسخ احتمالی سوال دوم: قضیه مربوط به سوال دوم، جنبه مدنی دارد نه جنبه جزائی، زیرا تصرف در مال محجوز توسط مالک صورت گرفته است نه تصرف در مال امانت توسط امین.

پاسخ احتمالی سوال سوم: تصرف امین در قضیه سوال سوم (چیدن میوه های درختان و فروش آن)، نه تنها به صاحب مال ضرر وارد نشده، بلکه به نفع او تمام شده است.

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

### تفکر انتقادی

کود جزا، رفتار جرمی "تصرف" را بطور صریح مقید به تحقق ضرر نموده است، اما این قید در مورد رفتار جرمی "استعمال" ذکر نشده است، پس آیا تحقق ضرر شرط وقوع جرم در رفتار جرمی "تصرف" شناخته می‌شود؟ یا این قید شامل رفتار جرمی "استعمال" نیز می‌گردد؟ و آیا استعمال، یکنوع تصرف نیست؟

**د: رابطه سببیت:**

در مواردی که جرم خیانت در امانت مقید به نتیجه دانسته شده است لازم است تا نتیجه حاصله (ضرر وارده) محصول رفتار جرمی مرتکب باشد نه محصول عامل دیگری. بنابر این، اگر رفتار جرمی مرتکب منجر به تحقق نتیجه نشود، عمل مذکور شروع به جرم خیانت در امانت محسوب می‌شود.

**فعالیت شماره (۸)****کار گروهی:**

کریم صد بوری گندم را نزد سلیم به امانت گذاشت، سلیم بوری های گندم را در زیرزمینی (ته کوی) خانه خود گذاشته بود، چند مدت بعد سلیم این گندم را آرد کرد. بوری های آرد در همان زیر زمینی بود، در یکی از شبها باران شدید شد و در زیر زمینی آب داخل شد و بیست بوری آرد را خراب کرد. آیا سلیم در زمینه مسئولیت جزایی یا مدنی و یا هر دو را دارد یا خیر؟ اشتراک کننده ها به گروه ها تقسیم شوند و هر گروه قضیه مذکور را بررسی نموده و پاسخ صحیح را به در روشنایی مواد کود جزا دریافت نمایند.

### گفتار سوم: عنصر معنوی جرم خیانت در امانت:

جرم خیانت در امانت از جرایم عمدی است. عنصر معنوی این جرم را سوء نیت عام تشکیل می‌دهد. سوء نیت عام با داشتن علم و اراده، تحقق می‌یابد. منظور از داشتن علم این است که مرتکب بداند که پول، مال، سند، مهر یا امضا، به اساس توافق، قرار داد، حکم قانون یا حکم محکمه، به وی امانت سپرده شده است. اما با وجود این علم و آگاهی، یکی از رفتارهای جرمی مندرج ماده ۷۲۰ را مرتکب می‌شود. منظور از اراده این است که مرتکب، رفتارهای جرمی مندرج ماده ۷۲۰ را به اراده آزاد خود انجام داده باشد، نه تحت کدام جبر و اکراهی.

قصدی بودن جرم خیانت در امانت به این معنی است که مرتکب، رفتارهای جرمی مندرج ماده ۷۲۰ کود جزا را قصداً مرتکب شده باشد. اینکه هریک از رفتارهای جرمی مندرج ماده مذکور چگونه می‌تواند قصداً انجام شود، به شرح ذیل دقت کنید.

- "استعمال مال امانت": استعمال، عملی است که بطور قصدی انجام می‌شود.

- "تصاحب مال امانت": تصاحب عملی است که انجام آن بدون قصد، متصور نیست.

- "تلف کردن مال امانت": این عمل نیز به صورت عمدی یا غیر عمدی انجام شده می‌تواند؛ تلف کردن مال امانت به صورت عمدی، جرم است، اما اگر مال امانت در اثر غفلت یا بی احتیاطی امانت گیرنده، تلف شود، در آن صورت جرم واقع نمی‌شود، و قضیه جنبه مدنی را بخود می‌گیرد و موضوع جبران خساره در میان خواهد آمد.

- "پنهان کردن مال امانت": این عمل بطور عمدی صورت می‌گیرد. وقوع آن بطور سهوی، غیر متصور است.

- "هرگونه تصرف در مال امانت": اعمالی چون استعمال، تصاحب، تلف کردن، پنهان کردن، همه نمونه هایی از تصرف هستند که بطور مشخص از آنها نام برده شده است. قانونگذار در اخیر پاراگراف ماده ۷۲۰ خواسته است تصرف در مال امانت را از گونه حصری بیرون کند و هر گونه تصرفی که به صاحب مال ضرر وارد می‌کند را شامل آن سازد. تصرفی که به صاحب مال ضرر وارد، به گونه عمدی و غیر

عمدی صورت گرفته می‌تواند؛ جرم خیانت در امانت زمانی متحقق می‌شود که تصرف به گونه عمدی انجام شده باشد، اما اگر تصرف به گونه غیر عمدی باشد و به صاحب مال نیز ضرر رسیده باشد، در آن صورت قضیه جنبه مدنی را بخود گرفته و موضوع جبران خساره در میان می‌آید.

در خاتمه، میتوان عنصر معنوی جرم خیانت در امانت را در موارد ذیل خلاصه کرد:

الف - آگاه بودن مرتکب به اینکه:

۱. مالی که نزد او به امانت گذاشته شده است، ملکیت دیگران است نه ملکیت خود او<sup>۱</sup>.
۲. مال مذکور به گونه امانت نزد وی گذاشته شده است و حیازت او حیازت ناقص می‌باشد.
۳. تصرفی که او در مال مذکور انجام می‌دهد خلاف توافق، قرارداد، حکم قانون و حکم محکمه می‌باشد.

ب: ارتکاب اعمال جرمی مندرج ماده ۷۲۰ کود جزا بطور قصدی.

<sup>۱</sup> - گاهی اگر از مال مذکور از خود وی باشد، مانند حالائیکه مال شخص تحت حجز محکمه قرار می‌گیرد، پس بدانند که وی حق تصرف در آن را ندارد.

### مبحث سوم: جرایم در حکم خیانت در امانت:

ماده ۷۲۲ کود جزا، خارج ساختن مال از حيازت فروشنده، و ماده ۷۲۴، حالات ديگري را در حکم خیانت در امانت خوانده و برای هر یک از حالات یاد شده، مجازات مشخصی را تعیین نموده است که شرح آن قرار ذیل است.

#### گفتار اول: خارج ساختن مال از حيازت فروشنده:

خارج ساختن مال از حيازت فروشنده، توسط خریدار را از جمله جرایم در حکم خیانت در امانت پنداشته می شود. ماده ۷۲۲ کود جزا در زمینه چنین تصریح می کند:

" (۱) - شخصی که مال منقولی را خریداری نماید و فروشنده آن را به منظور پرداخت تمام قیمت مال در ملکیت خود نگهدارد و خریدار بدون اجازه قبلی فروشنده طوری در آن تصرف نماید که مال مذکور را از حيازت فروشنده خارج سازد، عمل وی در حکم خیانت در امانت شناخته شده، با نظر داشت ارزش مال به جزای نقدی از پنج هزار تا یک صد هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) - هرگاه فعل مندرج فقره (۱) این ماده توسط فروشنده ارتکاب یابد، مرتکب به عین جزای مندرج فقره (۱) این ماده محکوم می شود.

(۳) - تعقیب عدلی جرایم مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده مشروط به شکایت متضرر می باشد. دعوی قبل از حکم نهائی به انصراف متضرر از شکایت ساقط می گردد، اگر انصراف بعد از صدور حکم بعمل آید، تنفیذ حکم متوقف می گردد."

ماده فوق الذکر در مورد تعاملات مدنی به ویژه راجع به یکی از حالات عقد بیع بحث می کند و تخطی از توافق مدنی را جرم می پندارد. ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی افغانستان، احکام مدنی حالت مذکور را بیان نموده و مال مبیعه را قابل استرداد می داند. ماده مذکور در زمینه چنین تصریح می کند: "هرگاه مشتری قبل از تأدیه ثمن بدون اجازه بایع مبیعه را قبض نماید بایع می تواند مبیعه را مسترد نماید. در صورت هلاک یا معیوبیت مبیعه نزد مشتری، قبض مذکور صحیح پنداشته شده به تأدیه ثمن مکلف می شود."

کود جزا در این مورد به ضمانتهای اجرایی مدنی اکتفا نکرده بلکه این عمل را جرم پنداشته است.

مطابق فقره (۲) ماده ۷۲۲ کود جزا، در صورتی که فروشنده عمل مندرج فقره (۱) ماده مذکور را مرتکب گردد، جزای آن با جزای مشتری فرق نمی‌کند، در حالی که مطابق ماده ۹۶۴ قانون مدنی افغانستان، فروشنده مکلف به ضمان می‌باشد. ماده مذکور در زمینه چنین تصریح می‌کند: "هرگاه ملکیت شی به اساس عقد انتقال نماید، تصرف مالک سابقه قبل از تسلیمی شی، تصرف با ضمان شناخته می‌شود. در صورتی که مالک بنا بر اسباب حق نگهداشت، از تسلیمی شی امتناع ورزد، تصرف او به تصرف امانت مبدل می‌گردد."

مطابق فقره (۳) ماده ۷۲۲ کود جزا، تعقیب عدلی مرتکب این جرم منوط به شکایت متضرر می‌باشد، حتی اگر انصراف از شکایت بعد از صدور حکم الزام صورت گرفته باشد، تنفیذ حکم متوقف می‌گردد.

### گفتار دوم: تصرف در اموال تحت حجز، تحت تصرف قضا و اموال رهنی:

کود جزا در ماده (۷۲۴)، اعمال متعدد دیگری را در حکم خیانت در امانت شناخته است و جزای آنرا نسبت به جرایم خیانت در امانت، خفیف تر تعیین نموده است.

موضوع جرم مندرج ماده ۷۲۴ کود جزا، مشمول اموال تحت حجز، اموال تحت تصرف قضا و اموال مرهونه می‌باشد. ماده مذکور چنین تصریح می‌کند: "اعمال ذیل در حکم خیانت در امانت شناخته شده، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد:

۱- در صورتی که مالک مال منقول که اموال او به حکم قانون یا قرار محکمه تحت حجز قرار گرفته یا تحت تصرف قضا گذاشته شده باشد، مال را به سوء نیت برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا در آن تصرف نماید، یا آن را پنهان کند یا برای شخصی که در مال مذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد تسلیم نکند، به نحوی که منظور اجراءات اتخاذ شده در مورد مال بر آورده شده نتواند.

۲- در صورتی که گرو گیرنده مال مرهونه را نزد مالک آن به امانت بگذارد و مالک مذکور برای خود یا منفعت خود یا منفعت شخص دیگر آن را به سوء نیت استعمال یا بر خلاف مقصدی که به او سپرده شده، در آن تصرف نماید.

فقره (۱) این ماده فوق‌الذکر، موضوع این جرم را مشخص و از اموال منقولی یاد آوری می‌کند که به حکم قانون یا قرار محکمه، تحت حجز یا تحت تصرف قضا، قرار گرفته باشد.

همچنان در این فقره رفتارهای جرم‌معین در قبال اموال فوق‌الذکر تشخیص گردیده است که عبارت است از: استعمال، تصرف، پنهان نمودن یا عدم تسلیمی مال مذکور به مستحق آن، به نحوی که هدف از حجز و تحت تصرف قضاء نهادن، آن متحقق نگردد.

قابل یادآوریست که کود جزا در رابطه به اموال تحت حجز یا تحت تصرف قضا، تعریف مشخصی نداشته و ظاهر سیاق این ماده قانونی بیانگر آن است که میان "اموال تحت حجز" و "اموال تحت تصرف قضا" تفاوت وجود داشته و هرکدام به نوع معینی از اموال دلالت می‌کند، اما اینکه این تفاوت چه بوده و از کجا می‌توان آنرا شناسایی نمود، به معیار یا رهنمودی اشاره نشده است.

البته کلمه "حجز" در کود جزا، در موارد معینی برای سلب یا محدودیت آزادی اطفال استفاده و کاربرد داشته است، که عین مطلب در بند ۲۹ ماده چهارم قانون اجراءات جزائی ۱۳۹۳ نیز انعکاس یافته و گفته شده است که حجز عبارت است از: نگهداری محکوم علیه مصاب به امراض روانی یا ضعف عقلی یا صغارت است در محلی که مطابق احکام قانون به آن اختصاص یافته باشد. اما در قانون مدنی کلمه "حجز" هرچند تعریفی نگردیده است اما از لابلای متون قانونی چنین استنباط می‌گردد که مراد از حجز در قانون مدنی "منع تصرف" در مال است. چنانچه در ماده ۴۸۲ این قانون گفته شده است که در اموال عامه، تصرف حجز و تملک به اساس مرور زمان جواز ندارد.<sup>۱</sup> همچنان همین مفهوم عدم تصرف

<sup>۱</sup> - متن ماده مذکور چنین صراحت دارد:

ماده ۴۸۲ :

(۱) اموال عامه عبارت است از:

۱- اموال منقول و غیر منقول دولت.

۲- اموال منقول و غیر منقول اشخاص حکمی.

۳- اموال منقول و غیر منقول که برای منافع و مصالح عامه تخصیص داده شده باشد.

۴- اموال منقول و غیر منقول که بحکم قانون اموال عامه شناخته شده باشد.

(۲) در این اموال، تصرف، حجز و تملک با اساس مرور زمان جواز ندارد.



در ماده ۸۴۹ در رابطه به حجز اموال مدیون، ماده ۱۶۶۴ در رابطه به حجز اشیای بیمه، ماده ۱۷۶۶ حجز حق حواله شده، و موارد دیگری نیز به کار برده شده است، اما همه بیانگر آن است که اعمال حجز باید از جانب محکمه صورت گیرد.

در رابطه به اموالی که تحت تصرف قضا قرار می‌گیرد، باید یاد آوری کرد که مراد قانونگذار در اینجا به درستی فهمیده نمی‌شود که آیا مراد اموال ضبط شده یا قابل ضبط است که در قانون اجراءات جزایی از آن یاد شده است،<sup>۱</sup> یا اینکه تعمیم بعد از تخصیص بوده و تمامی حالاتی که تصور می‌رود اموال منقول، تحت تصرف قضا قرار گیرد را شامل می‌شود، زیرا اموال تحت حجز (مدنی) که قبلاً ذکر شده است، نیز خود از جمله اموالی است که بر مبنای قانون و به اثر حکم محکمه، تحت تصرف قضا قرار گرفته و کسی حق تصرف در آن را ندارد، مگر به اجازه محکمه.

اموال رهنی که در فقره (۲) این ماده از آن یاد آوری شده است، در حقیقت حالت دومی و متضاد آنچه است که در ماده ۷۲۰ کود جزا، جرم انگاری گردیده و خیانت در امانت خوانده شده است، طوری که در ماده ۷۲۰ از خیانت رهن گیرنده در مال مرهونه، و در فقره (۲) ماده ۷۲۴ سخن از خیانت مالک در مال مرهونه‌ی است که شخص رهن گیرنده بعد از رهن گرفتن، دو باره آنرا به نحو امانت نزد مالک آن می‌گذارد، که در این صورت استفاده مالک از آن به سوء نیت، یا تصرف در آن بر خلاف مقصدی که مال مذکور به وی سپرده شده است، از جانب قانونگذار، در حکم جرم خیانت در امانت خوانده شده و مرتکب آن قابل مجازات دانسته شده است.

### فعالیت شماره (۹)

#### سوال مباحثوی:

کود جزا در ماده ۷۲۴، مشخصاً از اموال منقولی نام برده است که به حکم قانون یا قرار محکمه تحت حجز یا تحت تصرف قضا قرار گرفته و شخص آنرا استعمال، پنهان یا طوری در آن تصرف نماید که

<sup>۱</sup> - قانون مذکور در موارد متعدد از ضبط اموال و اشیای متعلق به جرم یاد آوری نموده است، که قابل مراجعه می‌باشد، به ویژه فصل نهم این قانون که طی مواد ۱۳۸ - ۱۴۴ در قبال اشیای ضبط شده احکامی را بیان نموده است.

منظور حجز یا تحت تصرف قرار دادن آن، بر آورده نشود، سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا اسناد متعلق به دعاوی جزائی، مدنی یا تجارتی که حین رسیدگی به این قضایا، در دسترس محکمه قرار گرفته و به منظور رسیدگی قضایای متذکره در دوسیه دعوی حفظ و نگهداری می‌گردد، شامل این حکم جزائی شده، و پنهان نمودن یا استعمال آن جرم خیانت در امانت دانسته می‌شود، یا خیر؟

### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۹)

از اینکه در ماده ۷۲۰ قانون گذار میان (پول، مال منقول، سند، مهر یا امضا) فرقی نگذاشته است، باید در ماده ۷۲۴ نیز مال منقول، اسناد دارای ارزش مادی یا معنوی را نیز شامل گردد، زیرا از حیث مفیدیت و مرتبط بودن آن به مصلحت صاحب حق، دقیقاً همان نقشی را خواهد داشت که مال منقول دارد، و در مواردی هم ممکن است ارزش مادی یا معنوی یک سند معتبر، بیشتر از ارزش مادی یک مال منقول باشد، لذا از روح این ماده و ماده ۷۲۰ کود جزا چنین استنباط می‌گردد که نباید میان اموال منقول و اسناد تفکیک صورت گیرد، در غیر آن، این ملاحظه قوی و نکته قابل نقدی در کود جزا دانسته می‌شود. برای تأیید این مطلب میتوان از قانون جزای کشور مصر، به حیث مثال استناد نمود که در ماده ۳۴۳ خویش، سرقت اسناد تسلیم داده شده به محکمه را از جرایمی ملحق شده به جرم خیانت در امانت توصیف نموده و برای آن مجازات تعیین نموده است.<sup>۱</sup>

نوت: آنچه در ماده ۴۵۸ کود جزا راجع به سرقت، پنهان و تلف کردن اسناد و اوراق قضائی ذکر شده است فرق می‌کند؛ فرق اش این است که اسناد موضوع جرم مندرج ماده ۷۲۴ کود جزا، مال خود مرتکب است، اما اسناد موضوع جرم مندرج ماده ۴۵۸ کود جزا، مال شخص دیگری است که در اثر اهمال موظف خدمات عامه بر آن تعدی کرده است.

<sup>۱</sup> - نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۲۵۷

## نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

## مبحث چهارم: جزای جرم خیانت در امانت:

کود جزا، مجازات جرم خیانت در امانت را به دو بخش عادی و مشدده تقسیم نموده است، که مجازات عادی در ماده ۷۲۱ و حالات مشدده مجازات آن در ماده ۷۲۳ این کود، بیان گردیده است. برای وضاحت بیشتر طی این مبحث، هریک از حالات متذکره تحت گفتار مستقل مورد بحث قرار خواهد گرفت:

## گفتار اول: جزای حالات عادی:

به موجب حکم ماده ۷۲۱ کود جزا مجازات مرتکب جرم خیانت در امانت به معیار ارزش مال امانت یا شی سپرده شده به نزد مرتکب تعیین گردیده است.<sup>۱</sup> طوری که اگر شی یا مال امانت داده شده الی ده هزار افغانی ارزش داشته باشد جرم خیانت در امانت قباحت شمرده شده مرتکب به مجازات نقدی الی سی هزار افغانی محکوم می گردد و در سایر حالات مندرج ماده ۷۲۱ که ارزش موضوع جرم بیشتر از

<sup>۱</sup> ماده (۷۲۱)

(۱) مرتکب جرم خیانت در امانت قرار ذیل مجازات می گردد:

- ۱- در صورتی که ارزش موضوع جرم تا ده هزار افغانی باشد، به جزای نقدی تا سی هزار افغانی.
- ۲- در صورتی که ارزش موضوع جرم از ده هزار تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی.
- ۳- در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از یک صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی بیش از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی.
- ۴- در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی بیش از یک صد و بیست هزار تا یک صد و هشتاد هزار افغانی.
- ۵- در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حد اکثر حبس متوسط.

(۲) در حالات مندرج فقره (۱) این ماده هرگاه موضوع جرم قابل سنجش به پول نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط یا جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم میگردد

ده هزار افغانی باشد جرم خیانت در امانت جنبه محسوب گردیده و مرتکب آن به جزاهای شدید تری محکوم می‌گردد، متن ماده مذکور در زمینه چنین صراحت دارد:

(۱) مرتکب جرم خیانت در امانت قرار ذیل مجازات می‌گردد:

۱. در صورتی که ارزش موضوع جرم تا ده هزار افغانی باشد، به جزای نقدی تا سی هزار افغانی.

۲. در صورتی که ارزش موضوع جرم از ده هزار تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی.

۳. در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از یک صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی بیش از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی.

۴. در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی بیش از یک صد و بیست هزار تا یک صد و هشتاد هزار افغانی.

۵. در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حد اکثر حبس متوسط.

(۲) : در حالات مندرج فقره (۱) این ماده هرگاه موضوع جرم قابل سنجش به پول نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط یا جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم میگردد.

در رابطه به محتوی فقره (۲) این ماده، یعنی در حالاتی که ارزش موضوع جرم خیانت در امانت به اساس پول قابل سنجش نباشد، مانند استعمال مهر امانت داده شده یا تلف کردن سند امانت داده شده توسط مرتکب، باید گفت که مرتکب در اینجا حسب احوال به مجازات حبس قصیر، متوسط یا جزای

تقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی محکوم می‌گردد، که تعیین مجازات آن نظر به اوضاع و احوال جرم به صوابدید یا صلاحیت محکمه محول گردیده است.

### تفکر انتقادی

در طرز بیان و محتوی فقره (۲) ماده ۷۲۱ کود جزا هم از نظر انشائی وادبی و هم از نظر تطبیقی، مشکلات وجود دارد، طوری که در فقره (۲) تصریح شده است که (در حالات مندرج فقره (۱) این ماده، هر گاه موضوع جرم قابل سنجش به پول نباشد....) در حالی که تمام حالات مندرج فقره (۱) این ماده، بیان گر مواردی است که به پول سنجش شده و هیچ گونه حالات در این فقره وجود ندارد که قابل سنجش به پول نباشد. بناءً عبارت "درحالات مندرج فقره (۱) این ماده" از صدر پاراگراف فقره (۲) ماده ۷۲۱ کود جزا حذف گردد، و متباقی پاراگراف دلالت به اصل مطلب می‌کند.

### فعالیت شماره (۱۰)

#### قضیه فرضی:

پلوشه که یک زن غیر متأهل و یک وکیل مدافع است، در اسناد موکل خود طوری تصرف نموده که وی را متضرر ساخته است. آیا قاضی می‌تواند در تعیین مجازات او از حالات مخففه مسئولیت جزائی مندرج ماده ۲۱۳ کود جزا، استفاده نماید.

در رابطه به پاسخ این سوال، اشتراک کننده‌ها باهم مباحثه نمایند و پاسخ درست و دقیق را ارائه کنند.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۰)

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۰) (..) از طرف نویسندگان ارائه نگردیده بلکه پاسخ یقینی به اشتراک کننده‌ها محول شده است تا استعدادهای شان بیازمایند.

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

### گفتار دوم: جزای حالات مشدده:

کود جزا، حالات دیگری را تحت عنوان حالات مشدده جرم خیانت در امانت تصریح کرده و برای مرتکب آن حد اکثر مجازات جرم ارتکاب یافته را تعیین کرده است. اشخاص مذکور کسانی اند که صفت و سمت ویژه ای دارند و خصوصیات کاری و تعامل آنان اقتضای امانت داری و صداقت بیشتر با مردم را می‌کند. نظر به اینکه خیانت این دسته از مردم، اعتماد تعامل کننده گان از بین می‌برد، لذا برای آن‌ها مجازات شدیدی پیش‌بینی شده است. ماده ۷۲۳ کود جزا در زمینه چنین تصریح می‌کند: "ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط یکی از اشخاص ذیل مشدده دانسته شده، مرتکب به حد اکثر مجازات جرم ارتکابی محکوم می‌گردد:

۱- شخصی که به امر محکمه، مالی به او سپرده شده یا بالای قاصر یا فاقد اهلیت وصی یا قیم تعیین شده باشد یا شخصی که به صفت نماینده قانونی تعیین گردیده در اموالی که به وی سپرده شده است مرتکب جرم خیانت در امانت شود.

۲- حامل، راننده‌ی واسطه حمل و نقل یا شخصی که به هر نحوی مکلف به حمل و نقل مال یا تسلیمی آن به مالک یا نماینده قانونی وی باشد.

۳- وکیل مدافع، دلال، رهنمای معاملات، صراف یا کمیشن کار در رابطه به اسنادی که به آنها به امانت سپرده شده است.

شرح حالات مشدده، مندرج اجزای ۱ الی ۳ ماده ۷۲۳ کود جزا، قرار ذیل است:

۱- حالت مندرج جزء ۱ ماده ۷۲۳ شامل اشخاص زیر می‌شود:

الف- شخصی که به امر محکمه، مالی به او سپرده شده باشد:

اطلاق کلمه "شخص" در جزء ۱ ماده مذکور می‌رساند که ناظرین قضائی، اهل خبره، متخصصین، و بطور عام هر شخصی که محکمه او را به حفاظت مال متعلق به یکی از دعاوی مکلف نموده باشد ا به وی سپرده باشد، شامل این حکم می‌شوند.

علت تشدید مجازات در مورد فوق، نادیده گرفتن قرار محکمه وعدم احترام به آن است، در حالی که انتظار می‌رود همچون اشخاص، بیشتر از هرکس دیگر، در امانت داری محتاط باشند.

ب- وصی، قیم یا نماینده قانونی:

وصی و قیم به اعتبار اینکه مکلف به اداره‌ی اموال ناقص یا فاقد الاهلیت هستند، و نماینده قانونی که ممکن است وکیل اشخاص غائب، یا ناظر بر اموال متنازع فیه باشد، آنها کسانی اند که ماهیت وظیفوی شان ایجاب امانت داری بیشتری را می‌کند، لذا باید اموالی که به آنها سپرده شده است را درست محافظت کنند. در صورت تخطی، مستوجب مجازات تشدید دانسته شده اند.

۲- حالت مندرج جزء ۲ ماده ۷۲۳ شامل اشخاص زیر می‌باشد:

الف- حمالی که مکلف به حمل و نقل یا تسلیمی مال به مالک یا نماینده قانونی وی باشد.

ب- راننده واسطه حمل و نقل که مکلف به حمل و نقل یا تسلیمی مال به مالک یا نماینده قانونی وی باشد.

ج- هر شخصی که مکلف به حمل و نقل یا تسلیمی مال به مالک یا نماینده قانونی وی باشد.

اشخاص فوق الذکر نیز از جمله کسانی اند که طبیعت وظیفه آنان اقتضای امانت داری بیشتری را نموده و در تعاملات روزمره باورمندی مردم بر این است که شخص "حمال" از مالی که به آنان سپرده می‌شود، به خوبی حفاظت می‌کند. از دیدگاه قانون تجارت نیز این امر یکی از مکلفیت های قانونی نقل دهنده بوده و ماده ۸۴۳ این قانون در زمینه چنین صراحت دارد: "در صورتی که حيله یا تقصیر فاحش نقل دهنده، در ضیاع و ضرر به ثبوت رسد، مکلف به تأدیه تمام آن می‌باشد".

## فعالیت شماره (۱۱)

## سوال مباحثوی:

عبارت "راننده واسطه حمل و نقل" مندرج جزء ۲ ماده ۷۲۳ کود جزا را تحلیل و تجزیه نموده به سوالات فرعی زیر پاسخ بدهید:

۱. آیا تصرف راننده‌ی موتر باربری یک شرکت ترانسپورتی که مال به شرکت سپرده شده نه به راننده، شامل حکم مندرج جزء ۲ ماده مذکور می‌شود یا خیر.

۲. در رابطه به تصرف راننده طیاره یا کشتی که معمولاً اموال قابل انتقال برای آنها تسلیم داده نمی‌شود، چی نظر دارید؟

در رابطه به سوالات فوق مباحثه کنید و پاسخ درست را دریافت نمایید.

## پاسخ احتمالی سوال مباحثوی فعالیت شماره (۱۱)

پاسخ احتمالی توسط نویسندگان ارایه نگردیده بلکه پاسخ یقینی به مباحثات داخل صنف محول گردیده است تا اشتراک کنندگان استعدادهای خود را بیازمایند.

۳- حالت مندرج جزء ۳ ماده ۷۲۳ کود جزا شامل اشخاص زیر می‌شود:

الف- و کیل مدافع:



وکیل مدافع در بند اول قانون وکلای مدافع منتشره جریده رسمی شماره ۹۳۴ مؤرخ ۲۶ قوس ۱۳۸۶ چنین تعریف شده است که: «وکیل مدافع: شخصی است که شامل فهرست وکلای مدافع بوده مطابق احکام قانون در پیشگاه محاکم و سایر مراجع از حق مؤکل خویش دفاع یا دعوی را اقامه می نماید».

#### ب- دلال:

در رابطه به تعریف دلال، در ماده ۹۹ قانون تجارت چنین آمده است: «اشخاصی که بالمقوله اجیر خاص هیچ یک از طرفین نبوده و در عقد مقاولات مروجه تجارتي فقط بالمقابل اجرت بین عاقدین وساطت و به این صورت تسهیل عقد معاملات تجاریه را برای خود پیشه اتخاذ نماید دلال نامیده می شود دلال ها دارای حقوق مندرجه این فصل و تکالیف آن می باشند.»

#### ج- رهنمای معاملات:

رهنمای معاملات در بند اول ماده سوم قانون رهنمای معاملات منتشره جریده رسمی ۱۲۳۸ مؤرخ ۱۵ قوس ۱۳۹۵، چنین تعریف شده است: «رهنمای معاملات شغلی است که دارنده جواز نامه آن در انجام معاملات مندرج این قانون، میان طرفین معامله وساطت می نماید.»

بند دوم این ماده نیز معاملات مورد نظر را تعریف و در رابطه به آن چنین می گوید: «معاملات: عقود معینه شامل خرید، فروش، رهن، اجاره، کرایه، بیع جایزی اموال منقول و خرید و فروش وسایط نقلیه می باشد.»

#### د- کمیشن کار:

ماده ۷۸۲ قانون تجارت، کمیشن کار را چنین تعریف می کند: «شخصی که معاملات تجارتي را بنام خود و به حساب صاحب معامله (آمر) در مقابل یک اجرت بحیث کسب معتاده اجرا می کند (کمیشن کار) و مقاوله که در بین صاحب معامله و کمیشن کار منعقد می گردد (مقاوله کمیشن) نامیده می شود.»

در قوانین افغانستان، تعریفی از صراف، معاملات صرافی و حدود صلاحیت‌ها و مسؤولیت‌های قانونی او، پیدا نشد، هرچند اصطلاح مذکور در اذهان عامه مفهوم و مدلول شناخته شده‌ای دارد.

اصطلاح صرافی در نظام حقوق ایران چنین تعریف شده است: «صرافی: هر شرکت سهامی خاص و یا تضامنی که با اخذ مجوز از بانک مرکزی به عملیات خرید و فروش یا نقل و انتقال ارز به صورت نقدی، حواله‌ای و یا به واسطه کارگزاران خارج از کشور و یا به خرید و فروش مسکوک طلا و نقره اشتغال داشته باشد»<sup>۱</sup>.

### فعالیت شماره (۱۲)

#### قضیه فرضی:

حمید می‌خواهد خانه‌ای را خریداری نماید که از طرف شخص دیگر علیه آن دعوای اقامه شده است، حمید برای اینکه بتواند خانه مذکور را به گونه قانونی خریداری نماید، بعد از عقد با یکی از وکلای مدافع، مجموعه‌ای از اسناد را غرض پیشبرد وظیفه محوله به او می‌سپارد. بعد از مدتی وکیل مدافع اسناد را پنهان می‌کند، حمید به پولیس شکایت نموده و در نتیجه وکیل مدافع به جرم ارتکاب خیانت در امانت محاکمه می‌گردد.

#### سوال:

<sup>۱</sup> - دستورالعمل اجرایی مبارزه با پولشویی در صرافی‌ها (موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۱۴۳۴ / ت ۴۳۱۸۲ ک مورخ ۱۴/۹/۱۳۸۸ وزیران) متعلق به ماده ۷ قانون مبارزه با پول شویی، مصوب دوم بهمن ماه ۱۳۸۶ جمهوری اسلامی ایران.

قاضی در تعیین جزای وکیل مدافع، به کدام مواد قانون اسناد، و اندازه آنرا چقدر تعیین می کند؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۲)

قاضی مطابق فقره (۲) ماده ۷۲۱ کود جزا، وکیل مدافع را به حد اکثر حبس قصیر یا به حد اکثر حبس متوسط و یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی محکوم خواهد کرد.

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

## نتیجه‌گیری فصل اول:

بعد از بحث پیرامون جرم خیانت در امانت و تحلیل و تجزیه مواد ۷۲۰ تا ۷۲۴ کود جزا و بررسی مسایل مندرج آن به نتایج ذیل رسیدیم:

۱. کود جزای افغانستان تعریف مشخصی از جرم خیانت در امانت ندارد، بلکه ماده ۷۲۰ این قانون، ارتکاب رفتارهای معینی چون استفاده، تصاحب، تلف کردن، پنهان کردن یا هر گونه تصرف در مال امانت که در اثر آن ضرری بر صاحب مال وارد گردد را جرم خیانت در امانت پنداشته است.
۲. موضوع جرم خیانت در امانت را پول، مال منقول، سند، امضا و مهر، تشکیل می‌دهد.
۳. تسلیمی موضوع جرم خیانت در امانت برای شخص امین، امر حتمی پنداشته می‌شود؛ به این معنی که اگر موضوع جرم خیانت در امانت برای شخص امین به امانت سپرده نشده باشد، عمل مرتکب، وصف جرمی دیگری غیر از جرم خیانت در امانت را بخود خواهد گرفت.
۴. تسلیمی موضوع جرم خیانت در امانت باید به اساس توافق، قرارداد، حکم قانون یا حکم محکمه صورت گرفته باشد.
۵. موضوع جرم خیانت در امانت باید من حیث امانت برای امین تسلیم داده شده باشد.
۶. عنصر قانونی جرم خیانت در امانت را مواد ۷۲۰ تا ۷۲۴ کود جزا تشکیل می‌دهد.
۷. عنصر مادی جرم خیانت در امانت متشکل از رفتارهای جرمی چون استعمال مال امانت، تصاحب، تلف کردن، پنهان کردن یا هر تصرفی که موجب ورود ضرر بر صاحب مال گردد، می‌باشد.
۸. جرم خیانت در امانت از جرایم نتیجه‌جوی است؛ به این معنی که عنصر مادی این جرم زمانی تکمیل می‌گردد که رفتارهای جرمی مرتکب منجر به ورود ضرر بر صاحب مال گردد.

۹. عنصر معنوی جرم خیانت در امانت همانا داشتن قصد جرمی توأم با علم و اراده بوده، آگاهی از ملکیت دیگران، امانت بودن مال مذکور و ناقص بودن حیازت وی را اقتضا می نماید.
۱۰. اخراج مال از حیازت فروشنده توسط مشتری، یا عکس آن؛ اخراج مال از حیازت مشتری توسط فروشنده، تصرف در اموال تحت حجز، تحت تصرف قضا یا اموال رهنی، جرائم در حکم خیانت در امانت پنداشته می شوند.
۱۱. اندازه مالی که در آن خیانت صورت گرفته است، معیار برای مجازات جرم خیانت در امانت تعیین گردیده است.
۱۲. ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط وصی، قیم، نماینده قانونی، حامل، راننده واسطه حمل و نقل، وکیل مدافع، دلال، رهنمای معاملات، صراف و کمیشن‌کار، موجب تشدید مجازات می شود.

## فصل دوم

### جرم فریب کاری

#### اهداف:

در پایان جلسه‌ی آموزش، اشتراک‌کننده‌گان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مواد کود جزا، مربوط به جرم فریب کاری را تحلیل و تجزیه کنند؛
- ☞ تعریف جرم فریب کاری مندرج ماده ۷۲۵ کود جزا را تحلیل کنند؛
- ☞ عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم فریب کاری را تشخیص درست نمایند؛
- ☞ مصادیق جرم فریب کاری مطابق کود جزای افغانستان را شناسایی کنند؛
- ☞ نقاط افتراقی جرم فریب کاری با جرم سرقت و غصب را بیان کنند؛
- ☞ قضایای جزایی مربوط به فریب کاری را در پرتو کود جزا، وصف جرمی صحیح بدهند؛
- ☞ ملاحظات مطروحه در کود جزا پیرامون جرم فریب کاری را شناسائی، تحلیل و ارزیابی نموده، با حل نمودن قضایای فرضی و سوالات مباحثی، و با وارد نمودن تفکرهای انتقادی، قدرت تحلیل و ارزیابی حقوقی خویش را قویتر و ظرفیت و توانایی های مسلکی خویش را بلند ببرند.

#### عناوین:

- ۱- تعریف فریب کاری و فریب کار؛
- ۲- عناصر جرم فریب کاری:
  - أ. عنصر مادی جرم فریب کاری.
  - ب. عنصر معنوی جرم فریب کاری.
- ۳- تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب؛

۴- فریب کاری با استفاده از عدم توانایی مجنی علیه؛

۵- صدور چک بلا محل؛ و

۶- جزای جرم فریب کاری.

## فصل دوم

### فریب کاری

#### مقدمه:

جرم فریب کاری یکی از جرائم علیه اموال است که احکام آن در مواد ۷۲۵ تا ۷۲۸ کود جزا تنظیم شده است؛ مواد متذکره شامل تعریف، عناصر، مصادیق و مجازات جرم فریب کاری می باشد. این جرم با سایر جرائم علیه اموال مانند سرقت، غصب و خیانت در امانت، نقاط اشتراکی و افتراقی دارد. احکام مربوط به جرم فریب کاری را در مباحث جداگانه ذیلاً مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

#### مبحث اول: تعریف فریب کاری و فریب کار:

قانونگذار کود جزا طبق معمول، تعریف مشخصی از جرایم ارائه نمی کند بلکه مرتکب جرم را تعریف می نماید، و در رابطه به جرم فریب کاری نیز از همین راهکار استفاده کرده و مرتکب جرم فریب کاری را تعریف کرده است. قبل از اینکه فریب کار را مطابق فقره (۱) ماده متذکره تعریف و آنرا تشریح کنیم، دو تعریف از جمله تعریف های ارائه شده توسط دانشمندان حقوق راجع به جرم فریب کاری را نقل می کنیم: "فریب کاری عبارت است از تسلط یافتن بر مال منقول ملکیت غیر با استفاده از فریب دادن مجنی علیه و وادار ساختن وی به تسلیمی آن مال."<sup>۱</sup> و در تعریف دیگری گفته شده است که "فریب کاری عبارت است از استیلاء بر حيازت کامل مال دیگران با استفاده از وسایل حيله آمیزی که منجر به تسلیمی مال گردد."<sup>۲</sup>

فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا فریب کار را چنین تعریف می کند: «شخصی که با کاربرد اسم، صفت یا سمت کاذب یا سوء استفاده از سمت واقعی یا دادن اطلاع نادرست در حادثه معین یا امیدوار کردن به

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۹۹۰.

<sup>۲</sup> - الدرّة ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۳۳۱/۲.



یک امر غیر واقعی یا ترساندن از یک امر غیر واقعی یا سایر وسایل فریب‌کارانه، شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت برای خود یا برای شخص دیگری و ادار سازد، مرتکب جرم فریب‌کاری شناخته می‌شود...»

قانونگذار در فقره فوق الذکر، وسایل فریب‌کارانه را محدود نساخته بلکه هفت نمونه‌ی آنرا ذکر کرده و با بکار بردن عبارت "وسایل فریب‌کارانه" آنرا شامل هر وسیله‌ای ساخته است که به اثر آن مجنی علیه فریب خورده و به تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا منفعت یا اجرای خدمت، و ادار گردد.

در روشنایی فقره فوق، فریب‌کاری را می‌توان چنین تعریف کرد: فریب‌کاری عبارت است از کاربرد وسایل فریب‌کارانه به منظور و ادار ساختن شخصی به تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت برای خود یا شخص دیگر.

### تحلیل فقره ۳ ماده ۷۲۵ کود جزا:

فقره ۳ و ۴ ماده ۷۲۵ کود جزا چنین صراحت دارد:

«(۳) هرگاه هر یک از زوجین قبل از عقد نکاح، طرف خود را به امور غیر واقعی از قبیل داشتن تحصیلات عالی یا سرمایه، موقف اجتماعی، شغل یا مجرد بودن، فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آنها صورت گیرد، مرتکب به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

(۴) در حالت مندرج فقره (۳) این ماده تعقیب عدلی مرتکب منوط به شکایت شاکی می‌باشد. شاکی می‌تواند در هر مرحله از تعقیب عدلی از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزا ممتوقف می‌گردد».

فریب‌کاری و فریب‌کار در فقره‌های (۱ و ۲) ماده ۷۲۵ کود جزا، توضیح گردیدند، آنچه در فقره (۳) این ماده تصریح شده است، مصداق خاصی از مصادیق فریب‌کاری نیست زیرا موضوع آنرا مال تشکیل نمیدهد بلکه عقد ازدواج تشکیل میدهد، لهذا تحت تعریف فریب‌کاری مندرج فقره ۱ این ماده قرار نمیگیرد. درواقع این فقره از یک جرم مستقل دیگری بحث می‌کند و فقط به خاطر شباهتی که با جرم

فریبکاری مالی دارد در اینجا ذکر شده است. قابل ذکر است که در مسودهٔ کود جزا در این ماده این موضوع (فقره های ۳ و ۴) وجود نداشت. این موضوع علاوه بر جنبه جزائی، جنبه مدنی مانند صحت یا عدم صحت عقد نکاح، فسخ نکاح و حقوق مرتبه بر آن و غیره مسایل، مربوط محکمه مدنی می شود، و در صورت اقامه دعوی حق العبدی، به آن رسیدگی صورت می گیرد.

تعریف مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ مشتمل است بر عنصر قانونی جرم فریب کاری، عنصر مادی (رفتار جرمی، موضوع جرم، وسایل ارتکاب جرم) و عنصر معنوی، که هر یک را در مبحث بعدی تحت عنوان "عناصر جرم فریب کاری" بحث می کنیم.

## مبحث دوم: عناصر جرم فریب کاری:

وصف جرمی یک عمل با شناخت عناصر تشکیل دهنده آن مشخص گردیده و از سایر جرایم مشابه، تفکیک شده می‌تواند. برای تشخیص وصف جرمی فریب کاری و تفکیک آن با سایر جرایم علیه اموال (سرقت، غصب، خیانت در امانت) نیاز به شناخت عناصر آن است که در زیر بیان می‌شود.

«عنصر قانونی که عبارت از تصریح عمل جرمی و جزای معین آن در قانون می‌باشد»<sup>۱</sup> عنصر قانونی جرم فریب کاری را مواد ۷۲۵ تا ۷۲۸ کود جزاء تشکیل می‌دهد. عنصر مادی و عنصر معنوی جرم فریب کاری را در گفتارهای زیر توضیح می‌دهیم.

### گفتار اول: عنصر مادی جرم فریب کاری

ماده ۳۳ کود جزاء، عنصر مادی را چنین تعریف می‌کند: «عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد»<sup>۲</sup>

جرم فریب کاری از جرایم ارتكابی است، عمل مخالف قانون که عنصر مادی جرم فریب کاری را تشکیل می‌دهد عبارت است از: وادار کردن غیر به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، با استفاده از وسایل فریب کارانه.

اجزای عنصر مادی جرم فریب کاری مشتمل بر فعل، نتیجه و رابطه سببیت می‌باشد، و شرح آنها قرار زیر است:

<sup>۱</sup> - کود جزاء، ماده ۳۲.

<sup>۲</sup> - کود جزاء، ماده ۳۳.

## مطلب اول: فعل

فعل، همان عمل مخالف قانون است، و آنرا تحت عنوان "رفتار جرمی" بحث می‌کنیم. رفتار جرمی خود به خود به وجود نمی‌آید بلکه توسط شخصی انجام می‌شود، و آنرا تحت عنوان "شخصیت مرتکب" بحث می‌کنیم. ممکن است مرتکب، رفتار جرمی را با استفاده از وسایلی مرتکب شود، و آنرا تحت عنوان "وسایل ارتکاب جرم" بحث می‌کنیم. به همین ترتیب، رفتار جرمی بالای یک شی واقع می‌شود، و آنرا تحت عنوان "موضوع جرم" بحث می‌کنیم. تمام این موارد را در روشنایی فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، ذیلاً توضیح می‌دهیم.

### فرع اول: رفتار جرمی

رفتار جرمی فریب‌کاری عبارت است از: وادار کردن غیر به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، با استفاده از وسایل فریب‌کارانه. رفتار جرمی فریب‌کاری را عمل مرتکب تشکیل می‌دهد. بنا بر این، فریب‌کاری نمی‌تواند از جرایم امتناعی باشد.

### فرع دوم: شخصیت مرتکب

جرم فریب‌کاری توسط هر شخصی ارتکاب یافته می‌تواند، و وجود وصف خاصی برای مرتکب آن، شرط نیست، درحالی که بعضی از جرایم علیه اموال مانند اختلاس هستند که توسط هر شخصی ارتکاب نمی‌یابد بلکه مرتکب آن باید صفت "موظف بودن خدمات عامه" را با خود داشته باشد.

### فرع سوم: وسیله‌ی ارتکاب جرم

قانونگذار در فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، هفت وسیله را نام برده است که جرم فریب‌کاری با کاربرد آنها ارتکاب می‌یابد. ذکر هفت وسیله به این معنی نیست که قانونگذار ارتکاب این جرم را به هفت وسیله منحصر ساخته است بلکه با استفاده از عبارت "یا سایر وسایل فریب‌کارانه"، تمام وسایلی را شامل ساخته است که به اثر آن مجنی‌علیه فریب خورده و به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا منفعت یا اجرای خدمت، وادار گردد.

هفت وسیله متذکره در فقره (۱) ماده ۷۲۵ را در زیر توضیح می‌دهیم:

### ۱- کاربرد اسم کاذب:

در کود جزا، و یا سایر قوانین افغانستان - در حد علم نویسنده‌ها - برای اسم، صفت یا سمت کاذب، تعریف مشخصی ارائه نشده است، اما می‌توان گفت که مراد از اسم کاذب، اسم خلاف حقیقت است که مرتکب خود یا شخص دیگری را به آن مسمی می‌کند، خواه این اسم، اسم حقیقی یک شخص باشد یا اسم مستعار. همچنان فرقی نمی‌کند که تغییر در کل اسم یا برخی از آن صورت گرفته باشد.

مثال کاربرد اسم کاذب: فروشنده‌ای در یک تماس تلفونی برای خریدار گفت: پسرم احمد را نزد تان روان می‌کنم پول را برایش تسلیم کنید. در اثنای همین مکالمه، شخصی بنام "لالا" که در آنجا موجود بود و موضوع مکالمه را فهمید، فوراً بطرف خریدار حرکت کرده و نزد او آمد و خود را احمد معرفی کرد و پول را از نزد او گرفت. در این مثال؛ لالا، فریب‌کار است، خریدار، مجنی‌علیه است، اسم کاذب، وسیله ارتکاب جرم فریب‌کاری است، و تسلیمی پول، موضوع جرم فریب‌کاری است.

### ۲- کاربرد صفت کاذب:

مراد از صفت کاذب، وضعیتی است که برای احراز کننده‌ی آن، امتیاز یا صلاحیتی می‌دهد که به اساس آن می‌تواند آنرا اعمال یا از آن بهره‌ای ببرد، مانند قرابت، حرفه، رتب علمی یا مسلکی، نمایندگی و امثال آنها. بنا بر این، شخص با بکاربرد صفت کاذب، ممکن است شخصیت یا اعتمادی کسب کند، و دیگران بر آن باورمند کنند و از وی دلیلی برای صحت آن مطالبه نه نمایند.<sup>۱</sup>

معیار در کذب صفت، این است که ادعا کننده حین ادعا، دارای آن صفت نباشد، اما وجود آن در گذشته یا آینده، اعتبار ندارد. مانند اینکه شخصی قبلاً نماینده یک شرکت تجاری بوده و حین ادعا، معزول گردیده باشد، یا یک محصل طب، خود را داکتر توصیف نموده و برای مریضان نسخه اجرا کند

<sup>۱</sup> - الدرّة، ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۳۳۷

و بعد از گذشت زمان، حقیقتاً داکتر شود. ادعای جزئی صفت کاذب در حکم ادعای کلی صفت کاذب است.

مثال کاربرد صفت کاذب: کریم که با مسئول پارک‌نگ شخصی آشنا هست، موتر خود را در آنجا ایستاده کرد و مبلغ (۲۰'۰۰۰) افغانی نیز به وی تسلیم کرد و گفت: برادرم از هرات می‌آید، موتر و پول را برایش بدهید. روزی شخصی نزد مسئول پارک‌نگ آمد و خود را برادر کریم معرفی کرد، موتر و پول را گرفت و رفت. در این مثال، موضوع جرم فریب‌کاری "انتقال حيازت پول و مال" است. زیرا پول و موتر، ملکیت مسئول پارک‌نگ نبود، بلکه در حيازت او بود.

ناگفته نباید گذاشت که هرگاه ادعای یک وصف طبیعتاً چنان اعتباری نداشته باشد که باعث ایجاد اعتماد نزد دیگران شود، یا معمولاً برای صحت ادعای مدعی، از وی دلیل مطالبه گردد، در آن صورت ادعای چنان وصفی، فریب‌کاری محسوب نمی‌شود، مانند اینکه شخصی خود را انجنیر معرفی کند اما در عین وقت ادعا کند که توانایی معالجه مریض را نیز دارد. اگر با این ادعا مریضی نزد او خود را معالجه کند و برای او پول نیز پردازد، عمل معالجه کننده، جرم فریب‌کاری محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup> سوال قابل طرح این است که اگر یک داکتر جلدی ادعا کند که توان تداوی معده‌ی مریض را دارد، و مریض با وجود علم به جلدی بودن داکتر، خود را نزد وی تداوی می‌کند و برایش پول نیز می‌پردازد، آیا این عمل داکتر، وصف جرمی فریب‌کاری را بخود می‌گیرد یا خیر؟

### ۳- کاربرد سمت کاذب:

معیارهایی که در صفت کاذب بیان شد در سمت کاذب نیز صدق می‌کند، منتها فرق میان صفت و سمت این است که صفت یک وضعیت یا موقعیت عمومی است، اما سمت غالباً به وضعیت‌ها یا موقعیت‌های وظایف رسمی اطلاق می‌شود.

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۲۶-۱۰۳۲.

مثال کاربرد سمت کاذب: دولت در ولایت هرات برای کارکنان دولتی که از مرکز جهت اجرای وظایف کوتاه مدت به این ولایت سفر می‌کنند، مهمان‌خانه‌ای بخاطر شب‌باش و صرف غذای آنها مهیا کرده است. یکی از کارکن دولت که در دوره خدمت خود به این مهمان‌خانه رفت و آمد داشت و مسئولین مهمان‌خانه او را خوب می‌شناختند، کارمند مذکور بعد از تقاعد، زمانی که بخاطر کارهای شخصی خود به ولایت هرات می‌رفت، از این مهمان‌خانه استفاده می‌کرد. در این مثال، موضوع جرم فریب‌کاری، کسب منفعت است.

#### ۴- سوء استفاده از سمت واقعی:

این وسیله، متفاوت از وسایل قبلی است؛ شخص فریب‌کار در کاربرد اسم، صفت یا سمت کاذب، دروغ را بکار می‌برد، اما فریب‌کاری در سوء استفاده از سمت واقعی، دروغ را بکار نمی‌برد، بلکه حقیقتاً از همان سمت برخوردار است، اما از این موقف خویش سوء استفاده می‌نماید و از این طریق، شخص را وادار به تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت می‌سازد، مانند اینکه مؤظف خدمات عامه، شخصی را به دادن پول بنام محصول یا پروژه دولتی، وادار نماید، در حالی که گرفتن همچون پولی، مشروعیت قانونی ندارد.

طوری قبلاً نیز گفتیم؛ کلمه "سمت" به وضعیت رسمی اطلاق می‌شود. هرگاه یکی از موظفین دولت با سوء استفاده از سمت واقعی خویش، پول، مال یا منفعتی بدست آورد، رفتار جرمی او حالات مختلف دارد و در هر حالت، وصف جرمی خاصی را بخود می‌گیرد:

اول: اگر مال یا منفعتی را که بدست آورده است مال دولتی بوده و به حکم وظیفه به وی سپرده شده باشد، وصف جرمی این نوع سوء استفاده از سمت واقعی، اختلاس می‌باشد.

دوم: اگر مال یا منفعتی را که بدست آورده است مال شخصی باشد، سه صورت دارد:

الف- اگر مال یا منفعت را در برابر اجرای وظیفه یا امتناع از اجرای وظیفه‌ای که به آن مکلف است بدست آورده باشد، وصف جرمی این نوع سوء استفاده از سمت واقعی، رشوت است.

ب- اگر مال یا منفعت به وی به امانت سپرده شده باشد، وصف جرمی این نوع سوء استفاده از سمت واقعی، خیانت در امانت است.

ج- اگر وصف جرمی رشوت یا خیانت در امانت، بر آن صدق نکند، وصف جرمی این نوع سوء استفاده از سمت واقعی، ممکن است فریب‌کاری باشد.

#### ۵- اطلاع دادن نادرست در حادثه‌ی معین:

نادرست بودن اطلاع می‌تواند کلی یا جزئی باشد؛ به این معنی که اطلاع داده شده صد در صد نادرست است یا پنجاه در صد. همچنان اطلاع نادرست از حادثه معین، ممکن است به گذشته، حال یا آینده تعلق بگیرد. برای مثال:

- مرتکب، در نفس مجنی علیه چنین ذهنیتی را ایجاد کند که او در معرض خطر جدیدی قرار دارد و ادعا نماید که می‌تواند وی را از همان خطر نجات دهد.
- مرتکب برای مجنی علیه بگوید که قرار است امر گرفتاری او از جانب مقامات ذیصلاح صادر شود، و ادعا کند که او مانع صدور آن شده می‌تواند.
- مرتکب، مجنی علیه را از خطر غیر طبیعی چون انتقام‌گیری یا حمله از جانب جنیات، با خبر سازد و ادعا کند که می‌تواند جنیات را از تصمیم شان منصرف سازد.

#### ۶- امیدوار کردن به یک امر غیر واقعی:

- امید وار کردن به یک امر غیر واقعی، عملی است که مرتکب آنرا برای معتقد ساختن مجنی علیه به یک امر غیر واقعی انجام می‌دهد، خواهد امر مذکور مادی باشد یا معنوی. برای مثال:
- مرتکب، مردم را به آوردن برق یا آب، امیدوار می‌کند، و از این طریق آنها را به تسلیمی پول وادار می‌سازد.



- مرتکب، خود را برای مجنی‌علیه یک تجارت‌پیشه ماهر جلوه می‌دهد و فواید زیادی که از رهگذر این تجارت بدست می‌آورد، حکایت می‌کند، و برایش می‌گوید: اگر خواسته باشید با ما سهیم شوید مانعی نیست، و از این طریق مجنی‌علیه را به تسلیمی پول یا مال وادار می‌سازد.
- مرتکب، خود را از خویشاوندان یکی از مقامات دولتی معرفی می‌کند و برای مجنی‌علیه طوری وانمود می‌سازد که می‌تواند او را به وظیفه شامل سازد، یا بورس تحصیلی برایش بگیرد، و یا به یک امر غیر واقعی دیگری او را امیدوار می‌کند، و از این طریق مجنی‌علیه را به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار می‌سازد.
- مرتکب، شخصی را به منافع معنوی مانند گرفتن القاب افتخاری، مدال، نشان، تقدیرنامه، عضویت در یک انجمن یا حزب یا سازمانهای اجتماعی یا سیاسی و امثال آنها امیدوار می‌کند، و از این طریق مجنی‌علیه را به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار می‌سازد.
- سوال قابل طرح این است که اگر مرتکب، مجنی‌علیه را به یک امر غیر واقعی از نوع مستحیلات، امیدار سازد؛ مانند اینکه برایش بگوید: من می‌توانم انگشتر شما که نقره است را به الماس تبدیل کنم، و در عوض اش از شما مبلغ ده هزار افغانی پول می‌خواهم، آیا این عمل مرتکب، فریب‌کاری محسوب می‌شود یا خیر؟
- این عمل فریب‌کاری محسوب می‌شود،<sup>۱</sup> زیرا "امر غیر واقعی" بطور مطلق ذکر است و مطلق عمومیت دارد، بنا بر این، شامل تمام امور غیر واقعی اعم از ممکنات و مستحیلات می‌شود، همچنان ذکاوت و عدم ذکاوت مجنی‌علیه در این زمینه، شرط نیست.

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۰۲

## ۷- ترساندن از یک امر غیر واقعی:

این عمل در حقیقت، عکس حالت قبلی است، یعنی به همان گونه که مرتکب، مجنی علیه را برای تحقق هدف یا فائده معین امیدوار می‌سازد، بر عکس او را از وقوع یک امر غیر واقعی می‌ترساند و چنان ذهنیتی را نزد مجنی علیه ایجاد می‌نماید که از رسیدن ضرر مادی یا معنوی، هراسان شود و غرض دفع و جلوگیری آن، به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار گردد. برای مثال:

- مرتکب، در نفس مجنی علیه چنین ذهنیتی را ایجاد می‌کند که او در معرض خطر جدیدی قرار دارد و ادعا نماید که می‌تواند وی را از همان خطر نجات دهد، و از این طریق، او را به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار می‌سازد.
- مرتکب برای مجنی علیه می‌گوید که قرار است امر گرفتاری او از جانب مقامات ذیصلاح صادر شود، و ادعا می‌کند که او می‌تواند مانع صدور آن گردد، و از این طریق، او را به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار می‌سازد.
- مرتکب با صحنه سازی های متقلبانه مانند جعل نقشه شهرداری مبنی بر اینکه خانه مجنی علیه در معرض احداث یک سرک جدید قرار دارد، او را می‌ترساند و زمین یا خانه اش را به قیمت ارزان خریداری می‌کند، و از این طریق، او را به تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار می‌سازد.

سوال قابل طرح این است که اگر مرتکب، مجنی علیه را از خطر غیر طبیعی چون قرار داشتن او در معرض حمله جنیات، بترساند و ادعا کند که او قادر به دفع آن است، و از این طریق، او را به تسلیمی پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت وادار سازد، آیا این عمل مرتکب، مشمول جرم فریب کاری است یا خیر؟

بلی، این عمل جرم فریب کاری است، زیرا "امر غیر واقعی" بطور مطلق ذکر است، و مطلق عمومیت دارد، بنا بر این، شامل تمام امور غیر واقعی اعم از طبیعی و غیر طبیعی می شود.

#### ۸- سایر وسایل فریب کارانه:

عبارت "سایر وسایل فریب کارانه" مفهوم بسا وسیعی دارد؛ وسایل هفتگانه‌ی فوق الذکر را از حالت حصر بیرون می کند و ساحه کاربرد وسایل را گسترده می سازد تا شامل هر وسیله‌ای شود که به اثر آن مجنی علیه فریب خورده و به تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار گردد.

قابل ذکر است که خواننده با یک نگاه دقیق در متن فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، می یابد که محور افعال جرمی مندرج این فقره، روی دروغ (کذب) می چرخد، هر چند افعال متذکره جز (اسم، صفت و سمت) با کلمه "کذب" توصیف نشده است، اما مرتکب برای عملی ساختن هر یک از افعال جرمی مندرج این فقره، از دروغ کار می گیرد.

#### فعالیت شماره (۱۳)

##### قضایای فرضی:

یکم: شخصی بنام "شیرلالا" نزد مالک "عزیز پترول پمپ" می آید و خود را پسر خاله‌ی مالک شرکت "قدرت پترولیم" که یک شرکت نامدار وارد کننده تیل است، معرفی می کند و برایش می گوید: من می توانم تیل با کیفیت عالی را به قیمت مناسب برای شما تهیه کنم. مالک "عزیز پترول پمپ" به خویشاوندی شیر لالا با شرکت قدرت پترولیم، اعتماد نموده و از او تیل خریداری می کند، اما بعداً ثابت می شود که تیل مذکور، کیفیت تیل وارد شده توسط شرکت "قدرت پترولیم" را ندارد. مالک "عزیز پترول پمپ" به خانونالی شکایت و شیرلالا را به جرم فریب کاری متهم می سازد. نظر شما در این قضیه چیست؟

دوم: جهان باز که هفده ساله است و جسامت بزرگش طوری وانمود می کند که او بزرگتر از هفده سال است، غرض اخذ "جواز رانندگی" به مدیریت ترافیک مراجعه می کند. موظف اداره بعد از اخذ امتحان، جواز رانندگی را به وی اعطا می کند، موظف مذکور وقتی متوجه تذکره جهان باز می شوند می بیند که هجده سال را تکمیل نکرده است، لذا او را به مدیریت ترافیک خواسته، ضمن مسترد نمودن جواز رانندگی، وی را به جرم فریب کاری به خازنوالی نیز معرفی می نماید.

نظر شما در زمینه چیست؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۳)

یکم: شیرالا مرتکب جرم فریب کاری نگردیده است زیرا ادعای قربت وی چنان ذهنیت را ایجاد نمی کند که توقع برود که همان اعتبار تجارتي را خواهد داشت که مالک شرکت "قدرت پترولیم" دارد، بلکه این موضوع به ذکاوت یا عدم ذکاوت خریدار برمی گردد که همچون حرفها باور می کند یا خیر؟  
دوم: جهان باز، مرتکب جرم فریب کاری نگردیده است، زیرا او ادعای تکمیل سن هجده سالگی را نکرده است، بلکه موظف اداره ترافیک مکلف بود از تکمیل سن قانونی او خود را مطمئن می ساخت.

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

فرع چهارم: موضوع جرم فریب کاری

موضوع جرم فریب کاری در فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، چهار چیز ذکر شده است که عبارت از پول، مال، خدمت و منفعت می باشد، و شرح آنها قرار ذیل است.

الف) پول:

منظور از پول، پول رایج می باشد و شامل پول افغانی و پول سایر کشورها می باشد.<sup>۱</sup>

ب) مال:

<sup>۱</sup> - بندهای ۵ و ۱۷ ماده پنجم قانون د افغانستان بانک، منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۹، مؤرخ ۱۳۸۲/۱۱/۳۰

مال در کود جزا، تعریف نشده است، از اینکه فریب‌کاری از جمله جرایم علیه اموال است، و علاوه بر جنبه جزایی، جنبه مدنی نیز دارد<sup>۱</sup> می‌توان مال را از دیدگاه قانون مدنی تعریف کرد، ماده ۴۷۲ قانون مذکور، مال را چنین تعریف کرده است: «مال عبارت است از عین و یا حقی که نزد مردم قیمت مادی داشته باشد.» از این تعریف فهمیده می‌شود که مال دارای دو عنصر می‌باشد: ۱- عین دارای قیمت مادی، و ۲- حق دارای قیمت مادی. جزئیات آنرا در فصل سرقت، مبحث چهارم، گفتار دوم، مطلب سوم، توضیح دادیم، به آن مراجعه شود؛ زیرا موضوع جرم سرقت و فریب‌کاری، مال است و تمام مواردی که پیرامون مال - در فصل جرم سرقت - بیان شده است، بر جرم فریب‌کاری نیز صدق می‌کند، مانند:

- تعریف مال.
  - اشیایی که حقوق مالی بر آنها مرتب می‌شود.
  - مشخصات مال، چون مادی بودن و ملکیت غیر بودن.
  - اندازه‌ی ارزش مادی مال.
  - مالی که مالک آن مشخص نیست.
  - مالی که میان گیرنده و شخص دیگری، مشترک است.
  - مال متنازع فیه.
  - مالی که ملکیت خود گیرنده است اما نزد شخص دیگری به امانت، عاریت یا رهن گذاشته شده است.
- برای دریافت معلومات فوق، به فصل اول، مبحث چهارم، گفتار دوم، مطلب سوم این جزوه آموزشی مراجعه شود.

<sup>۱</sup> - که همانا رد مال مسروقه یا جبران خساره‌ی آن می‌باشد.

## ج) خدمت و منفعت:

در فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، از "خدمت و منفعت" نام برده شده و با در نظر داشت اصول قانون نویسی، این مفهوم را می‌رساند که ممکن است خدمت و منفعت دو مفهوم متفاوت را افاده کنند، اما میان آنها رابطه مشترک وجود دارد؛ به این معنی که ارائه خدمت، غالباً منفعتی را در قبال دارد، و منفعت از طریق ارائه خدمت، کسب می‌شود.

کلمات "خدمت و منفعت" در فقره مذکور، بطور مطلق ذکر شده اند و "مطلق، عمومیت دارد". بنا بر این، مشروع بودن خدمت و منفعت، شرط موضوع جرم فریب‌کاری نیست، بلکه خدمات و منافع غیر مشروع نیز موضوع جرم فریب‌کاری قرار گرفته می‌تواند. برای مثال: شخصی با استفاده از یک یا چند وسیله فریب‌کارانه‌ی مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، دیگری را وادار به تمتع جنسی ساخت، یا وی را به ارائه یک خدمت نا مشروع، وادار نمود.

برای وضاحت بیشتر مفهوم خدمت و منفعت، به مثال‌های زیر دقت کنید:

- ۱- شخص (الف) به شخص (ب) وعده داد که ویژه کار در شهر دبی را برایش میسر می‌کند، شخص (ب) در مقابل آن برای مدت سه ماه در باغ شخص (الف) بطور رایگان خدمت می‌کرد و منتظر ویژه دبی بود اما چیزی بدستش نیامد. (کسب خدمت)
- ۲- یکی از کارکنان ولایتی راپورهای کاری هفته وار خود را به دفتر مرکزی طوری ارائه می‌کرد که گویی کارها به بهترین شکل خود پیش می‌رود. بنا بر این، دفتر مرکزی علاوه بر افزودی معاش، برای کارکن مذکور یک تقدیر نامه درجه اول نیز اعطا کرد، سپس ثابت گردید که تمام راپورهای کارکن، خلاف حقیقت بوده و در ساحه هیچ کاری صورت نگرفته است. (کسب منفعت مادی و معنوی)

## فعالیت شماره (۱۴)

## قضیه فرضی:

فرید سه سال قبل، مبلغ (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی برای حمید قرض داده بود. حمید با وجود انقضای مدت دین و مطالبات مکرر فرید، قرض وی را نمی‌پردازد. روزی فرید به حمید گفت که او قصد دارد در یکی از محلات تجارتی مشهور که دکان‌های آن رشد سریعی دارد، یک دکان مبایل فروشی باز کند، اگر کسی مبلغ (۲۰۰۰۰۰۰) افغانی برایش بدهد حاضر است ماهوار مبلغ (۱۰۰۰۰۰) افغانی مفاد بدهد. حمید گفت او باور کرد و گفت: این یک فایده بسیار عالی است، من حاضر ام این مبلغ را برایت بدهم. فرید مبلغ مذکور را از حمید تسلیم شد مبلغ (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی قرض خود را گرفت، و فردای آن روز، متباقی پول حمید را برایش مسترد کرد. حمید وی را به فریب‌کاری متهم نموده و به بخارنوالی شکایت نمود. نظر شما در مورد فریب‌کاری بودن یا نبودن عمل حمید چیست؟

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۴)

به نظر نویسنده، عمل حمید، جرم فریب‌کاری نیست، زیرا عنصر معنوی (سوء نیت عام) یکی از ارکان جرم فریب‌کاری است، و در عنصر معنوی، علم به موضوع جرم (پول، مال، خدمت و منفعت) شرط است؛ یعنی مرتکب باید بداند که او هیچ حق مشروعی برای بدست آوردن این پول، مال، خدمت یا منفعت، ندارد. اما پولی را که حمید بدست آورده است حق مشروع او بوده است.

به نظر نجیب حسنی حقوقدان مشهور مصر، عمل حمید، فریب‌کاری پنداشته می‌شود، زیرا وجود دین بالای مدیون، موجب این نمی‌شود که داین در مال مدیون حق ملکیت یا تصرف داشته باشد، لذا هرگاه با استفاده از وسایل فریب‌کارانه، بر مال مدیون تسلط یابد، مرتکب جرم فریب‌کاری پنداشته می‌شود. البته این دفاعیه که مرتکب معادل یا حتی کمتر از حق اش را به دست آورده است، دفاعیه موجه نیست،

زیرا در جرم فریب کاری متضرر شدن مجنی علیه یا دارا شدن مرتکب شرط تحقق جرم نیست، همچنان وجود انگیزه شریفانه نزد داین - که همانا بدست آوردن حشش است - قصد جرمی را منتفی نمی سازد.<sup>۱</sup> در افغانستان نظر کود جزا معیار است.

### مطلب دوم: نتیجه‌ی جرمی

در خصوص تحقق یا عدم تحقق نتیجه در جرم فریب کاری، باور حقوقدانان و صراحت فقره (۱) ماده (۷۲۵) کود جزا این است که فریب کاری جرم مقید به نتیجه می باشد.

نتیجه‌ی جرم فریب کاری عبارت است از تسلیمی یا انتقال حيازت پول، مال و یا کسب خدمت یا منفعت، توسط فریب خورده برای فریب کار. اجتماع نتایج شرط نیست بلکه نتیجه با تحقق یکی از موارد زیر، به وجود می آید:

- ۱- تسلیمی پول یا مال.
- ۲- انتقال حيازت پول یا مال.
- ۳- کسب خدمت یا منفعت برای خود.
- ۴- کسب خدمت یا منفعت برای دیگران.

مراد از تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال، تسلیم نمودن آنها از طرف مجنی علیه (فریب خورده) به فریب کار (مرتکب) است. این تسلیمی یا انتقال حيازت را نباید محدود به دست به دست شدن مادی پول یا مال و انتقال فزیکي آن از حيازت مجنی علیه به حيازت مرتکب کرد، بلکه این عمل یک تصرف قانونی است که منشأ و سبب آن اراده معیوب مجنی علیه می باشد که به اثر فریب کاری مرتکب، متأثر گردیده و مرتکب بر مال وی تسلط یافته است، خواه این تسلط بصورت آنی و فوری باشد یا اینکه حسب چرخش عادی امور، بعد از مدتی در اختیار وی قرار گیرد.

۱- نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۴۶.



سوال قابل طرح این است که آیا شرط است که تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا اجرای خدمت یا منفعت، مستقیماً توسط فریب‌خورده برای فریب‌کار صورت گرفته باشد؟

پاسخ این است که اگر تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا اجرای خدمت یا منفعت، توسط وکیل، نماینده، کارمند دفتر یا شرکت یا هر شخص دیگری صورت گرفته باشد، جرم فریب‌کاری تحقق می‌یابد، مشروط بر اینکه به هدایت فریب‌خورده صورت گرفته باشد.

نکته مهم دیگر این است که اراده معیوب مجنی‌علیه در تسلیمی و انتقال پول یا مال به مرتکب، نقش اساسی و مؤثر در تکوین جرم فریب‌کاری دارد، طوری که اگر عملاً تسلیمی از جانب مجنی‌علیه صورت نگیرد، بلکه تصرفات مجنی‌علیه زمینه ساز تسلط مرتکب بر مال مجنی‌علیه باشد، در آن صورت ممکن است وصف جرمی فریب‌کاری تحقق نیابد، مانند اینکه شخصی کارمند شرکت تلفون را غرض اصلاح خط تلفون به خانه خود بخواهد و شخص مذکور حین اصلاح لین تلفون، بر مقدار پولی که در نزدیکی تلفون قرار دارد، دست یافته و آنرا به مقصد تملک بر دارد، این عمل کارمند، فریب‌کاری نه بلکه سرقت است. اما اگر کارمند، مقدار پولی را از صاحب خانه به عنوان فیس رسمی شرکت بگیرد، عمل او فریب‌کاری محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

هرگاه فریب‌کار رفتار جرمی را با استفاده از وسایل فریب‌کارانه انجام دهد اما نتیجه‌ای به بار نیاید، در آن صورت رفتار او شروع به جرم فریب‌کاری محسوب می‌شود.

نکته:

حقوق‌دانان در مورد اینکه آیا متضرر شدن فریب‌خورده و دارا شدن فریب‌دهنده در نتیجه‌ی جرم فریب‌کاری، شرط تحقق این جرم است یا خیر، اختلاف نظر دارند؛ برخی آنرا شرط دانسته، و برخی دیگر آنرا شرط نمی‌دانند.

در این رابطه به سوالات فعالیت زیر، پاسخ بدهید.

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۳۳ و ۱۰۳۷ تا ۱۰۳۸

## فعالیت شماره (۱۵)

## فرضیه‌های مباحثوی:

کدام یک از حالات ذیل، جرم فریب کاری پنداشته می‌شود؟

۱- شخصی با کاربرد وسایل فریب‌کارانه، کارمند شرکت را به تسلیمی مال شرکت، یا خادم را به تسلیمی مال مخدوم، وادار ساخت.

۲- شخص (الف) با بکار برد یکی از وسایل فریب‌کارانه‌ی مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، شخص (ب) را به فروش خانه اش وادار ساخت، و قیمت خانه اش را مطابق نرخ روز به وی پرداخت.

۳- شخص (س) با بکار برد یکی از وسایل فریب‌کارانه‌ی مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، شخص (ش) را به دادن قرض به وی، وادار ساخت درحالی که نیت بازپرداخت قرض را نیز دارد.

۴- شخص (ط) با استفاده از وسایل فریب‌کارانه، یک اداره دولتی یا محکمه را فریب داده است، محکمه یا اداره دولتی، در اثر این فریب، امر تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال یا ارائه خدمت یا منفعت را به نفع فریب‌دهنده علیه شخص (ظ) صادر نموده است.

۵- شخص (ف) با بکار برد یکی از وسایل فریب‌کارانه‌ی مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، شخص (ق) را به فروش زمینش به نرخ روز، وادار ساخت، سپس آنرا برای مسجد وقف کرد.

۶ - شخص (م) با بکار برد یکی از وسایل فریب کارانه‌ی مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا، شخص (ن) را به فروش سنگ قیمتی که نزد او بود، وادار ساخت، سپس معلوم گردید که سنگ مذکور از نوع درجه دوم است نه درجه اول.

### پاسخ‌های احتمالی فعالیت شماره (۱۵)

قضایای شماره ۱ تا ۴ مربوط به متضرر شدن فریب‌خورده، و قضایای شماره ۵ و ۶ در مورد دارا شدن فریب‌دهنده، می‌باشد.

پاسخ فرضیه ۱: در این قضیه، اشخاص فریب‌خورده عبارت از کارمند شرکت و خادم می‌باشند، اما آنها متضرر نگردیده‌اند بلکه شرکت و مخدوم، متضرر شده‌اند. اگر متضرر شدن فریب‌خورد را شرط تحقق جرم فریب‌کاری بدانیم، در این قضیه، فریب‌کاری واقع نشده است، و اگر متضرر شدن فریب‌خورده را شرط تحقق جرم فریب‌کاری بدانیم، در این قضیه، فریب‌کاری واقع شده است.<sup>۱</sup>

پاسخ فرضیه ۲: در این فرضیه، فریب‌خورده که مالک خانه است متضرر نگردیده است، زیرا او قیمت واقعی خانه خود را دریافت کرده است.

پاسخ فرضیه ۳: در این فرضیه، فریب‌خورده متضرر نشده است، زیرا فریب‌دهنده، قصد پرداختن قرض او را دارد.

پاسخ فرضیه ۴: در این فرضیه، فریب‌خورده (اداره یا محکمه) متضرر نشده است بلکه شخص دیگری متضرر شده است که همان شخص (ظ) است.

بنا بر این، واقع شدن یا نشدن جرم فریب‌کاری در فرضیه ۲، ۳ و ۴ همچنان، بر می‌گردد به اینکه آیا متضرر شدن فریب‌خورده شرط تحقق جرم فریب‌کاری است یا خیر؛ اگر شرط نباشد، جرم فریب‌کاری واقع شده است، و اگر شرط باشد، واقع نشده است.

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص ۱۰۳۳-۱۰۳۶

پاسخ فرضیه ۵: در این فرضیه، دارا شدن فریب‌کار مطرح است؛ فریب‌کار، دار نشده است زیرا زمین بدست آمده را وقف کرده است.

پاسخ فرضیه ۶: در این فرضیه، فریب‌کار، دارا نشده، بلکه در نتیجه‌ی فریب‌کاری خود، خسارمند شده است.

واقع شدن یا نشدن جرم فریب‌کاری در فرضیه ۴ و ۵ همچنان، بر می‌گردد به اینکه آیا دارا شدن فریب‌دهنده شرط تحقق جرم فریب‌کاری است یا خیر.

نظر شما در مورد این پاسخ‌ها چیست؟

### فعالیت شماره (۱۶)

قضیه فرضی:

آقای بنام "لعل جان" دختری بنام "گلبرگ" را خواستگاری نموده و خود را برایش مجرد معرفی کرد. بعد از عقد نکاح، خانم گلبرگ فهمید که لعل جان، یک خانم دیگر نیز دارد، علیه او اقامه دعوی نمود. شما در رابطه به این قضیه، در مورد سوالات زیر مباحثه کنید، سپس پاسخ بدهید؟

۱- آیا لعل جان مرتکب کدام جرمی شده است یا خیر، اگر شده باشد، وصف جرمی او چیست؟

۲- کدام وسیله در ارتکاب این جرم، بکار برده شده است؟

۳- موضوع این جرم چیست؟

۴- نتیجه این جرم چیست؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۶)

پاسخ احتمالی ارایه نشده است تا دیده شود که در نتیجه مباحثات اشتراک‌کننده‌ها، کدام پاسخ بدست می‌آید.

## مطلب سوم: رابطه سببیت:

با توجه به اینکه جرم فریب‌کاری مقید به نتیجه می باشد، باید بین رفتار مجرمانه و نتیجه حاصله، رابطه سببیت برقرار گردد. به عبارت دیگر؛ نتیجه جرمی در اثر رفتار فریب‌کارانه مرتکب واقع شده باشد نه به اثر رفتار دیگری.

معیار در وجود رابطه سببیت بین فریب دادن و فریب خوردن این است که رفتار فریب‌کارانه مجرم یکی از عواملی باشد، که باعث فریب خوردن مجنی‌علیه گردیده و در نتیجه آن، به تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال، یا ارایه خدمت یا منفعت برای مرتکب وادار گردد.

اما اگر حالت طوری باشد که مجنی‌علیه حتی بدون بکار بردن وسایل فریب‌کارانه توسط مرتکب، بازم در غلطی واقع گردد، یا بدون واقع شدن در غلطی، پول یا مال خویش را تسلیم کند یا خدمتی را انجام دهد، در آن صورت جرم فریب‌کاری منتفی خواهد بود.

برای تحقق رابطه سببیت، شرط نیست که رفتار جرمی فریب‌کار، عامل اصلی وعمده باشد، بلکه عامل یا عوامل دیگری نیز می‌تواند دخیل شود و در تسلیمی مال نقش داشته باشد، و جرم فریب‌کاری واقع شود. در آن صورت بحث "تعدد اسباب" مطرح می‌شود.<sup>۱</sup>

## گفتار دوم: عنصر معنوی جرم فریب‌کاری

عنصر معنوی در جرم فریب‌کاری قصد جرمی بوده که عبارت از اراده به انجام فعل و علم به موضوع جرم می‌باشد. فریب‌کاری از جرایم عمدی است، صرف غفلت برای بوجود آمدن این جرم کافی نیست بلکه مجرم باید با سوء نیت، عمل کند و عمداً طرف مقابل را به منظور بدست آوردن مال یا منفعت فریب دهد. سوء نیت مرتکب از وسایل فریب‌کارانه‌ای که بکار برده است، استنباط می‌گردد. عملی که در نتیجه‌ی خطا یا اتفاق واقع گردیده باشد، فریب‌کاری پنداشته نمی‌شود. وجود انگیزه شریفانه نزد فریب‌کار، جرم بودن این عمل را نفی نمی‌کند.

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۳۸-۱۰۴۲

وجود قصد عام (سوء نیت عام) در جرم فریب‌کاری به این معنی است که مجرم از موارد ذیل آگاهی داشته باشد:

۱- مرتکب بداند؛ وسایلی را که از آن استفاده می‌کند، کذب بوده و حقیقت ندارد. اما اگر به نظرش حقیقت داشته باشد، مانند اینکه او وکیل برحال یک شرکت بوده و به همان صفت ادعای وکالت را می‌نماید، اما خبر نیست که از طرف شرکت معزول شده است. در اینصورت جرم فریب‌کاری واقع نمی‌گردد.

۲- مرتکب بداند؛ وسایل کاذب و خلاف حقیقت را به منظور فریب دادن کسی به کار می‌برد. اما اگر آنرا برای خودنمایی، اشتهار، شائعه یا هر منظور دیگری غیر از "فریب دادن کسی" بکار ببرد، عمل او وصف جرمی دیگری غیر از فریب‌کاری را خواهد داشت.

۳- مرتکب بداند؛ وسایل فریب‌کارانه‌ای را که به منظور فریب دادن کسی بکار می‌برد، به هدف تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت برای خود یا شخص دیگری انجام می‌دهد. اما اگر وسایل فریب‌کارانه را به هدف ناراحت کردن شخص مورد نظرش یا خساره‌مند ساختن او، یا منصرف ساختن او از یک کار معین، یا هر هدف دیگری غیر از "تسلیمی یا انتقال حيازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت" بکار ببرد، عمل او وصف جرمی دیگری غیر از فریب‌کاری را بخود خواهد گرفت.

۴- مرتکب به موضوع جرم فریب‌کاری (پول، مال، خدمت یا منفعت) علم داشته باشد؛ یعنی بداند که از اشیای مذکور که می‌خواهد آنرا بدست بیاورد، حق مشروع او نیست.

علاوه بر وجود علم، شرط دیگری نیز برای تحقق عنصر معنوی (سوء قصد عام) لازمی است، که عبارت از "اراده مرتکب" می‌باشد؛ وجود اراده نزد مرتکب، به این معنی است که مرتکب عمل فریب‌کاری را به اراده آزاد خود انجام داده باشد نه تحت کدام جبر و اکراه.

## فعالیت شماره (۱۷)

## قضیه فرضی:

شخصی بنام "خان لالا" با یک شرکت ساختمانی (x) که نظر به اشتها راتش، یک شرکت معیاری و پابند به بنود قرارداد می باشد، عقد نمود تا یک باب خانه ی سه منزله با مواصفات مشخص تا ختم ماه قوس سال ۱۳۹۷ برایش بنا کند. خان لالا مطابق بنود قرارداد، پنجاه درصد مبلغ قرارداد شده را به شرکت پرداخت نمود، و شرکت کار خود را در اول ماه جوزا آغاز کرد. یکی از بنود قرار داد این بود که شرکت در برابر هر روز تأخیر مکلف است مبلغ (۵۰۰۰۰) افغانی من حیث جبران خساره وقت، به مالک خانه بپردازد. شرکت تا ماه سنبله، پنجاه درصد خانه را اعمار کرد سپس کار را متوقف، و مسئول آن خود را پنهان نمود. خان لالا شرکت را به فریب کاری متهم نموده علیه او شکایت کرد، زمانی که مسئول شرکت به خارنوالی احضار گردید در اثنای تحقیقات ثابت نموده که تمام کارکنان شرکت در ماه سنبله اعتصاب کاری نمودند و پول شرکت نیز تمام شده بود.

به نظر شما، عملی را که مسئول شرکت مرتکب شده است دارای کدام وصف می باشد؟

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۷)

عمل مسئول شرکت، وصف حقوقی دارد و در محکمه مدنی به آن رسیدگی می شود، زیرا هیچ یک از عناصر جرم فریب کاری در این قضیه وجود ندارد.

-----  
نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

### مبحث سوم: تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب:

کود جزا در ماده ۷۲۶، در مورد کاربرد وسایل فریب کارانه به منظور دیگری غیر از "تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت" که موضوع جرم فریب کاری مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزا می باشد، حکمی را تنظیم کرده و آنرا "تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب" نامیده است.

نکته:

وصف جرمی مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، متفاوت از وصف جرمی مندرج ماده ۷۲۵ این قانون می باشد؛ وصف جرمی ماده ۷۲۵، "فریب کاری" است، اما وصف جرمی ماده ۷۲۶، "تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب" است. تفاوتها میان این دو جرم، قرار ذیل است:

- موضوع جرم مندرج ماده ۷۲۵، عبارت از "پول، مال، خدمت و منفعت" است، اما موضوع جرم مندرج ماده ۷۲۶، تنها مال است.
  - در جرم مندرج ماده ۷۲۵، مرتکب، هدف نایل آمدن به پول، مال، خدمت یا منفعت را در ذهن می پروراند، اما در جرم مندرج ماده ۷۲۶، همچون هدفی وجود ندارد و ممکن است مرتکب، تحقق هیچ هدفی را در ذهن نپروراند.
  - در جرم مندرج ماده ۷۲۵، ممکن است مال از ملکیت صاحب اش بیرون شود، اما در جرم مندرج ماده ۷۲۶، مال ممکن است متضرر گردد اما از ملکیت صاحب اش بیرون نمی شود.
- به هر صورت، بر می گردیم به اصل موضوع، و می گوئیم که موارد قابل بحث در جرم مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، قرار ذیل است:

- رفتار جرمی مرتکب (گفتار اول)
- موضوع جرم (گفتار دوم)
- مجنی علیه (گفتار سوم)



- فریب خورده (گفتار چهارم)
- نتیجه جرم (گفتار پنجم)
- وجود سوء نیت عام نزد مرتکب (گفتار ششم)

### گفتار اول: رفتار جرمی مرتکب:

رفتار جرمی مرتکب در جرم مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، عبارت است از: تصرف در مال غیر - یا در مال خود - با استفاده از وسایل فریب کارانه که موجب ضرر بر غیر گردد.

با وجود اینکه ماده ۷۲۶ کود جزا، کاپی ماده ۴۷۰ قانون جزای سال ۱۳۵۵ است<sup>۱</sup>، اما یک تفاوت بزرگی در آن به وجود آمده است؛ در ماده ۴۷۰ قانون جزا، محض تصرف در مال غیر که موجب ضرر گردیده باشد، جرم پنداشته شده بود، و استفاده از وسایل فریب کارانه، شرط تحقق آن نبود، اما در کود جزا، تصرف در مال غیر که موجب ضرر گردیده باشد، زمانی جرم پنداشته می شود که تصرف توأم با استفاده از وسایل فریب کارانه باشد. به نظر نویسنده، ایزاد "استفاده از وسایل فریب کارانه" در ماده ۷۲۶ کود جزا یک امر لازمی بود، زیرا تصرف در ملک غیر و وارد نمودن ضرر، موضوع حقوقی است که مطابق مواد ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۷۶ و... قانون مدنی، مستوجب ضمان یا جبران خساره می باشد. بنا بر این، تصرف مذکور زمانی جنبه جزایی پیدا می کند که با استفاده از وسایل فریب کارانه باشد.

### گفتار دوم: مجنی علیه:

مجنی علیه در جرم مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، شخصی است که بر وی ضرر وارد گردیده است. سوال قابل طرح این است که مجنی علیه در جرم مذکور، کی بوده می تواند. در پاسخ باید گفت: اگر به

<sup>۱</sup> - ماده ۴۷۰ قانون جزای سال ۱۳۵۵ چنین تصریح می کند: «شخصی که با وجود علم به عدم ملکیت یا علم باینکه حق تصرف را در آن ندارد در مال منقول یا عقار تصرف نماید یا در مال با وجود علم به تصرف قبلی در آن یا عقد جانبین به آن تصرف نماید، به نحوی که به اثر آن به غیر ضرر برسد به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد محکوم می گردد.»

جمله اخیر ماده ۷۲۶ دقت کنید، چنین تصریح شده است: "...که به اثر آن به غیر ضرر برسد..". کلمه "غیر" چنین افاده می‌کند که مجنی‌علیه در برخی حالات، مالک مال متصرف فیه، و در برخی حالات، شخص ثالث، و در برخی حالات دیگر، هردو بوده می‌توانند. نمونه‌های از حالات متذکره، در مثال‌های زیر بیان شده است:

مثال یکم: شخص کرایه نشین با نقل قول کاذب از یک انجنیر، مالک خانه را قناعت می‌دهد که خانه او توان بنای منزل دوم را دارد. وقتی که کرایه نشین منزل دوم را به مصرف صاحب خانه، بنا می‌کند، دیوارهای منزل اول شکست می‌کند و احتمال آن می‌رود که در صورت وقوع زلزله، هردو منزل فروریزد. (در این مثال، متضرر، مالک خانه متصرف فیه است.)

مثال دوم: یک شرکت ساختمانی، با اطلاع کاذب به صاحب خانه مبنی بر اینکه همسایه شمالی او با بنا کردن منزل چهارم، مخالفتی ندارد، منزل چهارم را به عین نرخ منزل‌های پایین، برای صاحب خانه بنا می‌کند که در نتیجه آن خانه همسایه شمالی از نور آفتاب محروم می‌شود. (در این مثال، متضرر، شخص ثالث است)

مثال سوم: یک شخص مجرد، خود را متأهل معرفی نموده در بلاکی که سکونت مجردها در آن ممنوع است، یک آپارتمان را به کرایه گرفت، او با سایر رفقای مجرد خود در این آپارتمان زندگی می‌کردند، دولت بنا بر شکایت همسایه‌ها، مالک آپارتمان را مبلغ ۲۰۰۰۰۰ افغانی جریمه کرد. (در این مثال، مالک آپارتمان و همسایه‌ها، هردو متضررین هستند.)

### گفتار سوم: فریب خورده:

سوال قابل طرح این است که آیا شخص فریب‌خورده در جرم مندرج ماده ۷۲۶، خود متضرر است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: شخص فریب‌خورده، خود متضرر یا شخص دیگری بوده می‌تواند. شما در مثالهای مندرج گفتار دوم که در بالا ذکر شد دقت کنید؛

در مثال یکم؛ مالک خانه در عین وقت هم فریب خورده و هم متضرر است.

در مثال دوم؛ مالک خانه، فریب خورده است، اما همسایه شمالی آن خانه، متضرر گردیده است.

در مثال سوم؛ فریب خورده، یک شخص است (مالک آپارتمان) اما متضرر، دو شخص است؛ مالک آپارتمان و همسایه ها.

### گفتار چهارم: موضوع جرم فریب کاری:

موضوع جرم مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، چهار چیز است:

۱- مال منقول یا عقارِ ملکیت غیر که در حیازت خود مالک بوده و خارج از حیازت متصرف است.

۲- مال منقول یا عقارِ ملکیت غیر که در حیازت متصرف است، اما حق تصرف در آنرا ندارد.

۳- مال منقول یا عقارِ ملکیت خود متصرف که قبلاً در آن تصرف حقوقی نموده و حق تصرف دیگری را ندارد.

۴- مال منقول یا عقارِ ملکیت خود متصرف که در مورد آن عقدی را انجام داده و حق تصرف دیگری را در آن ندارد.

هریک از موارد متذکره را در زیر توضیح می دهیم.

**مطلب اول: مال منقول یا عقارِ ملکیت غیر که در حیازت خود مالک بوده و خارج از حیازت متصرف است:**

منظور از مال ملکیت غیر، مالی است که ملکیت متصرف نبوده و هیچ شراکتی در آن نیز ندارد. بنا بر این هرگاه شخصی در همچون مالی، با استفاده از وسایل فریب کارانه، طوری تصرف نماید که منجر به

ایقاع ضرر بر مالک یا شخص دیگری<sup>۱</sup> گردد، مرتکب جرم مندرج ماده ۷۲۶ پنداشته شده و به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

برای مثال: یک قطعه زمینی که در جوار زمین شخص (د) قرار دارد، به فروش گذاشته شده است، شخص (د) که یگانه شفع‌دار است در خارج کشور زندگی می‌کند، شخص (س) خود را نماینده قانونی او معرفی نموده و از حق شفعه تنازل می‌کند.

**مطلب دوم: مال منقول یا عقارِ ملکیت غیر که در حیازت متصرف است، اما حق تصرف در آنرا ندارد.**

این حالت زمانی متصور است که مال بر اساس تصرف حقوقی خود مالک یا عقد جانین، تحت حیازت شخص دیگری قرار گیرد اما حق تصرف در آنرا نداشته باشد، اما در آن طوری تصرف کند که مالک را متضرر سازد. برای مثال: شخصی گراچ همسایه را به کرایه گرفته و موتر خود را در آنجا گراچ می‌کند. یک روز مالک گراچ به بهانه اینکه فردا جمعه است و او می‌خواهد یک مقدار چوب سوخت را از راه گراچ، داخل حویلی کند، کلید موتر را می‌گیرد تا برای چند دقیقه موتر را بیرون ایستاده کرده سپس آنرا داخل گراچ کند. مالک خانه موتر را گرفته و با رفقای خود به چکر می‌روند و در مسیر راه، موتر حادثه می‌کند.

**مطلب سوم: مال منقول یا عقارِ ملکیت خود متصرف که قبلاً در آن تصرف حقوقی نموده و حق تصرف دیگری را ندارد:**

<sup>۱</sup> - اینکه ضرر ناشی از تصرف، بر شخص دیگری چطور وارد می‌گردد؛ در گفتارهای دوم و سوم، با مثال بیان کردیم.

موضوع جرم مندرج ماده ۷۲۶، تنها تصرف در مال ملکیت غیر نیست، بلکه گاهی تصرف در ملکیت خود مالک، نیز موضوع این جرم قرار می‌گیرد. برای مثال: شخص (ل) خانه شخص (م) را خریداری نموده اما پنج درصد پول آنرا رسانده نتوانست. نظر به اینکه فروشنده، تسلیمی خانه را مشروط به رساندن تمام پول ساخته بود، وقتی برادر خریدار موتر خود را نزد فروشنده به ضمانت گذاشت، او خانه را به خریدار تسلیم کرد. چند روز بعد، مالک موتر به بهانه اینکه مادر اش مریض است موتر را صرف برای مدت یک هفته، از نزد ضمانت گیرنده تسلیم شد و آنرا به فروش رساند. ضمانت گیرنده علیه او شکایت درج کرد. (در این مثال، متصرف در مال ملکیت خود (موتر)، بعد از تصرف اولی (تضمین موتر) تصرف دیگری (فروش موتر) را انجام داد که حق آنرا نداشت. لذا او مرتکب جرم مندرج ماده ۷۲۲ کود جزا شناخته می‌شود.

**مطلب چهارم: مال منقول یا عقار ملکیت خود متصرف که در مورد آن عقدی را انجام داده و حق تصرف دیگری را در آن ندارد:**

شخصی خانه خود را برای مدت یکسال به دیگری به کرایه داده است. او اکنون می‌خواهد این خانه را بفروشد اما ده ماه از قرارداد باقی مانده است. روزی به بهانه اینکه خانه او تحت نقشه آمده و قرار است استملاک شود، کرایه نشین را وادار به تخلیه خانه می‌کند، و خانه را می‌فروشد، کرایه نشین بعداً از این ماجرا خبر می‌شوند و علیه او شکایت درج می‌کند. (در این مثال، متصرف در مال ملکیت خود (خانه) که مورد عقد جانبین (عقد کرایه) قرار گرفته است، عقد دیگری (فروش خانه) را انجام می‌دهد، و با این کار خود، مرتکب جرم مندرج ماده ۷۲۶، می‌شود.)

**گفتار پنجم: نتیجه جرم فریب کاری**

اگر بگوییم که جرم مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، از جرایم نتیجوی است و نتیجه‌ی آن عبارت از "متضرر شدن غیر در اثر تصرف" است. و قاعده در جرایم نتیجوی این است که هرگاه نتیجه واقع نشود، بحث شروع در جرم، به میان می‌آید. اما نظر ما این است که در جرم مندرج ماده ۷۲۶، بحث نتیجوی بودن یا نبودن، مطرح نیست بلکه بحث جرم بودن یا نبودن مطرح است؛ به این معنی که اگر شخصی در مال غیر با استفاده از وسایل فریب کارانه، تصرف کند و ضرری بر غیر وارد گردد، در آن صورت جرم متحقق شده و مرتکب به جزای پیش‌بینی شده محکوم می‌گردد، اما اگر در اثر این تصرف، ضرری بر غیر وارد نگردد، در آن صورت جرمی واقع نشده است، زیرا متصرف در هنگام تصرف، وارد کردن ضرر بر غیر را در ذهن نمی‌پروراند و قصد ایقاع ضرر را ندارد، برعکس؛ در جرائم نتیجوی که مرتکب توأم با رفتار جرمی، قصد وقوع نتیجه را نیز دارد اما عوامل خارج از اراده او، مانع تحقق نتیجه می‌شود، در آنجا بحث شروع به جرم مطرح است، مانند جرم فریب کاری مندرج ماده ۷۲۵ کود جزا، که مرتکب حین کاربرد وسایل فریب کارانه، قصد تحقق نتیجه که همانا "تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت" است را دارد، اگر نتیجه واقع شد، جرم کامل می‌گردد، و اگر نتیجه واقع نشد، عمل مرتکب، شروع به جرم محسوب می‌شود.

همچنان اگر به این جمله (به نحوی که به اثر آن به غیر ضرر برسد) در اخیر ماده ۷۲۶، دقت کنیم، به صراحت می‌گویید که تصرف ضرر آمیز، جرم است نه تصرف محض.

سوال مباحثوی: وصف جرمی دو قضیه ذیل را معلوم کنید:

قضیه اول: احمد موتر محمود را به بهانه اینکه مادر مریض اش را به شفاخانه انتقال می‌دهد گرفت، اما رفقای خود را در موتر سوار کرده و جهت تفریح به پغمان رفتند و در مسیر راه موتر از پیش شان تصادم کرد و خساره‌مند شد.

قضیه دوم: احمد موتر محمود را به بهانه اینکه مادر اش را به شفاخانه انتقال می‌دهد گرفت، اما رفقای خود را در موتر سوار کرده و جهت تفریح به پغمان رفتند، و در اخیر روز، موتر را سالم برگشتاندند و تانکی آنرا نیز تیل پرکردند.

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۸)

احمد در قضیه اول، جرم مندرج ماده ۷۲۶ کد جزا (تصرف در مال غیر با استفاده از فریب) را مرتکب شده است، اما در قضیه دوم، مرتکب جرمی نگریده است، زیرا عبارت "به نحوی که به اثر آن به غیر ضرر برسد" در اخیر ماده ۷۲۶، چنین افاده می‌کند که تصرف ضرر آمیز، جرم است نه تصرف محض. اما جانب حق العبدی این قضیه محفوظ است؛ به این معنی که محمود حق مطالبه کرایه معادل یکروز را از احمد دارد.

-----  
نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

## گفتار ششم: وجود سوء نیت عام نزد مرتکب (عنصر معنوی)

جرم مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا، در یک حالت از جرایم عمدی و در حالت دیگر، از جرایم غیر عمدی بوده می‌تواند؛ توضیح اینکه اگر مرتکب، علاوه بر قصد تصرف در مال غیر، قصد ورود ضرر را نیز داشته باشد، جرم، عمدی پنداشته می‌شود، و اگر صرف قصد تصرف را داشته، و قصد ورود ضرر را نداشته باشد، جرم، غیر عمدی محسوب می‌شود.

سوالی که از عمدی یا غیر عمدی بودن این جرم نشأت می‌کند این است که این جرم در هر دو صورت آن، قابل مجازات می‌باشد، آیا مجازات آنها یکسان است یا متفاوت؟

## فعالیت شماره (۱۹)

## قضایای فرضی:

قضیه یکم: شخصی که قصد ضرر رساندن بر دیگری را داشت، با استعمال وسایل فریب کارانه، بر مال او طوری تصرف نموده که ضرر مورد نظر را متحقق ساخت. شما جزای پیش‌بینی شده‌ی این جرم را در کود جزا پیدا کنید؟

قضیه دوم: شخصی بدون اینکه قصد وارد کردن ضرری را بر کسی داشته باشد، با استعمال وسایل فریب کارانه، بر مال دیگر تصرف کرد، اما در اثر تصرف او، ضرری بر غیر وارد گردید. شما جزای پیش‌بینی شده‌ی این جرم را در کود جزا پیدا کنید؟

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۱۹)

جزای هردو قضیه متذکره، حبس متوسط است؛ اما نظر به اینکه جرم مندرج قضیه اول، عمدی و جرم مندرج قضیه دوم، غیر عمدی است، قاضی در تعیین حد اکثر و حد اقل حبس متوسط، اختیار دارد.

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟



### مبحث چهارم: فریب کاری با استفاده از عدم توانایی مجنی علیه:

ماده ۷۲۷ کود جزا چنین صراحت دارد:

«(۱) شخصی که از احتیاج، عدم مهارت یا ضعف نفس قاصری که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد طوری سوء استفاده کند که به حیله به واسطه تحریر امضاء اسناد ملکیت یا رسید خط متعلق به دیون یا طلبات یا به فراغت از اوراق تجارتي یا سایر اسناد مثبتة، ضرری به شخص مذکور برساند، به حبس قصیر محکوم می گردد.»

(۲) مجنون، معتوه، محجور و شخصی که بعد از سن هجده سالگی بالای او حکم استمرار و صایت صادر شده باشد، قاصر شمرده می شود.

(۳) هرگاه مرتکب جرایم مندرج فقره (۱) این ماده ولی، وصی یا قیم بر مجنی علیه باشد یا به نحوی از انحا به سرپرستی یا حفظ منافع وی مکلف باشد اعم از این که به مقتضای قانون، حکم محکمه یا موافقه خاص باشد به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد.»

قبل از اینکه به توضیح ماده ۷۲۷ کود جزا، پردازیم، سوال قابل طرح این است که هدف از تخصیص اشخاص قاصر در فقره (۱) این ماده چیست؟ اگر فرض بر این باشد که قانونگذار، اشخاص قاصر را نسبت به اشخاص عادی، مورد حمایت بیشتر قرار داده است، پس چرا مجازات این جرم را نسبت به مجازات جرایم مواد ۷۲۵ و ۷۲۶، تشدید نکرده و برای همه، حبس متوسط را پیش بینی کرده است؟

سوال دیگر قابل طرح این است که آیا فقره (۱) ماده ۷۲۷، کدام حکم جدیدی را بیان می کند که در مواد ۷۲۵ و ۷۲۶ بیان نشده است؟ اگر جواب تان بلی باشد، پس آن حکم جدید چیست؟

به نظر می رسد که، منظور قانونگذار از جرم مندرج ماده ۷۲۷ کود جزا، گسترش ساحة حمایت از اشخاص قاصر و ناتوان است ولو در حالاتیکه از وسایل فریبکارانه استفاده نمی شود، زیرا این دسته اشخاص به سبب مشکلاتی که دارند بدون استفاده از وسایل فریبکارانه مورد سوء استفاده قرار گرفته می توانند و فریب می خورند. به عبارت دیگر، میزان حیله و فریب در دو حالت متفاوت است، برای

اشخاص عادی که ماده ۷۲۵ از آنها بحث می‌کند استفاده از وسایل فریبکارانه شرط تحقق جرم است، اما در رابطه به اشخاص قاصر فوق ۱۸ سال، این شرط لازم نیست.

ماده ۷۲۷ کود جزا، معادل ماده ۴۷۱ قانون جزای ۱۳۵۵ افغانستان و معادل ماده ۳۳۸ قانون جزای مصر می‌باشد که چنین صراحت داشت «هرگاه شخصی از احتیاج، عدم مهارت یا ضعف نفس قاصری که ۱۸ سالگی را تکمیل نموده، سوء استفاده نماید، و از این طریق، اسناد ملکیت، رسید خط متعلق به دیون، اسناد طلبات، اسناد فراغت از اوراق تجارتي یا سایر اسناد مثبتة را بر او امضاء کند، و در نتیجه آن، به شخص مذکور ضرر برسد، به حبس... محکوم می‌گردد.»

با بیان فوق، تفاوت میان ماده ۷۲۷ و مواد ۷۲۵ و ۷۲۶، قرار ذیل روشن می‌شود:

- ماده ۷۲۵، بیانگر این است که یک شخص با استفاده از وسایل فریبنده، شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت، وادار می‌سازد.

- ماده ۷۲۶، بیانگر این است که یک شخص در مال غیر یا مال خود - که حق تصرف در آنرا ندارد -، با استعمال وسایل فریبنده طوری تصرف می‌کند که ضرر بر غیر وارد می‌شود.

- ماده ۷۲۷، بیانگر این است که یک شخص از ضعف اشخاص قاصر و ناتوان سوء استفاده نموده و اسنادی را بر آنها امضاء می‌کند و از این طرق، خود را مستفید و آنها را متضرر می‌گرداند.

برای وضاحت بیشتر باید گفت که؛ به اساس قانون مدنی افغانستان، سوء استفاده از حالت اشخاص قاصر، موجب بطلان عقد و جبران خساره می‌شود، اما از نظر قانونگذار کود جزا، این بطلان عقد و جبران خساره، بسنده نبوده بلکه قانونگذار خواسته است از طریق وضع مجازات بر سوء استفاده کنندگان، اشخاص قاصر را مورد حمایت بیشتری قرار بدهد. لذا در ماده ۷۲۷ کود جزا بیان کرده است که هرگاه شخصی از وضعیت اشخاص قاصر و ناتوان سوء استفاده نماید و اسنادی را بر آنها امضاء کند و از این طریق، خود را مستفید و آنها را متضرر گرداند، به حبس متوسط محکوم می‌شود.

شرح کلمات مندرج ماده ۷۲۷ کود جزا:

- کلمه "ناتوان" در عنوان ماده ۷۲۷، شامل اشخاص قاصر (مجنون، معتوه، محجور، و شخصی که بعد از هجده سالگی بالای او حکم استمرار وصایت صادر شده باشد)، محتاج، کم تجربه، بی مهارت، ضعیف النفس، سفیه، مریض روانی، شیخ فانی یا بزرگسالان که قدرت درک و توانایی خود را از دست داده و برای اداره امور مالی آنان، سرپرست یا قیمی تعیین گردیده باشد، و امثال آنها می‌باشد.

- احتیاج، وضعیت اقتصادی بدی که شخص با آن مواجه می‌شود و وسایل ضروری معیشت خویش از قبیل طعام، سکن، تعلیم و امثال آنها را از راه معمول و عادی برآورده کرده نمی‌تواند.

- ضعف نفس، اصطلاح وسیعی است که هرگونه نابرابری یک شخص در مقابل شخص دیگر را شامل گردیده و او را در موقعی قرار می‌دهد که نتواند مانند شخص طرف مقابل خود از چنان شروط و امتیازاتی بهره‌مند گردد که مصلحت وی را تأمین کند. عدم مهارت، کمبود معلومات، نارسایی در ارزیابی و سنجش، از نتایج این نابرابری است.<sup>۱</sup>

- سوء استفاده، به این معنی خواهد بود که شخصی ضرورت، ناتوانی، عاجزی، هوس یا گرایش بیش از حد یک شخص به چیزی را غنیمت شمرده و طوری از آن سوء استفاده نماید که آنچه را به سبب اوصاف متذکره در مجنی‌علیه، بدست آورده است، هرگز با آنچه برای او تقدیم کرده است، تناسب نداشته باشد. به تعبیر دیگر مرتکب بخواهد با استفاده از وضعیت موجوده در مجنی‌علیه، آنچه را بدست آرد که عدالتاً مستحق آن نباشد.<sup>۲</sup>

نکته ای که در این جا جلب توجه میکند، متن این ماده قانونی است که به نحوی ابهام در آن وجود دارد، و مفهوم درستی را افاده نمی‌کند، زیرا وقتی ماده مذکور با مواد قانون جزای کشورهای مصر (ماده ۳۳۸) و عراق (ماده ۴۵۸) که از حیث متن و محتوی شباهت زیادی با قوانین جزایی افغانستان<sup>۳</sup> دارد، مقایسه و مراجعه گردد، دیده میشود که در قوانین مذکور "کسب منفعت" از مجنی‌علیه، چون بدست

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۱۰۹-۱۱۱۰.

<sup>۲</sup> - مرجع قبلی

<sup>۳</sup> - ویا هم به تعبیر دقیق تر میتوان گفت که در صیاحت قوانین افغانی غالباً از قوانین مذکور استفاده گردیده است،

آوردن، مال، سند ملکیت، سند گرفتن قرض یا ادای آن، اسناد تجارتي و سایر اسناد مثبتة - که قابلیت حجیت را داشته باشد - بطور صریح شرط گذاشته شده است، اما متن ماده ۷۲۷ کود جزا، چنین وضاحتی نداشته و به سختی میتوان آنرا تعبیر و یا چنین مفهومی از آن اخذ کرد.

### فعالیت شماره (۲۰)

#### قضیه فرضی:

خانمی بنام "شاه دخت" طلاق شده است و والدین او نیز وفات شده اند، از برادر خود خواست تا از وی سرپرستی کند، برادر اش قبول کرد. خانم برادر شاه دخت که کارمند دولت است، ساعت هفت صبح از خانه بیرون می شود و ساعت پنج عصر برمی گردد. شاه دخت تمام کارهای خانه را به شمول لباس شویی، آشپزی و پاک کاری خانه را انجام می دهد، علاوه بر آن از اطفال کوچک برادر اش نیز سرپرستی می کند؛ آنها را غذا می دهد و لباس می پوشاند و به مکتب روان می کند. روزی برادر شاه دخت برایش گفت: من از تو سرپرستی می کنم و تو در خانه من زندگی می کنی و از پول من نان می خوری، ادامه دادن این وضعیت به من مشکل است تو باید یکی از این پیشنهادات من را قبول کنی؛ یا به بیرون از خانه بروی و کار کنی و در مصارف خانه سهم بگیری، یا از سهمی که از میراث پدرم به تو می رسد به نفع من تیر شوی، یا به خانه یکی از برادرانم بروی تا از تو سرپرستی کند. شاه دخت که سواد ندارد و کار و وظیفه در بیرون از خانه برایش میسر نیست، و باور دارد که سایر برادرانش از او سرپرستی نمی کنند، شاه دخت از اینکه دیگر چاره بیی نداشت از سهم میراثی خود به نفع این برادر اش گذشت.

راجع به قضیه فوق، به سوالات زیر پاسخ دریافت کنید:

- ۱- آیا برادر شاه دخت نظر به ماده ۷۲۷ کود جزا، مرتکب جرم فریبکاری شده است یا خیر؟
- ۲- اگر برادر شاه دخت مرتکب جرم فریبکاری شده باشد، آیا او به جزای مندرج فقره (۱) ماده مذکور محکوم می شود با به جزای مندرج فقره (۳) این ماده؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۰)

پاسخ احتمالی توسط نویسندگان ارائه نشده بلکه برای اشتراک کننده گاه محول گردیده است تا در مورد قضیه بحث جدی کنند و به یک نتیجه واحد برسند.

### تفکر انتقادی

ماده ۷۲۷ کود جزا، سوء استفاده از وضعیت معین اشخاص قاصر و ناتوان را جرم شمرده و برای آن مجازات تعیین نموده است، بدین معنی که اشخاص مزبور، نسبت داشتن وضعیت ویژه شان، باید مورد حمایت بیشتر قرار گیرند، اما دیده می‌شود که مجازات تعیین شده، در فقره (۱) این ماده، با مجازات تعیین شده در مواد ۷۲۵ و ۷۲۶ کود جزا، تفاوتی نداشته و برای همه حالات "حبس متوسط" پیش‌بینی شده است. لذا تخصیص بیان آن در ماده جداگانه، بدون تشدید مجازات، قابل نقد می‌باشد، زیرا در ماده ۷۲۵ نیز به طور مطلق گفته شده است که "شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حيازت پول مال یا کسب خدمت و یا منفعت برای خود یا شخصی دیگری وادار سازد"، که ممکن است رفتار جرمی مندرج فقره (۱) ماده ۷۲۷ را نیز شامل گردد، و اخذ امضا در پای سند ملکیت، سند دین، سند طلبات یا سایر اسناد مثبت، به منظور کسب منفعت برای مرتکب باشد، خواه مجنی‌علیه قاصر باشد یا رشید.

اما در فقره (۳) ماده ۷۲۷، که جرم توسط ولی، وصی یا قیم انجام شده و مجازات آن به حبس طویل تا هفت سال تشدید شده است، منطقی و مناسب می‌باشد.

### مبحث پنجم: صدور چک بلا محل:

چک در زندگی اقتصادی امروزی، از اهمیت خاصی برخوردار است، لهذا باید مانند سایر اموال، مورد حمایت قانونی قرار گیرد تا اعتبار آن در زندگی اقتصادی حفظ گردد. چک یکی از وسایل پرداخت دین است و در معاملات اقتصادی نقش پول را ایفا می‌کند. اصدار چک در معاملات امروزی، مصالح اقتصادی مهمی را تحقق می‌بخشد؛ چک از خطرات حمل پول نقد جلوگیری، میزان تعامل با پول نقد را کاهش می‌دهد، گرایش مردم در سپردن اموال نقدی به بانک‌ها را افزایش می‌دهد.

دادن چک بدون داشتن پول در حساب بانکی، یکی از شیوه‌های تجاوز بر ملکیت و سببی از اسباب غنامندی غیر مشروع می‌باشد، زیرا شخص صادر کننده چک، در مقابل دادن چک، منفعت یا مالی را از نزد مستفید بدست آورده و به او این باورمندی را می‌دهد که وی می‌تواند بدیل آنرا با صرف کردن همین چک بدست آورد، در حالی که پولی در حساب ندارد، یا پول موجوده کمتر از آن است که برای شخص مستفید وعده کرده بود.

آخرین موردی که کود جزا از آن به عنوان یکی از مصادیق فریب‌کاری یاد کرده است، صدور چک غیر قابل حصول می‌باشد. برای تحقق این نوع فریب‌کاری، شخص باید با داشتن علم به عدم اعتبار یا نبودن پول نقد در حساب بانکی، چک صادر نماید. در حالت مشابهی اگر چک صادر شده باشد و تمام یا بخشی از حساب صادر کننده از بین برده شده باشد و در نتیجه مقدار پول ذکر شده در مبلغ چک، حصول نشده باشد، صادر کننده آن به جرم فریب‌کاری متهم و به حبس قصیر محکوم می‌گردد. البته تعقیب عدلی مرتکب جرم صدور چک بلا محل، از دیدگاه کود جزا، منوط به شکایت متضرر می‌باشد.

مسائل مربوط به جرم صدور چک بلا محل، قرار ذیل توضیح می‌گردد.

### گفتار اول: تحلیل عنوان ماده ۷۲۸ کود جزا (صدور چک بلا محل)

کود جزا، تحت عنوان "صدور چک بلا محل" احکام و جزای این جرم را بیان نموده است، قانون مذکور علاوه بر اینکه تعریف مشخصی از "چک" ارائه نکرده است، کلمات "صدور" و "بلا محل" را نیز واضح نساخته است. بنا بر این، مطالب متذکره را قرار ذیل شرح می‌کنیم.

#### مطلب اول: صدور:

صدور به معنای (صادر شدن) مصدر فعل لازمی بوده و در اینجا از حیث لغوی باید مصدر فعل متعدی یعنی اصدار (صادر کردن) استعمال گردد، اما دیده می‌شود که کلمه "صدور" در اینجا به مفهوم خاصی به کار برده شده است، زیرا این اصطلاح (صدور) در بند (۱۷) ماده سوم قانون اسناد قابل معامله، منتشره جریده رسمی شماره (۹۷۱) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۱/۵ ه.ش، گفته شده است که مراد از صدور: "اولین تسلیمی سند قابل معامله به شخصی است که آنرا بحیث دارنده تسلیم می‌گردد"، به این معنی که مراد از صدور، تحریر و امضای "چک" نه، بلکه تاریخ تسلیمی آن به شخص "مستفید" می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### مطلب دوم: بلا محل:

مراد از "بلا محل"، نداشتن پول در همان حساب بانکی است که دارنده آن چک مذکور را صادر می‌کند، یا در حساب مذکور پول موجود است اما مقدار مندرج چک را پوره نمی‌کند.

<sup>۱</sup> - و هرگاه چک مذکور قبل از تسلیمی صادر کننده، به نحوی دیگری چون سرقت، گم شدن، فراموش کردن آن در یکی از اماکن، بدست "مستفید" آن برسد، و وی آنرا و افتادن آن بدست مستفید، حکم آن چه خواهد بود.

## مطلب سوم: چک

کود جزا، تعریف مشخصی از چک ارائه نکرده است، اما بند (۳) ماده سوم قانون اسناد قابل معامله، چک را چنین تعریف نموده است: "چک سند کتبی حاوی دستور بدون قید شرط است که توسط صادر کننده، امضا و بانک معین به اساس آن ملزم می‌گردد تا مبلغ مندرج آنرا عندالمطالبه در وجه شخص معین یا به دستور وی یا به حامل سند، تادیه نماید".

اینکه چک باید دارای کدام محتویات باشد، در قوانین افغانستان پیدا نکردیم، اما نظر به نوشته های حقوقی و عرف تجارتي بیانگر آن است که وجود عناصر ذیل در چک ضروری است:

### الف) اطراف ذیربط:

اطراف ذیربط در چک، شامل شخص صادر کننده (مالک حساب بانکی فعال)، بانک (صرف کننده) که چک به آدرس آن تحریر شده است، و شخص مستفید (دریافت کننده) می‌باشد. صدور چک به معنای آن است که صادر کننده‌ی چک، مدیون شخص مستفید است، و بانک، مدیون صادر کننده‌ی چک می‌باشد.

### ب) محتویات چک:

چک باید دارای شکل و محتوای ویژه باشد، تا وصف "چک" بودن را حایز شود و اعتبار قانونی و مالی پیدا کند. چک باید "کتبی" باشد. در تعاملات مالی امروزی چیزی به نام چک شفاهی وجود ندارد.

چک وقتی اعتبار دارد که حاوی موارد ذیل باشد:

#### ۱- امضای شخص صادر کننده:

امضای شخص صادر کننده، مهمترین نبشته لازمی در چک دانسته می‌شود، زیرا امضای مذکور دلالت به شخصیت، اراده، صفت قانونی و امر شخص صادر کننده آن می‌کند، و با وجود آن، چک مشروعیت پیدا می‌کند.



امضا در بند (۴۰) ماده سوم قانون اسناد قابل معامله چنین تعریف شده است: "امضا علامه مشخصی است که توسط شخص در ذیل سند توسط دست تحریر یا فکس<sup>۱</sup> گردیده باشد، یا به شیوه‌های معمول در افغانستان تصدیق شود."

چک بدون امضاء، اعتبار ندارد حتی حیثیت یک سند مدنی را نیز دارا بوده نمی‌تواند<sup>۲</sup>. سوال این است که آیا میان امضا و شصت تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ باید گفت که تفاوت میان امضا، مهر و شصت، و تفاوت میان صدور چک توسط شخص اصیل، نایب یا ممثل قانونی او، تابع قواعد عمومی حقوق می‌باشد.

### فعالیت شماره (۲۱)

#### قضیه فرضی:

سمیر تاجر است و در یکی از بانک‌های کشور حساب بانکی دارد. او صلاحیت اصدار و امضای چک از همین حسابش را به نوید مدیر مالی خود تفویض، و او را به بانک معرفی کرد. نوید برای یکی از مشتریان، چکی را به مبلغ پنجاه هزار افغانی صادر و امضا نمود و به مشتری مذکور تسلیم کرد. این چک نسبت نبود "بیلائنس" در حساب مذکور، از طرف بانک رد گردید، و شخص مذکور به پولیس شکایت کرد.

در این قضیه، مسؤولیت جزائی متوجه کدام شخص است، سمیر یا نوید؟

اشتراک‌کننده‌ها باهم بحث کنند و پاسخ را دریافت نمایند.

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۱)

<sup>۱</sup> - البته مراد از فکس در اینجا واضح نیست که فکس اوراق است یا اصطلاح خاص برای مفهوم خاصی است که ما نمیدانیم.

<sup>۲</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۵۹

پاسخ احتمالی ارائه نشده است تا دیده شود که در نتیجه مباحثات اشتراک کننده‌ها، کدام نتیجه بدست می‌آید.

## ۲- اسم بانک:

نگاشتن اسم بانک در چک ضروری است، زیرا بانک مذکور جهتی است که اموال شخص صادر کننده‌ی چک، نزد او موجود است، و مکلفیت دارد تا پول مندرج چک را پرداخت نماید. اگر اسم بانک در چک به صورت درست و واضح نگاشته نشده باشد، در آن صورت چک مذکور ارزش قانونی خود را از دست داده و قابلیت اجرائی نخواهد داشت.

## ۳- مقدار مبلغ:

مقدار مبلغ قابل صرف باید در چک تحریر گردد تا بانک بتواند وجه مندرج چک را به مستحق آن پرداخت نماید. وجه مندرج چک باید پول باشد و مقدار آن نیز تعیین گردد، زیرا چک قائم مقام پول است نه جنس. همچنان اگر مبلغ مندرج چک، معین نباشد، قابلیت اجرایی ندارد. مثلاً در چک نگاشته شود که "تمامی آنچه که در حساب مذکور باقی مانده است را حامل این چک پرداخت کنید".<sup>۱</sup>

در عرف معمول، وجه مندرج چک، به عدد و حروف نگاشته می‌شود. سوال این است که اگر میان آنها تفاوت وجود داشته باشد، به کدام آنها اعتبار داده می‌شود؟ نظر به ماده دهم قانون اسناد قابل معامله، ابتداءً "مبلغی که به حروف تحریر گردیده قابل اعتبار می‌باشد، هرگاه حروف مبهم یا غیر قطعی باشد، در این صورت مبلغ به اساس ارقام تعیین شده می‌تواند".<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - مرجع قبلی، ۱۰۶۰/۲.

<sup>۲</sup> - ماده دهم قانون مذکور در زمینه چنین می‌گوید: "در صورتیکه میان حروف و ارقام مبلغی که تعهد یا دستور تأدیبه آن صادر شده است، تفاوت وجود داشته باشد، مبلغی که به حروف تحریر گردیده قابل اعتبار می‌باشد، هرگاه حروف مبهم یا غیر قطعی باشد، در این صورت مبلغ به اساس ارقام تعیین شده می‌تواند."

#### ۴ - امر پرداخت:

منظور از امر پرداخت آن است که صادر کننده‌ی چک از بانک بخواهد تا وجه مندرج چک را برای مستفید پرداخت نماید. اگر چک فاقد همچون امری باشد، بانک مکلف به پرداخت وجه مندرج چک نیست.

اگر صادر کننده‌ی چک، از یکطرف چکی را صادر کند، و از طرف دیگر بانک را به عدم تأدیه پول امر نماید، یا چک را عمداً طوری تحریر یا امضا نماید که مانع تأدیه پول گردد، جرم فریب کاری را مرتکب گردیده است. (ماده ۷۲۸ کود جزا)

در رابطه به زمان واجب الاجراء شدن امر باید گفت که بانک مورد نظر با اطلاع یافتن از محتوی چک باید به پرداخت آن اقدام نماید، زیرا فرض بر این است که چک باید به جای پول نقد مورد تعامل قرار گرفته و دارنده آن، آنرا به سهولت و عندالمطالبه به پول نقد تبدیل نماید، از همین رو در تعریف چک نیز به صراحت تذکر داده شده است که "سند کتبی حاوی دستور بدون قید و شرط است...."، که این نکته در بند اول ماده ششم قانون اسناد قابل معامله نیز تأکید "و غیر مشروط بودن" سند، یکی از شرایط عمومی اسناد قابل معامله خوانده شده است.

ناگفته نباید گذاشت که صلاحیت و مکلفیت بانک معینی که توسط صادر کننده چک، مکلف به پرداخت مبلغ مندرج چک گردیده است، بر اساس ماده ۱۰۹ قانون اسناد قابل معامله، در حالات ذیل لغو می گردد:

الف: در صورت لغو دستور تأدیه.

ب: در صورت اطلاع از وفات مشتری

ج: در صورت اطلاع از ورشکستگی مشتری.

## فعالیت شماره (۲۲)

## سوالات مباحثی:

شخصی "چک" را می نویسد، مگر برای آن دو تاریخ را درج می نماید که یکی آن تاریخ تحریر چک و دومی آن تاریخ استحقاق یا صرف کردن آن باشد، یا اینکه چک را امروز می نویسد، اما تاریخ چند روز بعد از تاریخ تحریر حقیقی آنرا، درج چک نموده و ظاهراً چنان وانمود می سازد که چک مذکور در همان تاریخ مندرج چک، نگاشته شده است، پس در همچو حالاتی، وضعیت قانونی چک مذکور چه خواهد بوده و اگر شخصی در حالت اولی، قبل از فرا رسیدن تاریخ استحقاق، چک مذکور را به بانک برده و از جانب بانک رد گردد، آیا شخص در این حالت به جرم فریب‌کاری متهم خواهد شد یا خیر؟

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۲)

بعد از تحقیق و مطالعه قوانین ذیربط، به این نتیجه رسیدیم که این جزئیات در قوانین اختصاصی و مرتبط، افغانستان، بیان نگردیده است، اما با مراجعه به مؤلفات نگاشته شده در مورد شرح قوانین جزائی، دیده می شود که برخی از دانشمندان حقوق در زمینه چنین گفته اند:

" در صورتیکه چک مذکور حاوی دو تاریخ یعنی تاریخ تحریر و تاریخ استحقاق باشد، پس معنای آن این است که چک مذکور قبل از فرارسیدن موعد استحقاق، من حیث چک نه، بلکه من حیث سند تضمین استفاده گردیده و اگر در خلال دو تاریخ نگاشته شده، شخص دارنده چک، آنرا به بانک برده و از جانب بانک اجراء نگردد، وصف فریب‌کاری بالای صادر کننده چک صدق نمی کند.

اما در حالت دومی که تاریخ استحقاق چک را عمداً متأخر نوشته است، در حالیکه چک را امروز صادر کرده است، پس در این حالت، چک مذکور صفت چک بودن را از دست نداده و حسب ظاهر معامله می گردد، بدین معنی که چنان پنداشته می شود، که چک مذکور در همان تاریخ موجود، تحریر گردیده است، نکته ای باریک که در اینجا قابل تذکر است این است که هرگاه چک مذکور بعد از فرارسیدن موعد مندرج آن به بانک برده شده و ثابت گردد که در حساب مذکور، پولی وجود ندارد، جرم

فریب‌کاری متحقق گردیده، و این ادعای صادر کننده آن که وی چک مذکور را قبل از تاریخ مندرج آن نگاشته و در آن زمان در حساب مذکور، پول وجود داشت، ادعای مقبول و بجا نخواهد بود".

قابل ذکر است که فقره دوم ماده ۱۰۴ قانون اسناد قابل معامله، نیز چنین تصریح دارد که "هر سند قابل معامله که حاوی تاریخ است، در همان تاریخ تحریر یا صادر گردیده است".

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

#### ۵- تعیین شخص مستفید:

شخص مستفید در چک، داین یا صاحب حق اولی، دانسته می شود، لذا تعیین و مشخص ساختن وی لازمی است، چنانچه در تعریف چک نیز از تادیه مبلغ مندرج چک در وجه "شخص معین" نام برده شده است.

اما آنطوری که معمول است، لازم نیست تا بطور حتمی اسم شخص معین، بحیث مستفید، درج چک گردد، بلکه ممکن است، شخص مستفید در چک به یکی از طریقه های ذیل تعیین گردد:

الف: اسم کامل شخص مستفید.

ب: به دستور شخص معین.

ج: به حامل سند.

قابل یاد آوری است که مجال بحث روی تفصیل و چگونگی تحریر چک های تجارتي و یا غیر تجارتي، در حقوق تجارت و یا هم بحث روی قوانین ذیربط بوده توسعه بیشتر در اینجا گنجایشی ندارد، صرفا آنچه در اینجا مهم دانسته می شود این است که از دیدگاه کود جزا، بطور مطلق و بدون استثناء همه انواع چک های نگاشته شده، تحت یک حکم قرار گرفته و این استدلال که در آن عده چک های که

به عنوان " حامل سند" نگاهته می شود، شخص مستفید، معین نبوده و بدین لحاظ ، تحریر چنین چک بلا محل، جرم شناخته نمی شود، استدلال درست و منطقی نمی باشد.

هرگاه در یکی از چک ها، شخص مستفید، مشخص نگردیده و چک مذکور نه به اسم وی و نه به دستور وی، صادر گردیده باشد، در آن صورت مستحق و مستفید چک مذکور، حامل آن خواهد بود، چنانچه در بند ۷ ماده ۱۰۴ قانون اسناد قابل معامله نیز گفته شده است که : "دارنده سند قابل معامله، دارنده با حسن نیت آن است، هرگاه سند از مالک قانونی آن یا از شخص دیگری که اختیار قانونی آن را دارا است، به وسیله تخلف یا فریب تحصیل شده یا از صادر کننده و یا قبول کننده آن به وسیله تخلف یا فریب یا جهت انجام عمل غیر قانونی تحصیل شده است، در این احوال، مسؤولیت اثبات دارنده با حسن نیت، برعهده دارنده سند است" (مشوره شود که آیا این ماده قانون در اینجا صدق میکند و یا خیر؟)

## ۶- تاریخ چک:

حسب حرف معمول تجارتمی ، هرچک حاوی تاریخ صدور بوده و نگاشتن تاریخ، در رابطه به داشتن صلاحیت معتبر صادرکننده و مرور زمان، اهمیت ویژه دارد، همچنان در رابطه به تشخیص موعد زمانی، معتبر برای داشتن یا نداشتن " بیلانس" در حساب، نیز بس مهم بوده و بدون وجود تاریخ نمیتوان، آنرا درک و یا تحقق یا عدم تحقق جرم فریب‌کاری را ثابت نمود.

البته برخی از دانشمندان حقوق، بر این باورند که تاریخ نگاشتن چک، تاریخ استحقاق آن شمرده شده و اگر حین تحریر چک، پولی در حساب صادرکننده آن نباشد، در حقیقت جرم فریب‌کاری تحقق یافته است،<sup>۱</sup> زیرا چک یکی از وسایل پرداخت دین بوده و تاریخ استحقاق آن از همان لحظه نگاشتن آن آغاز می گردد، اما آن طوریکه در صفحات قبلی نیز تذکر رفت، قانون اسناد قابل معامله، صدور را به معنای تسلیمی سند قابل معامله به شخصی دانسته است که آنرا به حیث دارنده تسلیم می گردد، که در این صورت این سوال مطرح می گردد که هرگاه تاریخ چک بعد از تاریخ تسلیمی نگاشته شده باشد، بر

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۶۴،

اساس همین نظریه، هرگاه در مدت زمانی بین صدور (تسلیمی) و موعد مندرج چک، ثابت گردد که در حساب مذکور "بیانس" نیست، آیا جرم فریب‌کاری تحقق یافته است یا خیر؟ (قابل تأمل و تدقیق است)

گاهی هم اگر یک چک تاریخ نداشته باشد، چک مذکور باطل نبوده و این غفلت صادر کننده چک، طوری تفسیر می‌گردد که وی این صلاحیت را به دارنده چک، تفویض نموده و وی میتواند هر آن تاریخی را که بخواهد روی چک بنگارد، لذا اگر دارنده تاریخی را درج و آنرا به بانک ارایه نماید، اما پولی در حساب نباشد، در آن صورت جرم فریب‌کاری تحقق یافته و این استدلال صادر کننده چک، که وی چک بدون تاریخ را به "مستفید" تسلیم نموده است، شنیده نخواهد شد.<sup>۱</sup>

#### فعالیت شماره (۲۳)

##### سوال مباحثوی:

آیا جرم انگاری اصدار چک بلامحل، سایر اسناد قابل معامله تجارتي، چون برات و حجت که در تعاملات تجارتي از اهمیت و اعتماد بس مهمی برخوردار بوده و همانند چک یکی از وسایل پرداخت دین محسوب می‌گردد، را نیز شامل گردیده و عدم اجرای آنها از جانب مرجع تادیه کننده، وصف فریب‌کاری را به خود خواهد گرفت؟

##### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۳)

نخیر، زیرا ماده قانون به طور مشخص از چک نام برده و نمیتوان سایر اسناد قابل معامله را بالای چک قیاس کرد.

<sup>۱</sup> - مرجع قبلی.

### گفتار دوم: رفتارهای جرمی اصدار چک بلا محل و اشکال آن:

ماده ۷۲۸ کود جزا، در رابطه به جرم اصدار چک بلا محل، از رفتار های جرمی متعددی نام برده است که هر یک از آنها را نوعی از عمل جرمی فریب‌کاری خوانده است، این افعال جرمی عبارت است از:

الف: دادن چک بدون وجود دارایی اعم از پول نقد یا اعتبار، یا وجود دارایی کمتر از وجه مندرج چک.

ب: اخراج تمام یا بعضی از دارایی بعد از دادن چک، طوری که دارایی باقیمانده، وجه مندرج چک را کفایت نکند.

ج: اصدار امر به مرجع صرف کننده چک، مبنی بر عدم تأدیه پول برای دارنده چک.

د: تحریر یا امضای عمدی چک، به گونه ای که مانع تأدیه پول گردد.

وقتی به هر یک از رفتار های جرمی فوق الذکر نگاه شود، ملاحظه می‌گردد که "دادن" یا به تعبیر دیگر "تسلیمی" چک، به شخص "مستفید" فعل اصلی جرم فریب‌کاری بوده و چنین استنباط می‌گردد که:

۱- جرم اصدار چک بلا محل، با تسلیمی فزیکتی چک از جانب صادر کننده به شخص "مستفید" تحقق می‌یابد.

۲- هرگونه اعمال مقدماتی چون تحریر و امضای چک، و لو اینکه پولی هم در حساب نداشته باشد، وصف جرمی را به خود نمی‌گیرد.

برای وضاحت بیشتر هر یک از رفتار های جرمی فوق الذکر، تحت این مطلب روی نکات ذیل، مکثی خواهیم داشت:

#### مطلب اول: اصدار چک بدون داشتن دارایی:

رفتار اول، از رفتار های جرمی اصدار چک بلا محل، همان حالت شایعی است که مباشرتاً در ذهن هر شنونده خطور نموده و مراد از آن این است که شخصی برای شخص دیگر چکی را صادر نماید در حالیکه در حساب خویش، دارایی کافی ندارد، یا اینکه دارایی موجوده وی به آن حدی نیست که مبلغ



مندرج چک را تکافو نماید، که در این صورت شخص مذکور مرتکب جرم اصدار چک بلا محل گردیده و قابل مجازات شناخته می شود، اما آنچه که در این جزء قانون، قابل مکث دانسته می شود، موضوع "دادن چک" و "اعطای چک" است که متن قانون از آن نام برده است، همچنان، نکته بعدی این که آیا تحقق جرم در این حالت، مشروط و معلق به بردن چک مذکور به بانک است، یا اینکه این موضوع شرط نبوده و به مجرد تحریر و تسلیمی چک به شخص "مستفید" جرم تام شناخته میشود، که این دو موضع یاد شده را طی سطور بعدی به بحث خواهیم گرفت:

### فرع اول: عطاء یا تسلیمی چک:

چنانچه گفته شد، متن ماده ۷۲۸ کود جزا، از نحوه ارتکاب جرم اصدار چک بلا محل، چنین تعبیر نموده است که: "بدون داشتن دارایی، اعم از پول نقد یا اعتبار، برای شخص دیگر چک بدهد"، یا اینکه بعد از اعطای چک".

بناء، مدلول فعل "دادن" و "اعطاء" چک، در اینجا همانا تسلیم کردن چک به شخص مستفید می باشد، طوریکه صادر کننده چک میخواهد همزمان با دست به دست دادن فیزیکی چک به شخص "مستفید"، اراده انتقال حيازت و ملکیت مبلغ مندرج چک را به شخص مستفید داشته باشد. که این نکته در قانون اسناد قابل معامله نیز تأکید و بند ۱۷ ماده چهارم این قانون، صدور اسناد قابل معامله را به معنای تسلیمی آن به شخص "مستفید" تفسیر نموده است.

آشکاراست که فعل "دادن چک" یا "تسلیم نمودن" آن، دارای دو عنصر: مادی یعنی مناوله فیزیکی، و معنوی یعنی اراده تنازل از حيازت و قصد سپردن مبلغ مندرج آن به شخص "مستفید" می باشد، هرگاه یکی از این عناصر معدوم گردد، فعل "تسلیمی" و به تعقیب آن جرم "فریب کاری" تحقق نیافته است.

به طور مثال، هرگاه شخصی چکی را تحریر و امضا نماید، اما به شخص "مستفید" تسلیم ننماید، هرچند آنرا به وی نشان بدهد، بازهم جرم فریب کاری تحقق نیافته است، و یا اگر توسط پست ارسال نماید، تا زمان که بدست گیرنده آن نرسیده است، جرم فریب کاری تحقق نیافته و لحظه تسلیم شدن آن، (طبعاً در صورت نبود بیلانسی) لحظه ارتکاب جرم فریب کاری دانسته می شود.

## فعالیت شماره (۲۴)

## سوالات مباحثی:

۱- شخصی چکی را نوشته و امضا نموده و خود آنرا به بانک تسلیم می نماید، تا حین مراجعه شخص مستفید به وی پرداخت گردد، اما میداند که در همان لحظه سپردن چک به بانک، در حساب وی پولی وجود ندارد.

۲- شخصی چکی را نوشته و امضا نموده و به وکیل خود تسلیم می نماید تا آنرا به "مستفید" تسلیم نماید، اما قبل از اینکه به مستفید تسلیم گردد، شخص "مستفید" به نحوی از بانک معلومات حاصل می نماید که در حساب صادر کننده چک، پولی وجود نداشته و به پولیس شکایت می کند.

۳- شخصی چکی را نوشته و آنرا به وکیل شخص "مستفید" می سپارد، اما قبل از رسیدن آن به دست اصیل، معلوم می گردد که در حساب مذکور پولی وجود ندارد.

۴- شخصی چکی را نوشته و امضا مینماید، اما چک مذکور سرقت و یا مفقود گردیده و به نحوی به دست شخص مستفید میرسد، که با بردن آن به بانک، معلوم می گردد که نسبت نبود پول، چک مذکور قابل اجرا نیست.

سوال: آیا در حالات یاد شده فوق الذکر، جرم فریب‌کاری تحقق یافته است:

## پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۴)

۱- نخیر، زیرا حساب وی در بانک نیز متعلق به ملکیت و حدود صلاحیت وی بوده و چک مذکور تاهنوز عملاً به دست "مستفید" نرسیده است.

۲- نخیر، زیرا چک مذکور از حیازت وی خارج نشده و حیازت وکیل وی، امتداد حیازت خود وی دانسته می شود.

۳ - بلی، چون چک مذکور با افتادن آن به دست، وکیل "مستفید" عملاً از حيازت شخص صادر کننده خارج و در حيازت مستفید انتقال یافته است.

۴ - نخیر، چون در اینجا عنصر معنوی تسلیمی که همانا اراده انتقال حيازت و ملکیت مبلغ مندرج چک است، معدوم بوده و چک مذکور به اختیار واراده شخص صادر کننده به شخص "مستفید" انتقال نیافته است.<sup>۱</sup>

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

قابل ذکر است که:

تحریر و امضای چک اعمال مقدماتی است، که با اكمال آن، جرم فریب کاری تحقق نمی یابد، بلکه تحقق این جرم با تسلیمی و اعطای چک مذکور، صورت می گیرد، لذا اگر شخصی چکی را در ناحیه هفتم شهر کابل نگاشته و امضا نماید، اما آنرا در ناحیه سوم این شهر به شخص مجنی علیه تسلیم نماید، محکمه ذی صلاح محکمه ناحیه سوم خواهد بود، نه محکمه ناحیه هفتم.

فرع دوم: ارایه یا عدم ارای چک به بانک

فراموش نباید کرد، که بردن و ارایه چک در بانک، در تحقق یا عدم تحقق جرم فریب کاری تأثیری ندارد، زیرا متن کود جزا با صراحت می گوید که "برای شخص دیگر چک بدهد" لذا به مجرد اینکه شخص صادر کننده با سوء نیت، و آگاه بودن از اینکه در حساب خویش پول کافی ندارد، چک را به شخص مستفید تسلیم نماید، جرم "اصدار چک بلا محل" تحقق یافته، بردن یا نبردن چک در بانک و همچنان واریز نمودن پول در حساب بانکی مطلوب - خواه بعد از بردن چک به بانک باشد یا قبل از آن -،

<sup>۱</sup> - نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۷۶-۱۰۷۷

تصفیه حساب و یا مجرای دادن پول مندرج چک، پرداخت نقدی پول مندرج چک، و غیره ترمیم کاری ها و اجراءات معالجوی، در نفی تحقق این جرم، تاثیری ندارد.

به عبارت دیگر، جرم " اصدار چک بلا محل" از جمله جرایم وقتی می باشد که با تسلیمی چک (توأم با سوء نیت) به شخص مستفید، جرم تحقق یافته و تا زمان بردن چک به بانک و اثبات عدم موجودیت " بیلانس " کافی، معلق و مشروط نمی باشد، که این نظریه در تعیین محکمه ذی صلاح و قانون قابل تطبیق، نیز تاثیر گذار می باشد، زیرا اگر شخصی چک را در کشور اولی تسلیم نماید، اما بانک اجراکننده در کشور دومی باشد، در صورت برگشت خوردن چک از طرف بانک مذکور، محکمه ذی صلاح و همچنان قانون قابل تطبیق، قانون و محکمه همان کشوری اولی خواهد بود که در حوزه جغرافیای آن، عمل تسلیمی چک مذکور انجام یافته است.<sup>۱</sup>

#### فعالیت شماره (۲۵)

##### قضیه فرضی:

خانم "لیزا" که شرکت لباس سازی زنانه دارد، برای سمیرا، عالیه و پروین خیاط های این شرکت چک صادر و آنرا به هرکدام تسلیم می نماید تا آنرا از عزیزی بانک صرف نمایند، تحریر و تسلیم چک برای اشخاص فوق الذکر، به طور ذیل صورت گرفته است:

۱- از اینکه سمیرا مستحق مبلغ مندرج چک بوده و خانم " لیزا" میداند که پولی در حساب مذکور وجود ندارد، لذا وی مبلغی را از یکی از دوستانش قرض نموده و آنرا قبل از رسیدن چک به بانک، در حساب خویش واریز می نماید تا چک صادر شده به سمیرا، اجرا گردیده و وی سرگردان نگردد.

۲- از اینکه خانم عالیه، در انجام وظایف خویش سهل انگاری نموده و همواره جنجال و دعوی میکند، از همین جهت خانم لیزا نمیخواهد که وی پول مندرج چک را به سهولت بدست آورد، لذا با تحریر

<sup>۱</sup> - حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۸۰

و تسلیمی این چک می‌خواهد وی را چند روز دیگری، بازهم معطل نماید، اما قبل از بردن چک به بانک، معلوم می‌گردد که مبلغ مندرج چک، قبلاً برای عالیه معجرای داده شده و بدین جهت، خانم لیزا مدیون خانم عالیه نبوده و وی مستحق مبلغ مندرج چک نمی‌گردد، خانم عالیه نیز با این تصفیه قناعت می‌نماید.

۳ - خانم "لیزا" میداند که در حساب چک داده شده به خانم پروین پولی وجود ندارد، اما در ابتداء اهمیتی به آن نمی‌دهد، سپس وقتی خبر می‌شود که پدر پروین، خارتوال است، برای اینکه درد سری برایش ایجاد نشود، یک روز بعد از رد شدن چک از بانک، مبالغی کافی را در همان حساب خویش واریز نموده و خانم پروین را به مراجعه مجدد بانک توصیه می‌نماید، اما خانم پروین به جای مراجعه به بانک، خانم لیزا را از دین مذکور و هرگونه حق دیگر، ابرا می‌دهد.

سوال: آیا بازهم در حالات فوق الذکر، خانم لیزا مرتکب جرم فریب کاری و اصدار چک بلا محل گردیده است و یا خیر؟

#### پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۵)

۱- نخیر، زیرا خانم "لیزا" چک را به سوء نیت که در متن ماده ۷۲۷ شرط گذاشته شده است، صادر ننموده و تلاش نموده است تا خانم "سمیرا" حشش را به دست آرد، لذا پول آنرا قرض و آنرا در حساب واریز نموده است، لذا هرچند هنگام تسلیمی چک وی میداند که پولی در حساب ندارد، اما "سوء نیت" نداشته و تلاش نموده است تا در حساب خویش پول کافی واریز نماید.

۲ - بلی، در رابطه به عالیه، خانم "لیزا" مرتکب جرم فریب کاری گردیده، و تسلیمی چک با سوء نیت و با علم به اینکه پولی در حساب ندارد، به وی چک داده است، لذا تصفیه حساب مجدد و قناعت خانم عالیه در عدم استحقاق مبلغ مندرج چک، در نفی وصف جرمی فریب کاری، تاثیری ندارد.

۳ - بلی، در اینجا نیز وی مرتکب جرم اصدار چک بلا محل گردیده زیرا سوء نیت و داشتن علم به نبود پول در حساب، هر دو تحقق یافته، معالجه های بعدی چون واریز نمودن پول در حساب - خواه بعد از بردن چک به بانک باشد یا بعد از آن - و یا هم تنازل خانم پروین از تمامی حقوق اش، در جرم

قبلا ارتکاب یافته (اصدار چک بلا محل) تاثیری ندارد. (نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۱۰۷۸)

لازم به یاد آوریست که در رابطه به اصدار چک بلا محل، در کنار حمایت کود جزا از مجنی علیه، و جلوگیری از متضرر شدن وی، حمایت از جایگاه چک و تقویه اعتماد مردم در مورد چک ها، موضوع بس مهمی دیگری است که قانون گذار آنرا جدا در نظر داشته و خواسته است با تعیین مجازات، این اعتماد را از هرگونه تزلزل و ناباوری ها، مصؤون بدارد.

### مطلب دوم: اخراج تمام یا قسمتی از وجه موجوده از بانک بعد از اصدار چک:

کود جزا، بعد از اصدار چک بدون داشتن دارایی، چون پول نقد یا اعتبار، چنین تصریح نموده است که "یا این که بعد از اعطای چک تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر نموده است، از بانک خارج سازد، طوری که دارایی وی، وجه مندرج چک را کفایت نکند"، یعنی بدین گونه قانون گذار خواسته است تا شکل جرمی دیگری از جرم "اصدار چک بلا محل" را بیان نماید.

البته خواننده محترم خود درک خواهد کرد که در حالت فوق الذکر، هنگام تسلیمی چک، وجه مالی کافی در حساب بانکی صادر کننده وجود دارد، اما وی پیش دستی نموده و قبل از صرف کردن چک مذکور توسط دارنده آن، خود مبالغ موجوده را بکلی خارج و یا طوری آنرا تنقیص میدهد که وجه مندرج چک را کفایت نموده و در نتیجه شخص "مستفید" نتواند مبلغ مندرج چک مذکور را بدست آورد.

بدیهی است که جرم انگاری این رفتار جرمی نیز امتداد حمایت از اعتماد مردم به چک و تعامل به آن است، زیرا منطق ایجاب می نماید تا از حین صدور چک تا حین صرف آن از بانک، هیچ گونه عواملی، اعتماد و اعتبار چک، و اطمینان مشتریان به حصول مبالغ نقدی مندرج آن را، متزلزل نسازد، از همین رو مجرد کم بودن "بلانس" هرچند مقدار آن اندک باشد، برای تحقق این جرم، کافی دانسته می شود.

البته کلمه "اخراج" مبالغه موجوده در حساب و مدلول یا اشکال آن، در کود جزا مطرح نگردیده و این اطلاق، این مفهوم را افاده می نماید که استفاده از هر رویه و یا اجراءات، برای خالی ساختن حساب بانکی صادر کننده چک، برای تحقق این جرم، کافی و یکسان بوده، گرفتن مبالغ مذکور از بانک، بستن حساب، و یا اینکه اصدار چک دومی که صرف کردن آن منجر به خالی شدن "بیالانس" صاحب حساب، گردیده و دارنده چک اول، نتواند چیزی بدست آورد، همه این ها حکم واحدی داشته و عمل جرمی شناخته خواهد شد.

نکته بس مهم اینکه، چک صادره تا چه میعاد زمانی قانونی، صلاحیت و اعتبار یا قابلیت صرف را خواهد داشت، تا بعد از انقضای آن، شخص صادر کننده بتواند، در وجه موجوده در حساب خویش، تصرف قانونی و مجاز نماید، موضوعی است که در کود جزا، بحث نشده است، همچنان قانون اسناد قابل معامله، به بیان این موضوع پرداخته است<sup>۱</sup>، در حالیکه صلاحیت زمانی چک ها در قانون تجارت ( ماده ۶۶۴ و مابعد آن) تنظیم و بیان گردیده بود، اما دیده میشود که احکام این مواد، بموجب حکم ماده ۱۳۳ قانون اسناد قابل معامله، ملغی دانسته شده است.

### مطلب سوم: امر به عدم تأدیه:

کود جزا، رفتار دیگر یعنی اصدار امر به عدم تأدیه، بعد از اصدار چک، را تحت عنوان "اصدار چک بلا محل" جرم خوانده است.

البته وقوع این جرم طوری تصور می گردد که اصدار کننده چک، حین تحریر و تسلیمی چک، پول کافی در حساب داشته و متکی بر آن، چکی را صادر می کند، سپس بانک مربوطه را امر می نماید تا حین مراجعه دارنده چک، آنرا صرف نمایند، که این اقدام ممکن است ناشی از اسباب و علل مختلف باشد، مانند اینکه اختلافات مالی جدید میان طرفین رونما گردیده و به اثر آن صادر کننده چک، نخواهد، دارنده چک، مبلغ مندرج آنرا به دست آورد، یا اینکه حقی که در ارتباط به آن چک صادر گردیده منقضی

<sup>۱</sup> - در حد علم نویسنده و تا نگاشتن این سطور.

گردد، و یاهم برملا گردد که دارنده چک، تعهدات خویش را به درستی انجام نداده و مستحق مبلغ چک نمی‌گردد و یا هم علت‌های گوناگون دیگر.

بررسی انگیزه‌ها و اسباب اصدار امر به عدم دفع، مارا این نتیجه می‌رساند، که به استثناء حالات سوء نیت، ممکن است گاه گاهی شخص دارنده چک، برای اصدار این امریه، دلیل مقنع و مبرر موجهی داشته باشد، پس چرا در همچو حالات عمل مذکور جرم انگاری گردیده و شخص مستحق مجازات شناخته شود.

در جواب باید گفت که: علت جرم انگاری این رفتار، این است که چون چک در دنیای تجارت، نقش محوری و بس مهمی دارد، لذا قانون‌گذار خواسته است تا پروسه اصدار چک از حین صدور تا حین پرداخت و بدست آوری مبلغ مندرج، از هرگونه حمایت قانونی برخوردار بوده و اختلافات شخصی طرفین (صادر کننده و مستفید) مانع اجرای آن نگردد، بالخصوص وقتی حقوق دیگران به چک مذکور تعلق گرفته، و چک مذکور از طریق ظهر نویسی برای ایفای دیون و حقوق دیگران، استفاده شده باشد، گذشته از آن باید دانست که اصدار چک، عمل قانونی محضی است که در اجرای آن، راجع به مشروعیت یا عدم مشروعیت قرارداد، تعامل و یا هر تصرف دیگری که منشأ چک مذکور بوده است، تفحص و یا تحقیقی صورت نمی‌گیرد.

البته مراد از امر به عدم تادیه هر گونه تعبیر از اراده صادرکننده چک و خطاب وی به بانک صرف‌کننده چک است تا از پرداخت مبلغ مندرج چک اجتناب ورزد، برابر است که این تعبیر به گونه صریح باشد، یا ضمنی، تحریری باشد یا شفوی، مباشر باشد یا بالواسطه، قبل از تسلیمی چک باشد یا بعد از آن (که غالباً بعد از تسلیمی می‌باشد) منع پرداخت برای کل مبلغ باشد یا جزء آن.



فعالیت شماره (۲۶)

سوال مباحثوی:

هر گاه ظهر نویس، بعد از تسلیمی چک به مستفید دومی، امر عدم پرداخت مبلغ مندرج چک را به بانک صادر نماید، آیا عمل وی جرم تلقی خواهد شد یا خیر؟

پاسخ احتمالی فعالیت شماره (۲۶): نخیر، چون ظهر نویس صلاحیت اصدار همچو اوامر به بانک را ندارد، بلکه فقط دارنده حساب می تواند این امر را صادر نماید. لذا وقوع این جرم از جانب ظهر نویس تصور نمی گردد.

-----

نظر شما در مورد این پاسخ چیست؟

### مبحث ششم: جزای جرم فریب کاری:

قانونگذار برای جرم فریب کاری درحالات مختلف مجازات متفاوتی را پیش بینی نموده است، طوریکه درحالات عادی برای مرتکب جرم فریب کاری حسب احوال، حبس قصیر ( فقره ۳ ماده ۷۲۵ و ماده ۷۲۸) یا حبس متوسط (فقره ۱ ماده ۷۲۵، ماده ۷۲۶، فقره اول ماده ۷۲۷) پیش بینی گردیده است. در یک حالت (فقره ۳ ماده ۷۲۷) کودجزاء) با درنظرداشتن شخصیت مرتکب، مجازات این جرم را مشدده دانسته و به حبس طویل تا هفت سال، حکم نموده است، و آن در صورتی است که فریب کاری با سوء استفاده از عدم توانایی مجنی علیه توسط ولی، وصی، یا قیم برمجنی علیه یا سرپرست وی صورت گرفته باشد.

طی این مبحث روی مجازات مرتکبین اشکال مختلف فریب کاری، وقفه کوتاهی خواهیم داشت:

#### گفتار اول: جزای فریب کاری در عقد ازدواج:

قانونگذار در فقره (۳) ماده ۷۲۵ در خصوص فریب کاری بین زوجین قبل از عقد نکاح چنین تصریح نموده است که "هرگاه هریک از زوجین قبل از عقد نکاح، طرف خود را به امور غیر واقعی از قبیل داشتن تحصیلات عالی یا سرمایه، موقف اجتماعی، شغل یا مجرد بودن، فریب دهد و عقد برمبنای هریک از آنها صورت گیرد، مرتکب به حبس قصیر محکوم می گردد".

هر چند تصور می گردد که حسب عرف و عادات رائج در جامعه امروزی ما، غالباً مرد ها مرتکب این جرم گردیده و برای فریب دادن طبقه اناث، و نائل شدن به ازدواج با آنها همچو رفتار های جرمی را مرتکب می گردند، امادیده میشود که کود جزا در اینجا دیدگاه وسعیتی داشته و ارتکاب جرم از " زوجین " را پیش بینی نموده است.

بر اساس همین ماده هرگاه یکی از زوجین با علم و اراده، طرف مقابل را با ارایه نمودن معلومات غیر واقعی چون داشتن تحصیلات عالی، سرمایه ..... و غیره.... فریب داده و به انعقاد عقد ازدواج و ادار سازد، مرتکب خواه مرد باشد یا زن، به حبس قصیر محکوم می گردد.

قابل درک خواهد بود که ادعاهای وارده در متن این ماده قانونی، افاده حصر را ننموده بلکه به طور مثال از آنها یاد آوری شده است، لذا هرگاه روشهای فریب کارانه دیگری به کار برده شود که در انعقاد عقد طوری مؤثر باشد که اگر آن ادعا به کار برده نمی شد، طرف حاضر به عقد ازدواج نمی گردید، بازهم جرم فریب کاری متحقق خواهد بود.

### تفکر انتقادی

۱- با در نظر داشت اهمیت ازدواج، آثار و پیامدهای متعدد آن، و در مقایسه با مجازات سایر حالات فریب کاری که مجازات آن حبس متوسط پیش بینی شده است، ملاحظه می گردد که استفاده از روش های فریب کارانه در وادار ساختن طرف مقابل به عقد ازدواج، آثار و عواقب بس خطرناکی داشته اقتضای مجازات بیشتر و شدیدتر را می نماید؛ که متأسفانه این نکته مورد توجه قانون گذار قرار نگرفته است، زیرا برای هر ذی عقل سلیم قابل درک خواهد بود که آثار و اضرار ازدواج فریب کارانه که از یک طرف بازی با سرنوشت و آرمان های طرفین و از سوی دیگر پامال کردن اهداف و قدسیت ازدواج را در قبال دارد، به مراتب سنگین تر و زننده تر از تسلط یافتن بر مال، پول و یا استیفای خدمت از دیگران خواهد بود، لذا ایجاب می نماید تا برای مرتکب آن مجازات شدیدتری در نظر گرفته شود.

۲ - کود جزا، ادعای مجرد بودن از جانب مرد و یا زن را یکی از روش های فریب کارانه در وادار ساختن طرف مقابل به عقد ازدواج، دانسته است، در حالیکه از دیدگاه شرعی - وهمچنان منطقی - آثار و اضرار این ادعا از جانب مرد و زن یکی نبوده و میان آثار شرعی و اضرار اجتماعی این ادعا از جانب مرد و زن، تفاوت های چشمگیری وجود دارد که گمان نمیرفت، این نکته بس مهم و ضروری، از دیدگاه قانون گذار، مخفی بماند، زیرا اگر مرد متاهل چنین ادعای را بنماید، از اینکه شرعاً حق ازدواج با بیش از یک زن را دارد، ممکن است آنرا فریب کاری خوانده و برای مجازات وی، حبس قصیر را در نظر گرفت، اما اگر زن شوهر دار، ادعای مجرد بودن را نموده و همزمان با اینکه در عقد ازدواج مردی قرار دارد، مرد دیگری را وادار به ازدواج با خود نماید، وقوع این حالت در مخالفت شرعی، و جسیم بودن آثار و اضرار آن بالای زوج اولی و دومی، هرگز قابل مقایسه - با ادعای مماثل از جانب مرد - نخواهد بود.

## گفتار دوم: جزای تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب

قانونگذار در ماده (۷۲۶) تصرف در اموال غیر با استفاده از فریب و مجازات آن را چنین تصریح نموده است:

"شخصی که با استعمال وسایل فریب کارانه و با وجود علم به عدم ملکیت یا علم به این که حق تصرف را در آن ندارد در مال منقول یا عقار غیر تصرف نماید یا در مال با وجود علم به تصرف قبلی در آن یا عقد جانبین به آن تصرف نماید، به نحوی که به اثر آن به غیر ضرر برسد، به حبس متوسط، محکوم می-گردد."

مطالعه دقیق نشان میدهد که مرتکب رفتار جرمی مندرج این ماده، در صورتی قابل مجازات دانسته می شود که:

الف: در مال منقول و یا عقار غیر تصرف نماید.

ب: تصرف وی با استفاده از وسایل فریب کارانه صورت گرفته باشد.

ج: مرتکب علم داشته باشد که:

۱- مال متصرف فیه، ملکیت وی نمی باشد؛

۲- وی حق تصرف در آن را ندارد؛

۳- یا وی قبلاً در مال مذکور تصرفی را انجام داده است، سپس تصرف دیگری را به مصلحت شخص دیگری، انجام میدهد؛ یا

۴- وی قبلاً عقدی را بالای مال مذکور انجام داده است، سپس عقد دیگری را با جانب دیگری انجام میدهد.

د: به اثر همین تصرف وی به "غیر" ضرر رسیده باشد.

در صورت تحقق عناصر فوق الذکر، کود جزا حکم می نماید که شخص مرتکب، به حبس متوسط محکوم می گردد.

### گفتار سوم: جزای فریب کاری با استفاده از ناتوانی مجنی علیه:

قانونگذار در متن ماده ۷۲۷ چنین می گوید: " (۱) شخصی که از احتیاج، عدم مهارت یا ضعف نفس قاصری که ۱۸ سالگی را تکمیل نموده باشد طوری سوء استفاده کند که به حيله به واسطه تحریر امضاء اسناد ملکیت یا رسید خط متعلق به دیون یا طلبات یا به فراغت از اوراق تجارتي یا سایر اسناد مثبتة، ضرری به شخص مذکور برساند، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) مجنون، معتوه، محجور و شخصی که بعد از ۱۸ سالگی بالای او حکم استمرار و صایت صادر شده باشد، قاصر شمرده می شود.

(۳) هرگاه مرتکب جرایم مندرج فقره (۱) این ماده، ولی، وصی یا قیم بر مجنی علیه باشد یا به نحوی از انحا به سرپرستی یا حفظ منافع وی مکلف باشد اعم از این که به مقتضای قانون، حکم محکمه، یا موافقه خاص باشد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد.

مطالعه دقیق این ماده قانونی نشان میدهد در صورتیکه جرم فریب کاری با شرایط و احوال مندرج این ماده، ارتکاب یابد، مرتکب قابل مجازات دانسته میشود، مشروط براینکه عناصر ذیل در تشکیل و تحقق این جرم تأثیر گذار باشد:

۱ - حالت ویژه مجنی علیه مانند نرسیدن به سن رشد، حاجت، عدم مهارت، محجور بودن و تداوم ولایت، وصایت و قوامت بالای اشخاص محجور.

۲ - سوء استفاده از این حالت و گرفتن امضای شخص مجنی علیه در پای سند ملکیت، یا رسید خط متعلق به دیون یا طلبات، رسید خط متعلق به فراغت از اوراق تجارتي یا گرفتن سند در پای سایر اسناد مثبتة.

۳ - متضرر شدن مجنی علیه به اثر همین تصرف مرتکب.

۴ - وجود رابطه سببیت میان رفتار جرمی مرتکب و تحقق نتیجه که همانا رسیدن ضرر به مجنی‌علیه می‌باشد.<sup>۱</sup>

البته در کنار اجزای یاد شده عنصر مادی، عنصر معنوی جرم که همانا داشتن علم مرتکب به سن مجنی‌علیه یعنی قاصر بودن وی، احتیاج، عدم مهارت و ضعف وی نیز شرط پنداشته شده و با تحقق این عناصر، کود جزا حکم مینماید تا شخص مرتکب به حبس متوسط محکوم گردد.

قابل ذکر است که مجازات مرتکب فریب‌کاری با استفاده از ناتوانی مجنی‌علیه، حالت مشدده نیز دارد که در فقره سوم ماده ۷۲۷ این کود بیان و متن آن چنین صراحت دارد:

" (۳) هرگاه مرتکب جرایم مندرج فقره (۱) این ماده، ولی، وصی یا قیم بر مجنی‌علیه باشد یا به نحوی از انحا به سرپرستی یا حفظ منافع وی مکلف باشد اعم از این که به مقتضای قانون، حکم محکمه، یا موافقه خاص باشد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد.

### گفتار چهارم: جزای اصدار چک بلا محل:

ماده ۷۲۸ کود جزا در رابطه به جرم اصدار چک بلا محل، چنین می‌گوید:

(۱) شخصی که با سوء نیت بدون داشتن دارایی اعم از پول نقد یا اعتبار برای شخص دیگر چک بدهد یا وجه اعتبار وی کمتر از چک بوده یا این که بعد از اعطای چک تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر نموده از بانک خارج سازد، طوری که دارایی وی وجه مندرج چک را کفایت نکند یا به مرجعی که از آن پول اخذ می‌نماید به عدم تادیه پول امر نماید یا چک را عمداً طوری تحریر یا امضا نماید که مانع تادیه پول گردد، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

<sup>۱۱</sup> - البته بازهم قابل تذکر دانسته می‌شود که در کود جزا و در رابطه به حتمی بودن "کسب منفعت برای مرتکب"، صراحتی وجود ندارد، هرچند از روح قانون و مفهوم آن، چنین نتیجه‌ای برداشت گردیده و تصور می‌گردد که مقتضای چنین اعمال و رفتارهای جرمی همین است که باید برای مرتکب "کسب منفعت" را در قبال داشته باشد. اما با استناد به ظاهر این ماده میتوان گفت که هرگاه رفتاری های جرمی مندرج این ماده عملی گردیده و در نتیجه به مجنی‌علیه ضرری برسد، بازهم مرتکب فریب‌کار دانسته شده و باید به حبس متوسط محکوم گردد، هرچند برای مرتکب منفعتی نداشته باشد.

(۲) تعقیب عدلی جرم مندرج فقره (۱) این ماده منوط به شکایت متضرر می باشد.

چنانچه دیده می شود، این ماده کود جزا، حالات اصدار چک بلا محل و مجازات آنرا تنظیم نموده و به اساس آن، هرگاه شخصی با سوء نیت و بطور آگاهانه و قصدی یکی از اعمال زیر را انجام دهد، به حبس قصیر محکوم می شود:

۱- برای شخصی چک بدهد، در حالیکه میداند که در حساب خویش دارایی ندارد.

۲- برای شخصی چک بدهد، در حالیکه میداند که پولی که در حساب دارد، کمتر از وجه مندرج چک بوده و برای صرف چک مذکور کفایت نمی کند.

۳- بعد از اصدار چک، مرجع پرداخت کننده (بانک) را به عدم تأدیه آن، امر نماید.

۴- چک را عمداً طوری تحریر یا امضا نماید، که مانع تأیه پول گردد.

مراد از سوء نیت در اینجا قصد ضرر رسانیدن به شخص "مستفید" است، طوریکه صادر کننده چک، با آنکه میداند در حساب خویش پول ندارد، یا اینکه پول دارد اما به آن حدی نیست که شخص مذکور بتواند چک خود را صرف نماید، یا اینکه بعد از اصدار چک، پول را از حساب بیرون میسازد یا بانک مذکور را مکلف می سازد تا آنرا پرداخت نکند، یعنی به وسیله رفتارهای متذکره تلاش نماید تا شخص مذکور را از بدست آوردن مبلغ مندرج پول باز دارد.

اما اگر سوء نیتی در کار نبوده و بطور مثال شخصی گمان میبرد که معاش ماهوار وی حتماً در حساب وی ریخته شده و به همان گمان، چکی را صادر می نماید، اما دیده میشود که بطور غیر معمول، معاش وی در این ماه به تأخیر افتاده و تاهنوز در بانک واریز نگردیده است، یا اینکه فراموش کرده باشد که وی چک دیگری را به شخصی دیگری صادر نمود است، که با صرف آن، مبلغ کافی در حساب وی باقی نمانده است، در این صورت، جرم اصدار چک بلا محل، تحقق نیافته است.

البته فقره دوم این ماده، تعقیب عدلی مرتکب این جرم را منوط به شکایت متضرر دانسته و بدون آن، جرم مذکور قابل تعقیب نمی باشد.

## فعالیت شماره (۲۷)

## سوال مباحثوی

خانمی که به ارتکاب جرم فریبکاری مندرج ماده ۷۲۶ کود جزا متهم است، آیا قاضی می‌تواند احوال مخففه مسئولیت جزایی مندرج ماده ۲۱۳ کود جزا را در تعیین مجازات این خانم، اعمال نماید؟  
اشتراک‌کننده‌ها راجع به این قضیه مباحثه کنند سپس پاسخ نهایی را اعلام نمایند.

## پاسخ احتمالی سوال مباحثوی فعالیت شماره (۲۷)

پاسخ این سوال به اشتراک‌کنندگان محول گردید تا پهلوه‌های مختلف قضیه را بررسی نموده و پاسخهای شان را توحید و اعلام نمایند.



## نتیجه گیری فصل دوم:

بعد از بحث پیرامون جرم فریبکاری و تحلیل و تجزیه مواد ۷۲۵ تا ۷۲۸ کود جزا و مسایل مربوط به این جرم، به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. در کود جزای افغانستان، تعریف مشخصی از جرم فریبکاری ارائه نگردیده است، اما از دیدگاه برخی حقوقدانان چنین تعریف شده است: فریب کاری عبارت است از "تسلط یافتن بر مال منقول ملکیت غیر با استفاده از فریب دادن مجنی علیه و وادار ساختن وی به تسلیمی آن مال".

۲. عنصر قانونی جرم فریبکاری را مواد ۷۲۵ تا ۷۲۸ کود جزا تشکیل می دهد.

۳. عنصر مادی جرم فریبکاری را رفتارهای چون کاربرد اسم، صفت، یا سمت کاذب، سوء استفاده از سمت واقعی، دادن اطلاع نادرست در حادثه معین، امیدوار کردن به یک امر غیر واقعی، ترسانیدن از یک امر غیر واقعی، یا هر وسیله فریبکارانه، تشکیل می دهد.

۴. فریبکاری از جرایم نتیجوی است؛ نتیجه این جرم وقتی متحقق می شود که فریب دهنده شخص طرف مقابل را به تسلیمی پول یا مال، انتقال حیات پول یا مال، وادار سازد یا برای خود یا شخص دیگری، منفعت یا خدمتی را کسب کند. عدم تحقق نتیجه، شروع به جرم فریبکاری محسوب می شود.

۵. جرم فریبکاری از جرایم عمدی است. اگر نتایج مندرج بند ۴ فوق الذکر در اثر خطای شخص واقع شود، عمل او وصف جرمی فریبکاری را بخود نمی گیرد، بلکه در صورت متضرر شدن شخص طرف مقابل، قضیه جنبه مدنی را بخود خواهد گرفت.

۶. چک عبارت از سند کتبی حاوی دستور بدون قید و شرط است که توسط صادر کننده، امضاء و بانک معین به اساس آن ملزم به پرداخت مبلغ مندرج آن می گردد.

۷. چک باید حاوی معلومات و بیاناتی چون امضای شخص صادر کننده، اسم بانک، مقدار مبلغ، امر پرداخت، تعیین شخص مستفید و تاریخ چک باشد.

۸. منظور از صدور چک در کود جزای افغانستان، تاریخ تسلیمی چک به شخص "مستفید" می باشد، نه تاریخ تحریر و امضای آن.

۹. جرم اصدار چک بلا محل به اشکال و شیوه های ذیل صورت می گیرد:

أ. دادن چک بدون وجود دارایی اعم از پول نقد یا اعتبار؛

ب. دادن چک با وجود دارایی کمتر از وجه مندرج چک؛

ج. اخراج تمام یا بعضی از دارایی بعد از دادن چک؛ به گونه ای که دارایی باقیمانده، وجه مندرج چک را کفایت نکند؛

د. اصدار امر به مرجع صرف کننده ی چک، مبنی بر عدم تأدیه پول برای دارنده ی چک؛ یا

ه. تحریر یا امضای عمدی چک به گونه ای که مانع تأدیه پول گردد.

۱۰. کود جزای افغانستان برای جرم فریب کاری مجازات متعددی را پیش بینی نموده است که عبارت اند از:

أ. حبس قصیر (فریب کاری در عقد ازدواج و اصدار چک بلا محل).

ب. حبس متوسط (فریب کاری در حالات عام و با استفاده از روش های فریب کارانه، تصرف در اموال غیر، استفاده از ضعف حالت مجنی علیه).

ج. حبس طولی تا هفت سال (استفاده از حالت مجنی علیه توسط شخصی که سرپرست "ولی، وصی یا قیم" او باشد).

## نتیجه گیری عمومی:

بعد از بحث پیرامون جرم خیانت در امانت و جرم فریبکاری و تحلیل و تجزیه مواد ۷۲۰ تا ۷۲۴ و مواد ۷۲۵ تا ۷۲۸ کود جزا و بررسی مسایل مربوط به جرایم متذکره به نتایج ذیل رسیدیم:

۱. کود جزای افغانستان تعریف مشخصی از جرم خیانت در امانت ندارد، بلکه ماده ۷۲۰ این قانون، شخص را در صورت ارتکاب یکی از رفتارهای مندرج این ماده، خائن در امانت می خواند.
۲. پول، مال منقول، سند، امضا و مهر، موضوع جرم خیانت در امانت را تشکیل می دهد.
۳. تسلیمی مال یا شی موضوع امانت توسط امانت دهنده به امانت گیرنده، برای تحقق جرم خیانت در امانت، شرط است، و این تسلیمی باید به اساس توافق، قرارداد، حکم قانون یا حکم محکمه صورت گرفته باشد.
۴. عنصر قانونی جرم خیانت در امانت را مواد ۷۲۰ تا ۷۲۴ کود جزا تشکیل می دهد، و عنصر مادی آن متشکل از رفتارهای جرمی (استعمال مال امانت، تصاحب، تلف کردن، پنهان کردن یا هر تصرفی که موجب ورود ضرر بر صاحب مال گردد) می باشد.
۵. جرم خیانت در امانت از جرایم نتیجه جوی است، و ورود ضرر بر صاحب مال، نتیجه این جرم محسوب می شود.
۶. جرم خیانت در امانت از جرایم عمدی است. لہذا، ورود ضرر بر صاحب مال در اثر خطای امانت گیرنده، موجب جبران خساره مدنی می شود.
۷. جرائم در حکم خیانت در امانت مشتمل است بر:
  - أ. اخراج مال از حيازت فروشنده توسط مشتری.
  - ب. اخراج مال از حيازت مشتری توسط فروشنده.
  - ج. تصرف در اموال تحت حجز، تحت تصرف قضا یا اموال رهنی.
۸. اندازه جزای خیانت در امانت بستگی دارد به اندازه مالی که در آن خیانت صورت گرفته است.

۹. ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط وصی، قیم، نماینده قانونی، حامل، راننده واسطه حمل و نقل، وکیل مدافع، دلال، رهنمای معاملات، صراف و کمیشن‌کار، موجب تشدید مجازات می‌شود.
۱۰. در کود جزای افغانستان، تعریف مشخصی از جرم فریب‌کاری ارائه نگردیده است، اما از دیدگاه برخی حقوقدانان چنین تعریف شده است: فریب‌کاری عبارت است از "تسلط یافتن بر مال منقول ملکیت غیر با استفاده از فریب دادن مجنی‌علیه و وادار ساختن وی به تسلیمی آن مال".
۱۱. عنصر قانونی جرم فریب‌کاری را مواد ۷۲۵ تا ۷۲۸ کود جزا تشکیل می‌دهد.
۱۲. رفتارهای جرمی فریب‌کاری مسشتمل است بر: کار برد اسم، صفت، یا سمت کاذب، سوء استفاده از سمت واقعی، دادن اطلاع نادرست درحادثه معین، امیدوارکردن به یک امر غیر واقعی، ترسانیدن از یک امر غیر واقعی، یا هر وسیله فریبکارانه.
۱۳. فریب‌کاری از جرایم نتیجوی است؛ نتیجه این جرم وقتی متحقق می‌شود که فریب دهنده شخص طرف مقابل را به تسلیمی پول یا مال، انتقال حیازت پول یا مال، وادار سازد یا برای خود یا شخص دیگری، منفعت یا خدمتی را کسب کند. عدم تحقق نتیجه، شروع به جرم فریب‌کاری محسوب می‌شود.
۱۴. جرم فریب‌کاری از جرایم عمدی شمرده می‌شود. تحقق نتایج مندرج بند ۱۳ فوق، در اثر خطا، جنبه مدنی را بخود می‌گیرد.
۱۵. چک، سند کتبی حاوی دستور بدون قید و شرط است که توسط صادر کننده، امضاء و بانک معین به اساس آن ملزم به پرداخت مبلغ مندرج آن می‌گردد. چک باید حاوی معلومات و بیاناتی چون امضای شخص صادر کننده، اسم بانک، مقدار مبلغ، امر پرداخت، تعیین شخص مستفید و تاریخ چک باشد.
۱۶. منظور از صدور چک در کود جزا، تاریخ تحریر و امضای چک نیست، بلکه منظور اش تاریخ تسلیمی آن به شخص "مستفید" می‌باشد.
۱۷. جرم اصدار چک بلا محل به اشکال و شیوه‌های ذیل صورت می‌گیرد:

- أ. دادن چک بدون وجود دارایی اعم از پول نقد یا اعتبار؛
- ب. دادن چک با وجود دارایی کمتر از وجه مندرج چک؛
- ج. اخراج تمام یا بعضی از دارایی بعد از دادن چک؛ به گونه‌یی که دارایی باقیمانده، وجه مندرج چک را کفایت نکند؛
- د. اصدار امر به مرجع صرف‌کننده‌ی چک، مبنی بر عدم تأدیه پول برای دارنده‌ی چک؛ یا
- ه. تحریر یا امضای عمدی چک به گونه‌ای که مانع تأدیه پول گردد.
۱۸. کود جزای افغانستان جزای جرم فریب‌کاری را در تناسب با جرم، حبس قصیر، حبس متوسط یا حبس طویل تا هفت سال تعیین کرده است.

## مآخذ:

۱. ابن منظور، لسان العرب، دار صادر، بیروت (نسخه PDF)
۲. ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ سوم سال ۱۳۹۲.
۳. حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، دار نافع للطباعة والنشر، القاهرة ۱۹۸۷.
۴. الدرّة، ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، المكتبة القانونية، بغداد. (نسخه PDF)
۵. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و أدلته، دار الفکر، الطبعة الثانية ۱۴۰۵ هـ.ق، دمشق.
۱. السنهوری، عبدالرزاق أحمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲. صادقی حسین میر محمد، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ ۵۲، انتشارات میزان.
۳. <http://www.accpress.com/news/1390/11>